



وزارت اقتصاد
جمهوری اسلامی افغانستان
مسوده استراتیژی افغانستان مؤلّد 2019 - 2025
افغانی سازی، صنعتی سازی، تجارتي سازی



عقرب 1397

مخفف‌ات	
اتاق تجارت و صنایع افغانستان	ACCI
ریاست گمرکات وزارت مالیه افغانستان	ACD
مرکز حل اختلافات تجارتي افغانستان	ACDR
مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان	ACEPA
بانک بین المللی افغانستان	AIB
اداره حمایت از سرمایه گذاری در افغانستان	AISA
چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان	ANPDF
پالیسی ملی تجارت افغانستان	ANTP
موافقتنامه تجارت و ترانزیت افغانستان - پاکستان	APTTA
اداره مستقل اراضی افغانستان	ARAZI
خدمات انکشاف و بازسازی افغانستان	ARDS
سیستم اتومات اطلاعات گمرکی (اسیکودا)	ASYCUDA
اتاق تجارت و صنایع زنان افغانستان	AWCCI
برنامه انکشاف حقوقی تجارتي	CLDP
اداره مرکزی مشارکت عامه و خصوصی	CPA
ریاست پالیسی حفاظت از مصرف کنندگان و رقابت وزارت صنعت و تجارت	CPCPD
اداره ملی احصائیه و معلومات	CSO
د افغانستان برشنا شرکت	DABS
شاخص کسب و کار	DBI
صندوق تقویت تولیدات داخلی و صادرات	DPEPF
اداره انکشاف صادرات افغانستان	EPAA
فدراسیون صنعت کاران و تجار افغانستان	FACT
تولید ناخالص داخلی	GDP
دولت جمهوری اسلامی افغانستان	GoIRA
شورای عالی اقتصادی	HEC
بورد مشورتي سرمایه گذاری	IAB
صندوق بین المللی پول	IMF
اداره پارک های صنعتی	IPA
صنعتی سازی تعویض واردات	ISI
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	MAIL
کمیته نظارت و ارزیابی	MEC
وزارت معارف	MoE
وزارت اقتصاد	MoEC
وزارت مالیه	MoF
وزارت امور خارجه	MoFA
وزارت صنعت و تجارت	MoIC
وزارت عدلیه	MoJ
وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین	MoLSAD
وزارت صحت عامه	MoPH
وزارت احیا و انکشاف دهات	MRRD
استراتژی ملی صادرات	NES
موسسات غیرحکومتي	NGOs
اداره تدارکات ملی	NPA
برنامه ملی دارای اولویت	NPP
حکومت وحدت ملی	NUG
سازمان همکاری های اقتصادی و انکشاف	OECD
مشارکت عامه و خصوصی	PPP
واحد پالیسی تدارکات وزارت مالیه	PPU
کمیته اجرایی انکشاف سکتور خصوصی	PRISEC

توسعه سکتور خصوصی	PSD
تحقیق و انکشاف	R&D
برنامه منطقی انکشاف زراعت- EAST	RADP-E
مزیت آشکار نسبی	RCA
کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقوی در باره افغانستان	RECCA
کمیته رهبری تعویض واردات	SCIS
اهداف انکشاف پایدار	SDGs
زون های خاص اقتصادی	SEZ
تشیثات کوچک و متوسط	SMEs
نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصتها و تهدیدها	SWOT
آموزش های تخنیکی و حرفه یی	TVET
بانک جهانی	WB
سازمان تجارت جهانی	WTO

پیام



جلالتمآب اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

اینجانب حامی قوی اولویت دادن به تولیدات داخلی بوده و خورسند هستم که سرانجام استراتژی جامع افغانی سازی در حمایت از چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان تهیه میگردد. در طی سالهای گذشته واضح شد که تا زمانی که پالیسی دادن حق اولویت به افغانستان رویدست گرفته نشود، بخش های صنعتی ما کارکرد ضعیف خواهند داشت، رقابت بدتر خواهد شد، و میزان بیکاری و فقر در کشور افزایش خواهد یافت.

این استراتژی روی بسیاری از اصلاحات تجاری که قبلاً آنها را معرفی نموده ام، بنا یافته و تمرکز تجاری آن برای آزاد گذاشتن سرمایه خصوصی غرض افزایش تولید و تعویض آنها با بسیاری از اجناس خارجی که ما به توريد آنها ادامه میدهیم، بسیار مهم و حیاتی است. بیلائس تجارت کشور مایه نگرانی بوده نه فقط برای اینکه پایدار نیست بلکه برای اینکه چیزی که این کار در مورد وضعیت اقتصادی ما ارائه میکند و اولویتهایی که ما به مثابه مصرف کننده گان داریم.

چارچوب تشویقی که درین استراتژی ارائه شده به خانواده ها، متشبتین کوچک و متوسط و شرکت های بزرگ کمک میکند تا درآمد شانرا افزایش داده، خطرات را بهتر مدیریت کرده، به خدمات مالی بهتر دسترسی یافته و همچنان از پارک های زراعتی و مناطق خاص اقتصادی جای که محیط تجارت و وضعیت سرمایه گذاری برتری رقابتی را تامین کرده، سود خواهند برد. به ارتباط افزایش تولیدات زراعتی، سمنت و ادویه، میخوام سرمایه گذاری درین عرصه ها تشویق کنم و میدانم که انجام اصلاحات تجاری پیشبینی شده باعث افزایش تولیدات داخلی در آینده نزدیک خواهد شد.

پیام



جلالتمآب دوکتور عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان

از دیر زمانی در آرزوی روزی بودم که افغانستان بتواند از همه ظرفیت های خویش استفاده کند. این ستراتیژی، که تکمیل کننده ستراتیژی ملی صادرات میباشد، امیدواری میدهد که نسل بعدی ابزار انکشافی در جهت تامین اولویت ها و نیازمندی های هموطنان بصورت بهتر استفاده خواهد شد. با کاهش کمک های انکشافی بین المللی، این ستراتیژی به ما کمک میکند تا به پای خود ایستاده شده و خطرات ناشی از تغییرات و عدم اطمینان ناشی از صدمات خارجی را کاهش دهیم.

به مثابه یک کشور تجارتي، این قوت سکتور خصوصی است که در نهایت موفقیت ما را به مثابه یک اقتصاد تعیین خواهد کرد. حکومت یکی از طرفین مهم درین پروسه بوده، مگر قضاوت در مورد ما باید به اساس چگونگی کمک ما به توسعه تجارت، نه ایجاد موانع در برابر آن، صورت گیرد. درحالیکه ما برای افزایش صادرات و از بین بردن کسر تجارتي تلاش میکنیم، میدانیم که این کار صرف زمانی ممکن است که از سکتور خصوصی حمایت لازم صورت گیرد. ما بعد از سرمایه گذاری میلیارد ها دالر به این نتیجه رسیده ایم که پول به تنهایی نمیتواند باعث انکشاف شود بلکه به اتخاذ پالیسی جدید برای کاهش خطرات در برابر توسعه بخش خصوصی به شمول سرمایه داران کوچک و شرکت های بزرگ نیاز داریم.

از بین بردن کسر تجارت و کسر حساب جاری از طریق تعقیب پالیسی مشترک افزایش صادرات و کاهش کالاهای وارداتی به نحوی بهتری امکان پذیر است. ما باید قادر شویم تا سرنوشت خویش را خود تعیین کنیم. برای انجام این کار، باید از چارچوب تشویقی موجود بسوی سرمایه گذاری پایدار گذار نماییم. بدون اشتغال زایی در داخل کشور، مشکل مهاجرت به اروپا ادامه یافته و نسل های بعدی به عوض ماندن در کشور در جستجوی فرصتها در خارج از کشور خواهد بود.

اقتصاددانان بخش اقتصادی موافقتند که انکشاف موفق مستلزم افزایش ارزش دارایی ها در نتیجه بدست آوردن سود آنها است. در اصل، این بدان معنی است که جریان عواید در آینده توسط سرمایه گذاری در حال حاضر مشخص میشود. بزرگترین هزینه فرصت برای ما زمان است و زمان چیزی است که دوباره برنمیگردد.

ما از برنامه سرمایه گذاری ارائه شده درین سند قویاً پشتیبانی نموده و به عنوان رئیس اجرائیه ازین اصلاحات که توسط شورای عالی اقتصادی تصویب شده، پشتیبانی کامل خویش را اعلان میدارم. همچنان با همکاران خویش در کابینه، جامعه مدنی و بخش خصوصی جهت تطبیق کامل این تعهدات کار خواهیم کرد.

پیام



جلالتمآب دوکتور مصطفی مستور وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان

به نماینده گی از حکومت وحدت ملی، خوش هستم که سند "افغانستان مولد- استراتژی تعویض واردات (۲۰۲۵-۲۰۱۹)" را که روی افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی متمرکز است، پیشکش مینمایم. این استراتژی تکمیل کننده و با چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان و استراتژی رشد که رشد تولید ناخالص داخلی ۸ درصد و بیشتر از آنرا الی سال ۲۰۲۵ پیشبینی مینماید، همسویی کامل دارد.

حکومت در مورد کسر تجارت و اتکای بیش از حد بالای اجناس و خدمات توردی نسبت به کالاهای داخلی عمیقاً نگران است. باتوجه به میزان روزافزون بیکاری و فقر، افزایش میزان تولید داخلی (به شمول پایین آوردن هزینه های تولید) باید در صدر اولویتهای حکومت قرار گیرد. هزینه های وارداتی به علت کاهش ارزش پول افغانی افزایش می یابد. در چنین محیط پرچالش برای تجارت، میدانیم که سرمایه گذاران ترجیح میدهند تا از سرمایه گذاری بزرگ اجتناب ورزیده، و به عوض پایه گذاری رشد درازمدت به بدست آوردن منقعت های کوتاه مدت به پردازند. همه این مشخصات سرمایه گذاری در شرایط جنگ و بی ثباتی کاملاً منطقی به نظر میرسند.

در شرایط کنونی، قدرت خرید ملی ما اشتغال را در خارج از کشور بوجود آورده درحالیکه نیاز مبرم به اشتغال زایی در داخل کشور داریم. درحالیکه امکان تعویض بخش اعظم کالاهای وارداتی وجود ندارد، این استراتژی تعداد مشخص محصولات را شناسایی کرده که نشان دهنده ظرفیت قابل ملاحظه برای تعویض میباشد. ما میدانیم که اولویتهای مصرفی همیشه توسط قیمت معین نشده و در نتیجه ما باید به بهبود بازاریابی برای محصولات و علایم تجارتی به مثابه بخشی از پروسه سرمایه گذاری که باعث توسعه صنایع کوچک میگردد، مبادرت ورزیم.

از همین جهت خوش هستم که این استراتژی را پیشنهاد میکنم که روی افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی متمرکز میباشد. *افغانی سازی* به معنی سرمایه گذاری بالای تولیدات داخلی به عوض اجناس و خدمات خارجی میباشد. *صنعتی سازی* به معنی بهبود و انکشاف تولیدات داخلی و پیچیده گی اقتصادی به هدف حمایت از افزایش ارزش و تحت تصرف در آوردن بازارهای داخلی میباشد. *تجارتی سازی* به معنی استفاده از طرق و راه های جدید برای تقویت برتری رقابتی سکتور خصوصی، و انتقال بسوی فعالیتهای بزرگتر تجارتی میباشد. ما دارای زمین، نقدینگی زیاد در سکتور بانکی، نسلی از کارگران تشنه کسب دانش و مهارتها بوده در حالیکه جامعه جهانی علاقه مند حمایت از ما میباشد.

نوآوریهای زیادی که دریناستراتژی پیشنهاد شده باعث خوشی ما میگردد. ما باید پالیسی اقتصادی خویش را تقویت نموده و آنرا در عمل پیاده کنیم. همکاران بین المللی ما طور مثال گندم و سایر محصولات را از بیرون خریداری میکنند درحالیکه امکانات تهیه آنها از بازار داخلی موجود است. ما باید از اشکال مختط تمویل که خطرات در برابر توسعه سرمایه خصوصی را کاهش میدهد، استفاده کرده و همچنان باید شمولیت مالی را تقویت کنیم. ما باید از پالیسی صنعتی سازی تدریجی حمایت کرده و بدانیم که بلند بردن تعرفه های وارداتی به تنهایی روی تعویض و تعویض اثرگذار نخواهد بود. ما همچنان باید از پروسه های عرضه از بالا به پایین به سرمایه گذاری در تقاضای هرچه موثرتر و همگرایی بیشتر بازارهای داخلی انتقال نماییم. از همه مهمتر، باید قبول کنیم که خواب یک افغانستان خودکفا در نهایت میتواند به واقعیت تبدیل شود.

A photograph showing a man in a white shirt and pants using a shovel to dig in a field of dry grass. Another person is standing in the background. The scene is dusty and appears to be a dry, arid environment.

تعویض کالاهای وارداتی با
کالاهای داخلی

فهرست مندرجات

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... مخففات

XIII.....

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... چکیده گزارش

1. وضعیت و پیشینه مشکلات رشد و تعویض واردات ۱

1.1.	مقدمه	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.....
1.2.	رشد متغیر و متکی بر زراعت	۲.....
1.3.	بیانس تجارت، ترکیب واردات و کشورهای مبدأ	۴.....
1.4.	سهم سکتور تولیدی و صنعتی در تولید ناخالص داخلی	۶.....
1.5.	اصلاح شرایط تجارت	۷.....
1.6.	اشتغال	۷.....
1.7.	رشد نفوس	۸.....
1.8.	رقابت و تجارت عادلانه	۸.....
1.9.	هزینه های بلند تولید	۸.....
1.10.	کاهش ارزش پول	۹.....
1.11.	شمولیت مالی	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.....

2. استراتژی تعویض واردات ۱۱

2.1	شواهد چی را نشان میدهد؟	۱۱.....
2.2	دیدگاه	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.....
2.3	اهداف عمومی	۱۴.....
2.4	انتخاب معیارها برای انکشاف اقلام صنعتی	۱۴.....
2.5	انتخاب اقلام پیشنهادی و گروپ محصولات	۱۶.....
2.6	شیوه عمومی تعویض واردات	۱۶.....
2.7	غلبه بر مشکلات بخش عرضه	۱۷.....
2.8	غلبه بر مشکلات بخش تقاضا	۱۷.....
2.9	شیوه انکشاف فضای محصولات	۱۸.....
2.10	خلاصه استراتژی تعویض واردات	۱۹.....

3 اقدامات تشویقی تعویض واردات ۲۲

3.1	اقلام صنعتی پیشنهادی	۲۲.....
3.2	انجام کسب و کار	۲۴.....
3.3	ماترین اقدامات تعویض واردات	۲۵.....

4 شاخصهای مهم کارکرد در زمینه افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی ۳۲

4.1	افغانی سازی- ارجحیت دادن به تولیدات داخلی	۳۲.....
4.1.1	شیوه:	۳۲.....
4.1.1	شاخص های مهم کارکرد:	۳۲.....
4.2	صنعتی سازی- تحول فوری ارزش افزایی	۳۳.....
4.2.1	شیوه:	۳۳.....
4.2.1	شاخصهای مهم کارکرد:	Error! Bookmark not defined.
4.3	تجارتی سازی- گسترش سرمایه خصوصی	۳۴.....
4.3.1	شیوه:	۳۴.....
4.3.1	شاخصهای مهم کارکرد:	۳۴.....

5 تاثیرات درازمدت متوقعه ۳۶

4.2	حالت های سرمایه گذاری	۳۶.....
4.3	حالت اول رشد: صلح، تعویض واردات و رشد صادرات	۳۸.....
4.4	هزینه های سرمایه گذاری:	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.....
4.5	تاثیر درازمدت روی تولید ناخالص داخلی	۳۸.....
4.6	تاثیر درازمدت روی بیانس تجارت	۳۹.....
4.7	تاثیر درازمدت روی حساب جاری	۳۹.....
4.8	تاثیر درازمدت روی اشتغال	۳۹.....
4.9	حالت دوم رشد: ادامه جنگ، تعویض واردات و رشد صادرات	۳۹.....
4.10	هزینه های سرمایه گذاری	۴۰.....
4.11	تاثیر درازمدت روی تولید ناخالص داخلی	۴۰.....
4.12	تاثیر درازمدت روی بیانس تجارت	۴۰.....

تاثیر درازمدت روی حساب جاری	4.13
حالت سوم رشد: کار طبق معمول	4.14
هزینه های سرمایه گذاری	4.15
تاثیر درازمدت روی تولید ناخالص داخلی	4.16
تاثیر درازمدت روی بیلانس تجارت	4.17
تاثیر درازمدت روی حساب جاری	4.18
تاثیر درازمدت روی اشتغال	4.19

6 وظایف حمایتی

تصویب پالیسی صنعتی	6.1
همآهنگی میان کابینه و شورای عالی اقتصادی	6.2
انسجام پالیسی و استراتژی	6.3
تهیه مدل جدید اقتصاد ملی	6.4
ایجاد شرایط مساعد برای تولیدات داخلی	6.5
دسترسی به قرضه	6.6
نیازمندی محصولات داخلی در تدارکات حکومتی	6.7
بهبود مدیریت زمین برای توسعه زراعت تجارتی	6.8
بهبود شاخصهای انجام تجارت با استفاده از تحلیل وضعیت در سطح ولایات	6.9
اصلاح سیستم دسترسی به برق صنعتی	6.10
اصلاح سیستم مالیاتی	6.11
سندردسازی، بازاریابی و توسعه	6.12

7 پلان تطبیقی

شیوه تطبیق	7.1
دوره سالانه پلانگذاری در چوکات پلان درازمدت	7.2
ساختارهای جدید تحقیق در مورد پالیسی و هماهنگی	7.3
مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان	7.3.1
کمیته رهبری تعویض واردات	7.3.2
زمان برای تطبیق	7.4
ترتیبات نهادی	7.5
نقش وزارتها و ادارات حکومتی	7.5.1
هزینه	7.6

8 نظارت و ارزیابی

فهرست کتبی که در تهیه این ستراتیژی از آنها استفاده شده است
ضمایم

جدول ۱: سیستم مشوقهای صنعتی همراه با حفاظت	۱۱
جدول ۲: طبقه بندی اقدامات عمده تعویض واردات	۱۳
جدول ۳: اولویتهای اقلام صنعتی	Error! Bookmark not defined.
جدول ۴: ماتریس اقدامات تعویض افغانستان مولد	۲۶
جدول ۵: خلاصه سه حالت- تاثیر درازمدت الی سال ۲۰۲۵ (به میلیارد دالر امریکایی)	Error!
جدول ۶: افزایش دهنده ها (ضرریهای) اشتغال اقلام صنعتی	۳۹
جدول ۷: حالتها خط مبدا، اصلاحات و جنگ، و اصلاحات و صلح	۴۲

Bookmark not defined.

چارت ۱: رشد تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۲-۲۰۱۷) و سهم سکتورها دران	۳
چارت ۲: حالتها رشد تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۵-۲۰۲۳)	۳
چارت ۳: واردات و صادرات (۲۰۰۸-۲۰۱۷)	۶
چارت ۴: عناصر متشکله رشد غیرزراعتی	Error! Bookmark not defined.
چارت ۵: بیکاری به اساس جنسیت و بخش های شهری و روستایی	Error! Bookmark not defined.
چارت ۶: بهبود شرایط قانونی افغانستان	۲۴
چارت ۷: گرایشها در نسبت سپرده ها و قرضه	۴۷
چارت ۸: عناصر متشکله انجام کسب و کار در افغانستان برای سال ۲۰۱۸	Error! Bookmark not defined.
چارت ۹: فاصله افغانستان تا نقاط سرحدی در مقایسه با منطقه (۲۰۱۸)	Error! Bookmark not defined.

..... (۲۰۱۶-۲۰۰۸) عواید حکومت افغانستان	۱۰. چارت
..... ترکیب عواید مالیاتی	۱۱. چارت
Error! Bookmark not defined. (۲۰۱۷-۲۰۱۶) ترکیب واردات افغانستان	۱۲. چارت

اشکال

..... (۲۰۱۶) ترکیب واردات افغانستان	۱. شکل
..... (۲۰۱۶) مبدای واردات افغانستان	۲. شکل
..... سهم چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان، ستراتیژی ملی صادرات و ستراتیژی تعویض واردات ...	۳. شکل
Error! Bookmark not defined. شیوه صنعتی سازی تحت رهبری زراعت	۴. شکل
..... شیوه سرمایه گذاری اصلی، کمکی و خدماتی	۵. شکل
..... خلاصه ستراتیژی تعویض واردات	۶. شکل
..... شیوه کلی پلان تطبیقی	۷. شکل
Error! Bookmark not defined. چارچوب کلی نظارت برای ستراتیژی افغانستان مولد	۸. شکل

سپاس گذاری:

وزارت اقتصاد از کمک مالی دفتر اتحادیه اروپا در افغانستان بخاطر تدارک کمک تخنیکي شان سپاسگذاری مینماید. همچنان وزارت اقتصاد از برنامه انکشاف جامع زراعت و دهات (CARD-F) وزارت زراعت، آبیاری و مالداري به خاطر تهیه عکسها برای این ستراتیژی اظهار سپاس و امتنان مینماید.



اصطلاحات مهمی که درین
استراتژی استفاده شده است

اصطلاحات مهم	
افغانی سازی	به معنی پالیسی دادن حق اولویت به تقویت پایدار ظرفیت های افغانها در گام نخست و ترجیح دادن به محصولات داخلی نسبت به اجناس خارجی، تقویت همسویی و تطابق با چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان و حمایت از اتخاذ تدابیر جدیدی که در شرایط افغانستان موثر باشند.
صنعتی سازی تعویض کالاهای وارداتی	پالیسی تجارت و اقتصاد افغانستان که از تعویض کالاهای وارداتی با محصولات داخلی، از بین بردن کسر تجارت کسر حسابهای دارایی، و تقویت اشتغال و خودکفایی جایی که مزیت نسبی وجود دارد، حمایت میکند. پالیسی افغانستان روی شیوه صنعتی سازی برنامه ریزی شده، استوار میباشد.
مزیت آشکار نسبی	تدابیر مزیت آشکار نسبی برای کمک به بررسی ظرفیت های صادراتی یک کشور مورد استفاده قرار میگیرد. برتری آشکار نسبی نشان میدهد که آیا یک کشور در پروسه توسعه محصولات قرار دارد که در آنها برخلاف وضعیتی که در آن تعداد کالاهایی که میتوانند بصورت رقابتی صادر شوند ثابت میباشد، دارای ظرفیت تجارتی هست یانه. برتری آشکار نسبی همچنان معلومات مفیدی را در مورد دورنمای تجارت بالقوه با شرکای جدید بدسترس قرار میدهد. کشورهای دارای مشخصات مشابه برتری آشکار نسبی نمیتوانند دارای شدت در تجارت دوجانبه بوده باشند مگر آنکه تجارت صنعتی شامل آن بوده باشد. تدابیر مربوط به برتری آشکار نسبی، در صورتیکه در سطوح بلند عدم تراکم کالاها تخمین شوند، میتواند توجه را روی سایر محصولات غیر سنتی که موفقانه صادر میشوند، متمرکز سازد. شاخص برتری آشکار نسبی یک کشور برای یک کالا توسط سهم آن کالا در صادرات کشور در ارتباط با سهم آن در تجارت جهانی سنجش میشود.
فضای محصولات	فضای محصولات به معنی شبکه است که کالاهایی را باهم پیوند میدهد که میتوانند بصورت مشترک صادر شوند و میتوانند برای پیشبینی تکامل ساختار صادراتی یک کشور استفاده شود. پس، اگر افغانستان هم اکنون انار را صادر میکند درینصورت امکانات بهتری را برای صادرات نمودن جوس انار نسبت به تولید وسایط نقلیه زرهی دارا میباشد. افغانستان دارای مزیت آشکار نسبی در صادر کردن ۶۳ قلم کالا بوده است (این بدان معنی است که سهم آن در صادرات جهانی از آنچه از حجم اقتصاد صادراتی و از حجم بازار جهانی یک کالا انتظار میرود، بیشتر میباشد).
مجاورت کالاها	شبکه کالاها عبارت از شبکه است که مفکوره نسبت را میان کالاهایی که در اقتصاد جهانی مورد دادوستد قرار میگیرند، رسمیت میبخشد. شبکه کالاها دارای اثرات قابل ملاحظه بالای پالیسی اقتصادی بوده چون ساختار آن به توضیح این مسئله کمک میکند که چرا شماری از کشورها دارای رشد ثابت اقتصادی بوده ولی دیگران راکد شده و قادر به رشد نیستند. این مفهوم توسط نقشه های صادرات کالاها و شاخص های جدید چون شاخص پیچیده گی اقتصادی که در اطلس پیچیده گی اقتصادی در نظر گرفته شده، توسط دفتر ناظر پیچیده گی اقتصادی بیشتر انکشاف داده شده است.
اتصال به پیشینه و آینده	اتصال به آینده وقتی بوجود می آید که سرمایه گذاری در یک پروژه مشخص سرمایه گذاری در مراحل بعدی تولید را تشویق میکند. اتصال به پیشینه زمانی ایجاد میشود که یک پروژه، سرمایه گذاری در تاسیساتی را تشویق کند که پروژه را به موفقیت میرساند. بصورت عادی، پروژه ها ارتباطات به جلو و عقبی هر دو را ایجاد میکنند.
سرمایه گذاری های اساسی، کمکی و خدماتی	پروژه اساسی عبارت از سرمایه گذاری عمده است که یک سرمایه گذاری اساسی چون سرکها، زونهای خاص اقتصادی، فابریکه برق آبی ویا بندرگاه را حمایت میکند. سرمایه گذاریهای کمکی عبارت از سرمایه گذاریهایی است که توسط سرمایه گذاریهای اساسی امکان پذیر شده که شامل سرکهای فرعی دسترسی به بازارها، برق ویا تمویل میگردد. پروژه های خدماتی عبارت از سرمایه گذاریهایی است که توسط عرضه کارها، خدمات و مواد در نتیجه سرمایه گذاریهای اساسی و کمکی امکان پذیر میشوند. طورمثال، اگر یک زون خاص اقتصادی به عنوان یک سرمایه گذاری اساسی ایجاد میشود، و خدمات مالی، رژیم های تنظیم کننده و سایر خدمات تجارتی فراهم میشود، تعداد زیاد پروژه های خدماتی شامل تشبثات کوچک و متوسط عرض میتوانند در بازار اندام کرده که از تعمیرات نگه داری کرده، حمل و نقل را تامین کرده، و تامین مواد خوراکی و خدمات مدیریت تجارت را ارائه میکنند.



چکیده گزارش

چکیده گزارش

افغانستان از جهات مختلفی یک جامعه‌ی عقب مانده به شمار می‌رود، که برای دسترسی به واردات ضروری‌اش نیازمند کمک‌های هنگفت بیرونی است. از آنجا که دولت افغانستان می‌خواهد اقتصاد این کشور تا سال ۲۰۲۴ به خودکفایی برسد، تعویض واردات با تولیدات داخلی – در بخش‌هایی که ممکن است – راهکار مهمی در این راستا خواهد بود. با در نظر داشت این، استراتژی افغانستان مولد دسته‌ای از انگیزه‌های تشویقی را شامل می‌شود که برای بهبود وضعیت فعلی تجارت، رشد اقتصادی پایدار و اشتغال‌زایی کمک خواهند کرد. رویکرد این استراتژی مبتنی بر سیاست حمایت صنایع داخلی نه بلکه بر پایه‌ی مشوق‌های تولیدی بنیان یافته است. این استراتژی نقش مهمی را برای دسترسی به اهداف "چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان" بازی خواهد کرد، که موارد عمده‌ی زیر را برای آن می‌توان برشمرد:

- رسیدن به رشد اقتصادی ۵ درصد در مدت شش سال (تا ۲۰۲۴)
- بهبود چشمگیر تراز تجاری
- بسیج بیشتر سرمایه‌ی خصوصی برای اهداف توسعه‌ای
- بالا بردن سطح صادرات به ارزش بالاتر از دو میلیارد دلار آمریکایی در سال تا سال ۲۰۲۴
- بالا بردن عواید داخلی به هشت میلیارد دلار آمریکایی در سال تا سال ۲۰۲۴
- کاهش سطح فقر، به شمول مناطق محروم (دیدگاه درازمدت و فزاینده از ۲۰۲۴)

با آن که در کل سیاست تعویض واردات نسبت به سیاست تشویق صادرات در جهان کم‌اهمیت‌تر پنداشته می‌شود، در حالت کنونی اقلیمی که از افغانستان بتوانند به بیرون صادر شوند، منفی تولیدات معدنی، تعدادشان ناچیز است. با در نظر داشت چالش‌های اقتصادی و محدودیت‌های ناشی از محیط سرمایه‌گذاری و تجاری در افغانستان، آسان‌تر خواهد بود تا این کشور بالای تعویض برخی اقلام وارداتی تمرکز کند. به جای این که با تمرکز بالای سیاست "تشویق صادرات"، در بازار جهانی به رقابت بپردازد؛ عرصه‌ای که در آن زیربناها به مراتب با کیفیت‌تر و پیشرفته‌تر هستند. با این حال، پیش گرفتن سیاست دوگانه‌ای که تعویض واردات را همزمان با تشویق صادرات هماهنگ کند و بیش‌تر روی تولید داخلی استوار باشد، از اتکای بیش از حد بالای یک رویکرد (تشویق صادرات) خواهد کاست. از طرفی، رقابت در بازارهای پرهزینه‌ی جهانی برای تراز تجاری افغانستان چندان هم مفید واقع نشده و هنوز هم پر از چالش است.

اصلاح رشد اقتصادی کاذب

از سال ۲۰۰۱ به این سو، بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار آمریکایی پول خارجی در افغانستان به مصرف رسیده است. تنها هزینه‌ی جنگ در سال ۲۰۱۸ در این کشور به ۴۵ میلیارد دلار آمریکایی رسید. در همین سال، ۶۶ درصد بودجه افغانستان هنوز هم از طرف شرکای خارجی ما پرداخته شد. در حالی که، میزان کمک‌های رسمی برای توسعه از ۱۳ میلیارد دلار آمریکایی در سال ۲۰۱۱ به ۵ میلیارد دلار آمریکایی در سال ۲۰۱۶ کاهش یافت. سرازیر شدن پول‌های هنگفت نقش سبب‌ساز را در اقتصاد افغانستان بازی کرده است، که انگیزه برای سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار داده و باعث بالا رفتن مصنوعی قدرت خرید مردم شده است.

این در حالی است که کسری تجاری افغانستان در سال ۲۰۱۶ اندکی کمتر از ۷ میلیارد دلار آمریکایی بود که برابر است با ۴۰ درصد درآمد ناخالص داخلی همان سال. بدین معنی که بالا رفتن قدرت خرید مردم به بالا رفتن و تقاضای بیش‌تر به تولیدات و خدمات داخلی منتج نشده است. به جای آن، افغانستان به شکل گسترده‌ای متکی به یک اقتصاد تجاری (وارداتی) باقی مانده است. این در حالی است که قدرت خرید مردم هم با کاهش کمک‌های مالی بیرونی به تدریج پایین خواهد آمد.

با توجه به این که افغانستان شاهد گذار جمعیتی است و فرصت برای اتخاذ رویکرد "نخست افغانستان" هم مغتنم است، این استراتژی (افغانستان مولد) چارچوب به‌موقعی را برای سرمایه‌گذاری برای تعویض واردات – در بخش‌هایی که تولیدات ما مزیت نسبی دارند – ارائه می‌کند.

از مهم‌ترین یافته‌های این سند، این است که این عیار شدن قیمت‌ها در بازار نه بلکه ناکامی‌های بازار است که باعث گُند شدن رشد، مانع تعویض واردات و پایین ماندن توان صادراتی افغانستان شده است. با آن که ارزش افغانی به تدریج در مقابل ارزهای بین‌المللی رو به کاهش بوده اما این کاهش باعث بالا رفتن سطح صادرات یا به میان آمدن امتیاز قیمتی برای تولیدات داخلی نشده است. افزون بر این، بالا بردن سطح تعرفه بالای واردات تخم مرغ از ۸ به ۲۰ درصد نشان می‌دهد که تغییری در سطح تولید آن در داخل نیامده است. در عوض، باعث بالا رفتن قیمت (تورم) این کالا شده است. بناء دولت قصد ندارد به حمایت صنایع داخلی از طریق بلند بردن تعرفه دست بزند و به جای آن، اکیدا تلاش خواهد کرد تا مشوق‌های تولیدی را زیاد بسازد و از ریسک سرمایه‌گذاری کم کند. در عین حال، شیوه‌های جدیدی را برای رشد اقتصادی روی دست بگیرد تا به سرعت بخشیدن تولیدات زراعتی تجاری در سطح بزرگ بیانجامد.

بررسی اقلام وارداتی اما نشان می‌دهند که در حالت کنونی، برخی از کالاها و خدمات نمی‌توانند در آینده‌ی نزدیک در داخل تولید شوند. ولی اقلام دیگری از جمله محصولات زراعتی و مواد ساختمانی با اندک‌ترین توجه قابلیت تولید پرمفعت را

برای سکتور خصوصی دارند. ایجاد زمینه‌ی تولید این محصولات، توسعه زنجیره‌های ارزش، و بالا بردن توانایی رقابت، رویکردهایی هستند که اجرای آن‌ها فرصت به تولیدات داخلی را میسر می‌سازد. تا آن زمانی که انگیزه‌ها برای غنای‌سازی تولیدات داخلی به میان نیامده و اجرا نشده اند، رشد اقتصادی روی ثبات نخواهد دید تا باعث ایجاد کار و بلند رفتن درآمد ملی شود.

چرا پالیسی تعویض واردات؟

هرچند سیاست تعویضی واردات از دهه‌ی هفتاد میلادی بدینسو میان همکاران انکشافی بین‌المللی طرفداران زیاد ندارد، واقعیت امر این است که بیشتر کشورهای همسایه‌ی افغانستان به نحوی سیاست صنعتی‌شان برپایه‌ی تعویض واردات بنیان یافته است. به طور عام باور به این است که بیشتر کشورهای توسعه‌یافته در گذشته از این سیاست همانند تخته‌ی خیز برای رسیدن به غنای اقتصادی استفاده کرده اند. اضافه بر این، کشورهای همسایه‌ی افغانستان که تنوع تولیداتی‌شان مشابه به هم است و به بازارهای جهانی نزدیکتر نیز هستند، که این مزیت برایشان کمک می‌کند تا میزان واردات‌شان را به آسانی کم کنند، به جای این که به بالا بردن صادرات و رسیدن به بازارهای جدید تلاش کنند.

در تصویر بزرگتر، تداوم خشکسالی در هر چهار سال، به اندازه‌ی یک سال محصولات زراعتی را در افغانستان نابود می‌کند، تداوم ناامنی بالای سرمایه‌گذاری خصوصی تأثیر منفی می‌گذارد، و در درازمدت، ادامه کمک‌های جهانی هم نباید دایمی تلقی شود. اگر ارزش پول ملی هنوز هم کاهش یابد، ارزش واردات را بالاتر خواهد بُرد، که احتمال زیاد می‌رود باعث بالا رفتن قیمت مواد اولیه شود که اغلب از طرف فقیرترین اقشار جامعه به مصرف می‌رسند. با آن هم، در چارچوب یک سیاست عاقلانه‌ی اقتصادی و تجاری، هم رشد بخش زراعتی و هم غیرزراعتی بهبود خواهد یافت که برای حل معضله‌های مشترک کنونی کمک خواهد کرد. از جمع این معضله‌ها، سرانجام شدن تعداد زیاد پناهنده افغان به بیرون است که زیان‌های درازمدت کاهش رشد اقتصادی در کشور را نمایان می‌سازد.

استراتژی مبتنی بر شواهد

وزارت اقتصاد به این باور است که ایجاد تنوع در تولیدات به ثبات و تداوم رشد اقتصادی در کشور می‌انجامد، و اقتصاد کشور را در برابر تکانه‌های اقلیمی و اقتصادی - دو عاملی که افغانستان از آن آسیب‌پذیر بوده - از استقامت بیشتری برخوردار می‌سازد. این سند در هماهنگی با استراتژی‌های مرتبط دیگر مثل برنامه ملی دارای اولویت توسعه سکتور خصوصی و استراتژی ملی صادرات، نقش بازی خواهد کرد و تطبیق آن برای رسیدن به اهداف چارچوب ملی صلح و توسعه حیاتی است.

توجه اصلی این استراتژی بالای سه اصل متمرکز است: **افغانی‌سازی، تجارتی سازی، صنعتی‌سازی**. این استراتژی، پس از بررسی موانع اولیه، بر پایه‌ی شواهد تهیه شده و رویکرد ابتکاری آن تدوین برنامه‌های تشویقی برای رشد سطح تولید در قسمت کالاهای خاص است.

این استراتژی به سوال‌های مهم زیر پاسخ می‌دهد:

- کدام کالا، مواد، تجهیزات و خدمات می‌توانند در داخل تولید شوند و به آسانی بتوانند با کالاهای خارجی رقابت کنند؟
- کدام روش‌های تعویض واردات می‌توانند در وضعیت افغانستان بیشترین موثریت را داشته باشند و سیاست افغانی‌سازی تولید مستلزم چی می‌باشد؟
- کشاورزان و شرکت‌ها چگونه حمایت شوند تا به توانمندی‌های لازم برسند و توانایی رقابت‌شان بالا برود؟
- در موجودیت نقدینه‌گی زاید در بانک‌ها، اقتصاد متکی به دالر، ساختار ضعیف نظارت پولی و نبود زیربنای کافی، کدام شیوه‌های جدیدی روی دست گرفته شوند تا به راه حل‌های درازمدت بیانجامند؟
- دولت چگونه اطمینان حاصل کند که شرکت‌های داخلی به سوی خودکفایی حرکت می‌نمایند؟

برای تهیه این استراتژی وزارت اقتصاد موضوعات اصلی را ارایه کرده است، که بیشتر اصلاحات پیشنهادی بوده بر پایه‌ی اسناد و استراتژیهای قبلی جمع‌آوری شده اند و یا هم به شکل اولویت‌های جدیدی معرفی شده اند. این استراتژی با در نظر داشت نهادهای نیدخل دستگاه حکومت در کلیت آن ایجاد شده است.

افغانی سازی- ارجحیت دادن به تولیدات داخلی

در اساس، "افغانی‌سازی" ابتکاری از طرف حکومت افغانستان برای به حد اعلی رساندن رشد اقتصادی و کارایی برای شهروندان و شرکت‌های داخلی است، که بالترتیب صاحب شغل خوب (در بخش خصوصی یا دولتی) و صاحب توانمندی تولید در داخل کشور شوند. با در نظر داشت کمک‌های هنگفت بیرونی اتکای بیش از حد بالای واردات بوده است، که به کسری تجاری، کسری حساب جاری، عدم علاقمندی به سرمایه‌گذاری داخلی و پایین ماندن سطح توانمندی‌ها منجر شده

است. بسته‌ی تشویقی برای افغانی‌سازی شامل تدابیری می‌شود که برای کاهش قیمت تولید در افغانستان برای بالا بردن توان تولید داخلی طراحی شده‌اند. تدابیر اساسی آن قرار ذیل استند:

- اتخاذ سیاست "نخست افغانستان" در تمامی مراحل توسعه اقتصادی
- ارجحیت به شرکت‌های افغان برای بستن قراردادها - موقعی که ممکن و مناسب باشد
- ایجاد رهنمود و مقررات برای به کارگیری مواد خام داخلی در تولید
- تسریع تلاش‌ها برای کاهش نقش دالر در اقتصاد کشور
- ایجاد بازار سهام به شمول صدور صکوک
- فایق آمدن بر ناتوانی‌ها برای افزایش سطح تولید داخلی
- کم کردن هزینه‌ی تولید داخلی و ریسک سرمایه‌گذاری
- ایجاد کار و افزایش رشد اقتصادی

صنعتی سازی- تحول فوری برای ارزش افزایی

اقداماتی که تا حال در جهت صنعتی‌سازی در کشور صورت گرفته‌اند کافی نمی‌باشند. تحلیل جامع صناعی بهم پیوسته که وجودشان لازم و ملزوم یکدیگر اند به گونه منظم صورت نگرفته، ضریب موثریت واردات اندازه‌گیری نشده و هیچ عامل افزون‌کننده‌ی کار هم شناسایی نشده است. بسته‌های تشویقی برای بخش تولید کمتر ایجاد نشده‌اند، که به کاهش فعالیت‌های تولیدی و صنعتی منجر شده است. این به نوبه‌ی خود بالای نرخ کار تأثیر منفی گذاشته است. در نتیجه، جا انداختن و عملی کردن سیاست تعویض واردات در قدم اول باید کمبود معلومات و تحلیل‌های اقتصادی را رفع کند تا بتواند به نتیجه‌ی مطلوب دست یابد. بنا بر این، رویکرد مقدماتی باید مبتنی باشد بر ارایه کمک‌های مستقیم برای پیش‌برد صنعت و تولید اقلام مشخص که در آن مزیت رقابتی امکان‌پذیر است و نه تنها منتظر ماندن برای ایجاد خود به‌خود "فضای محصولاتی" و زنجیره‌های جدید ارزش. با همکاری نزدیک با بخش خصوصی، طرح‌های جبران ریسک و مشوق‌ها باید روی دست گرفته شوند:

- معافیت مالیاتی برای چندین سال برای شرکت‌های تازه تأسیس و اقلیمی که به آن‌ها اولویت داده می‌شود به منظور تشویق سرمایه‌گذاری
- شناسایی و حمایت از زنجیره‌های ارزشی در صنایع به هم‌پیوسته پیشنهادی برای تعویض، که دورنمای بهتر برای ارزش‌افزایی دارند
- بهبود بخشیدن دسترسی به منابع مالی و دسترسی به خدمات بانکی به منظور حمایت از صنعت و شرکت‌های کوچک و متوسط
- تقویه بسته‌های تشویقی مالی و غیرمالی برای تولیدکننده‌های داخلی در جهت حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری داخلی
- شناسایی و کمک به سرمایه‌گذاری‌هایی که توان فایق آمدن بر ناکامی‌های بازار را دارا هستند، مثل تهیه انرژی ارزان، تسهیل تراکم کالاهای مورد نیاز برای تولید، ارایه‌ی کمک در قسمت دسترسی به سردخانه، بسته‌بندی، تصدیق‌نامه معیار، حمل و نقل و معلومات در باره‌ی بازار
- بهبود وضعیت دسترسی به خدمات مالی
- تسریع ایجاد حوزه‌های ویژه‌ی اقتصادی و زراعتی-صنعتی
- به‌کارگیری هر چه بیشتر مشارکت عامه و خصوصی

تجارتی سازی- گسترش سرمایه‌خصوصی

در سال‌های اخیر توجه اندکی بالای تجارتی سازی تولیدات داخلی در بخش‌های زراعت و محصولات دارویی در همه سطوح - از نخستین قدم‌های تولید به شمول مزرعه تا پروسس - صورت گرفته است. در حالی که مجوزهای قانونی برای بهره‌گیری چندین معدن داده شده‌اند، استخراج معدن به شکل پروسس ناشده در سطح بالا تنها به منظور صادرات است. امکان استفاده از زمین‌های دولتی برای زراعت تجاری نه تنها به گونه‌ی چشمگیری سطح تولید در این بخش را بالا خواهد بُرد بلکه اتکای بیش از حد به واردات را نیز کاهش خواهد داد. در عین حال، این کار باعث افزایش ارزش کالای تولیدی، انتقال فناوری تولید، ایجاد کار و اتصال به پیشینه و آینده‌ی تولید نیز خواهد شد.

کالاهای پیشنهادی برای تعویض

کالاهای که برای استراتژی تعویض واردات انتخاب شده‌اند بزرگترین تأثیر را بالای کم کردن کسری تجاری خواهند داشت و، در عین حال، اقلیمی را در بر می‌گیرند که امکان تولید بیشتر را دارا بوده و قادر به ارزش‌افزایی و ایجاد کار بیشتر هستند. کالاهای پیشنهادی برای تعویض بخش‌هایی را شامل می‌شوند که در پایین شرح داده شده‌اند. هدف این است که تا سال ۲۰۲۴، پنجاه درصد واردات این کالاهای با تولید آن‌ها در داخل تعویض شود.

کالاهای پیشنهادی برای تعویض

Yes	12.2 %	208	2.5-5	906,000,000	گندم و آرد گندم
Yes	1.2 %	Various	2.5	744,300,000	ادویه جات و خدمات صحنی
Yes	4.1%	12.2	10	303,000,000	سمنت
Yes	5.3%	26	2.5	395,100,000	روغن خوراکی
Yes	2.9%	99.4	5-16	212,500,000	شکر و شیرینی باب
N/A	0.51%	2.89	5-20	46,400,000	گوشت مرغ
N/A	1.1%	Various	5-40	79,000,000	سبزیجات
N/A	0.8%		5-10	57,000,000	حبوبات
Yes	1.0%		5-2	76,000,000	لبنیات
Yes	4.9%		5-16	363,000,000	آهن
Yes	3.9%		2.5	289,000,000	برق
N/A	۳۷%			3,471,300,000	Totals

شاخص‌ها برای ارزیابی تأثیرگذاری این ستراتیژی

با اجرای این ستراتیژی، شاخص‌ها و پیامدهای زیرین باید برآورده شوند تا در جهت حمایت از چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان و برنامه ملی دارای اولویت انکشاف سکتور خصوصی موثر واقع شود:

- ۵۰ درصد کاهش در اتکا بالای واردات برای کالاهای پیشنهادی تا سال ۲۰۲۴ - از ۲/۶ میلیارد دالر امریکایی به ۱/۳ میلیارد دالر امریکایی
- کاهش کسری حساب جاری از ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۶ تا ۱۰ درصد در سال ۲۰۲۴
- کاهش در واردات کالا و خدمات از ۴۰/۰۲ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۱۶ تا ۳۵ درصد در سال ۲۰۲۴
- افزایش سهم تولید از ۱۱/۳۱ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۱۶ به ۱۶ درصد در سال ۲۰۲۴
- افزایش سهم صنایع از ۲۱/۷ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۲۴
- افزایش سهم تشبثات کوچک و متوسط از ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی به ۶۰ درصد تا سال ۲۰۲۴
- دو چند افزایش آمار کارگران در بخش صنعت تا سال ۲۰۲۴ به مقایسه آمار کنونی
- کاهش ۵۰ درصدی در واردات سمنت که عرضه‌ی آن با تولیدات داخلی جبران می‌شود
- تأسیس ۴ پارک زراعتی-صنعتی و زون‌های ویژه‌ی اقتصادی تا سال ۲۰۲۴
- افزایش سرمایه‌گذاری بزرگ از ۱۷/۷۱ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲۲ درصد تا سال ۲۰۲۴
- توسعه زمین زراعتی به میزان ۳۰۰۰۰۰ هکتار تا سال ۲۰۲۵ و زمین‌های للمی به میزان ۲۰۰۰۰۰ هکتار تا سال ۲۰۲۴
- گسترش دسترسی به خدمات مالی و کاربران حساب بانکی از ۱۵ درصد به ۲۵ درصد
- بلند بردن رده بندی جهانی افغانستان در شاخص تهیه تجهیزات تجاری از رده ۱۶۰ به ۱۴۰ تا سال ۲۰۲۴

ساختار گزارش

قسمت اول گزارش به مسایل رشد و چالش‌های تعویض واردات پرداخته در حالی که ستراتیژی تعویض واردات در **قسمت دوم** آن بیان شده است. **قسمت سوم** اقدامات پیشنهادی برای تعویض واردات را ارائه نموده که برای چارچوب پیشنهادی سرمایه گذاری مهم می‌باشد. **قسمت چهارم** شیوه و اهداف افغانی‌سازی، انتفاعی‌محوری، و صنعتی‌سازی را مشخص ساخته که به اثرات متوقعه در **قسمت پنجم** پایان می‌یابد. وظایف و کارهای حمایتی در **قسمت ششم** ارائه شده درحالی‌که برنامه تطبیقی در **قسمت هفتم** توضیح شده و رویکرد نظارت و ارزیابی در **قسمت هشتم** گزارش ارائه شده است.



1. رشد و پیشینه صنعت

1. وضعیت و پیشینه رشد و مشکلات در تعویض واردات

این قسمت وضعیت اقتصاد کلان را ارائه نموده که در آن تعویض واردات صورت خواهد گرفت. در یک محیط متغیر رشد و سرمایه گذاری، جایی که میزان سرمایه گذاری بوسیله هزینه های بلند تولید (زمین و برق)، شمولیت ضعیف مالی و دسترسی محدود به کمکهای کاهش خطرات با موانع روبرو میشود، به یک چارچوب تشویقی جدید نیاز است. طوریکه در قسمت های بعدی مشاهده خواهد شد، واردات بسیاری از اقلام صنعتی پیشنهادی معنی واقعی آن روبه کاهش بوده گرچه طبق ارقام سال ۲۰۱۶، ظرفیت برای تعویض وجود دارد.

1.1. مقدمه

وزارت اقتصاد یکجا با سایر ادارات حکومتی از نزدیک کار نموده و میخواهد تا به ایجاد شرایط مساعد کاروبار و تجارت در افغانستان کمک نموده، تولیدات داخلی و رشد اقتصادی را تشویق کرده، فرصت های کاری را توسعه داده، و عدم توازن تجارت را کاهش دهد. برای این کار، این وزارت برای تسریع تجارتی سازی زراعت که با توسعه صنعتی در مقیاس کوچک همراه بوده کار نموده تا صنعتی سازی تعویض واردات را افزایش دهد. چنین یک شیوه همچنان میتواند نابرابری در عواید و مصرف را کاهش داده و به حکومت در تحقق اهداف آن برای خودکفایی تا سال ۲۰۲۴ که توسط اهداف ذیل تقویت میگردد، کمک نماید:

- رسیدن به رشد اقتصادی ۸ درصد در مدت شش سال (تا ۲۰۲۴)
- بهبود چشمگیر تراز تجاری
- بسیج بیشتر سرمایه های خصوصی برای اهداف توسعه ای
- بالا بردن سطح صادرات به ارزش بالاتر از دو میلیارد دلار در سال تا سال ۲۰۲۴
- بالا بردن عواید داخلی به هشت میلیارد دلار در سال تا سال ۲۰۲۴
- کاهش سطح فقر، به شمول مناطق محروم (دیدگاه درازمدت و فزاینده از ۲۰۲۴)

برای تحقق این مامول، وزارت اقتصاد سند "افغانستان مولد- استراتژی تعویض واردات (۲۰۱۹-۲۰۲۵)- افغانی سازی، صنعتی سازی- تجارتی سازی" که درین سند بنام استراتژی یاد میشود، را پیشنهاد مینماید. این استراتژی بر تسریع روند افزایش تولیدات داخلی مبتنی بر عرضه بالقوه مزیت آشکار نسبی افغانستان متمرکز می باشد. این استراتژی از استراتژی جدید ملی صادرات افغانستان: "صلح از طریق شگوفایی- شگوفایی از طریق تجارت" حمایت مینماید.

چالشهای موجود عبارت اند از:

1. رشد اقتصادی کند (معلومات و ارقام اداره ملی احصائیه و معلومات نشان میدهد که در مقایسه با سال های گذشته، تولید ناخالص داخلی فقط ۲/۹ رشد داشته است)،
2. میزان بلند بیکاری ۲۴ درصد، و
3. میزان بلند عدم توازن تجارت (صادرات افغانستان فقط ۱،۲ میلیارد دلار امریکایی بوده در حالیکه واردات آن به ۹ میلیارد دلار امریکایی بالغ میگردد که این کار منجر به بیلانس منفی تجارت یعنی ۷،۸۱ میلیارد دلار امریکایی در سال ۲۰۱۶ شده است)

افغانستان محل نامناسب برای کاروبار و سرمایه گذاری بوده که در شاخص کسب و کار در رده بندی ۱۸۳ قرار داشته که بسیار پایین تر از حد اوسط رده بندی ۱۵۹ برای کشورهای جنگ زده و دارای شرایط شکنند و بحرانی بوده است. چالشهای دیگر شامل ناامنی جاری در کشور (که باعث کاهش تولید، افزایش در زنجیره ارزش و دسترسی به بازار میگردد)، بی ثباتی سیاسی، اتکا روی کمکهای خارجی (که بازارها را به بیراهه میبرد) و وابستگی بیش از حد بالای سکتور زراعت برای اشتغال (در حدود ۴۰ درصد نیروی کار در بخش زراعت مشغول کار است) میشود. افغانستان همچنان از خلای بزرگ پس انداز- سرمایه گذاری (آینه عدم توازن تجارت) رنج برده، میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی پایین بوده و فرار سرمایه به کشورهای چون ترکیه و امارات متحده عربی نقدینگی داخلی برای سرمایه گذاری را هرچه بیشتر کم ساخته است.

در سال ۲۰۱۷ (بصورت واقعی) و در سال ۲۰۱۸ (بصورت پیشبینی شده) میزان رشد تولید ناخالص داخلی به اساس تخمین صندوق بین المللی پول در حدود ۲/۵ درصد بوده گرچه با تورم پولی ۵ درصد و میزان رشد نفوس ۲/۷ درصد، تاثیر رشد برای پیشرفت و کاهش فقر کافی نمیشد. افزایش تولید داخلی از همین جهت باید در صدر پالیسی حکومت قرار داشته باشد. میزان فقر در کشور در حدود ۵۵ درصد بوده است. چون کالاهای اساسی که به خارج صادر میشوند دارای گواهینامه رسمی نبوده، قیمت صدور

^۱ استراتژی ملی صادرات شش سکتور دارای اولویت را که دارای امکانات بلند برای صادرات، ایجاد اشتغال و نوآوری بوده شناسایی میکند: میوه های خشک، میوه های تازه و سبزیجات، زعفران، سنگ مرمر و گرانیت، قالین، سنگهای قیمتی و زیورات. برای هر یکی از این شش قلم، این استراتژی به اصلاحات پالیسی و سرمایه گذاری سازمانی آغاز کرده تا به مشکلاتی فائق گردد که در حال حاضر مانع کار تشیقات کوچک و متوسط برای استفاده از امکانات کامل شان برای تجارت میگردد.

^۲ سروی شرایط زندگی در افغانستان سال ۱۳۹۵، اداره ملی احصائیه و معلومات

^۳ مانند معلومات فوق الذکر

کالاها پایین بوده و بسیاری از کالاها ازین سبب به قیمت بلند به کشورهای سومی دوباره صادر میشوند. عرصه اساسی انکشاف در آینده، در صورتیکه تعویض واردات ممکن گردیده و بیلانس تجارت کنترول شود، تمرکز روی زنجیره ارزش و انکشاف شبکه کالا، جایی که مزیت آشکار نسبی کالاها مثبت بوده و در حالت دلخواه گرایش صعودی داشته باشد، خواهد بود. به عبارت دیگر، گرچه تقویت تولید داخلی برای رشد مهم بوده، ولی اقتصاد باید در حال حاضر با استفاده از وضعیت ضعیف پول افغانی به سرعت متنوع ساخته شود. بر علاوه، طوریکه این ستراتیژی واضح میسازد، به عوض تمرکز روی ظرفیت سازمانی و سایر اصلاحات اساسی، بهتر است تا موانع اساسی از سر راه تولید و توسعه بازار برداشته شوند.

چالشهای فوق الذکر پیچیده و در اصل دارای چندین بخش بوده و در صورتیکه در سطح کل حکومت - در حقیقت تلاشها در سطح تمام بازار - برای رفع آنها صورت نگیرد، غلبه بالای آنها ناممکن است. از همین جهت، ستراتیژی غلبه برای این چالشها باید چندجانبه باشد. این ستراتیژی از رشد اقتصادی، انکشاف و تقویت کالاهای داخلی و کاهش در واردات (که هم اکنون صورت میگیرد) و افزایش صادرات (و ازین طریق بهبود بیلانس تجارت) مستقیماً حمایت میکند. تصرف بازارهای افغانی از طریق تولیدات داخلی باعث ایجاد شغل های دایمی شده، و ازین طریق بصورت بالقوه میزان فقر را کاهش میدهد. شغل های دایمی بیشتر و رشد اقتصادی بالا به مرور زمان اتکا روی کمکهای خارجی را کاهش داده و باعث خودکفایی درازمدت خواهد شد. این کار با دیدگاه چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان که توسط رهبری حکومت وحدت ملی اعلان شد، مطابقت دارد. ستراتیژی هدفمند و فعال برای تولیدات داخلی هم اکنون میتواند گامی در جهت رسیدگی به مسئله عدم توازن سکتوری در درازمدت بوده باشد. در مجموع، این ستراتیژی باعث ثبات بیشتر، معیارهای بهتر زندگی، کاهش فعالیتهای غیرقانونی، و پیشرفت در جهت خودکفایی درازمدت برای اقتصاد افغانستان خواهد شد.

در مطابقت با این دیدگاه مبتنی رشد، بالابردن میزان عواید داخلی که در چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان روی آن تاکید شده، این ستراتیژی روی شرکت های داخلی تولیدی (تثبثات کوچک و متوسط و شرکتهای بزرگ) تمرکز نموده و آنها را به مثابه نیروی محرکه برای رشد تلقی میکند چون این شرکتها اشخاص را استخدام کرده و باعث ایجاد سود خالص شده و در نهایت به رشد تولید ناخالص داخلی کمک میکنند. وزارت اقتصاد وظیفه دارد تا تطبیق این ستراتیژی را هماهنگ سازد.

دلایل زیادی برای پیشنهاد این ستراتیژی که روی افزایش تولیدات داخلی متمرکز میباشد، وجود دارد. افغانستان، طوریکه قبلاً ذکر شد، دارای کسر کلان تجارتی بوده که در اثر تورید اجناسی که در کشور موجود بوده و یا به آسانی میتوان آنها را در داخل تولید کرد، بوجود آمده است. اینکار نشاندهنده یک فرصت کلان برای تسخیر بازارهای اجناس وارداتی از طریق تعویض کالاها و وارداتی توسط تولیدات داخلی میباشد. در زمینه صادرات، همچنان فرصتها برای افزایش تولید و صدور اجناسی که در آنها افغانستان دارای برتری نسبی و ظرفیت برای افزایش صادرات میباشد، وجود دارد. ضرور است در زمینه عرضه اقداماتی برای کمک به کارایی و مولدیت بیشتر صورت گرفته و همچنان در زمینه تقاضا اقداماتی جهت تشویق روند انتقال از واردات به تولیدات داخلی رویدست گرفته شود.

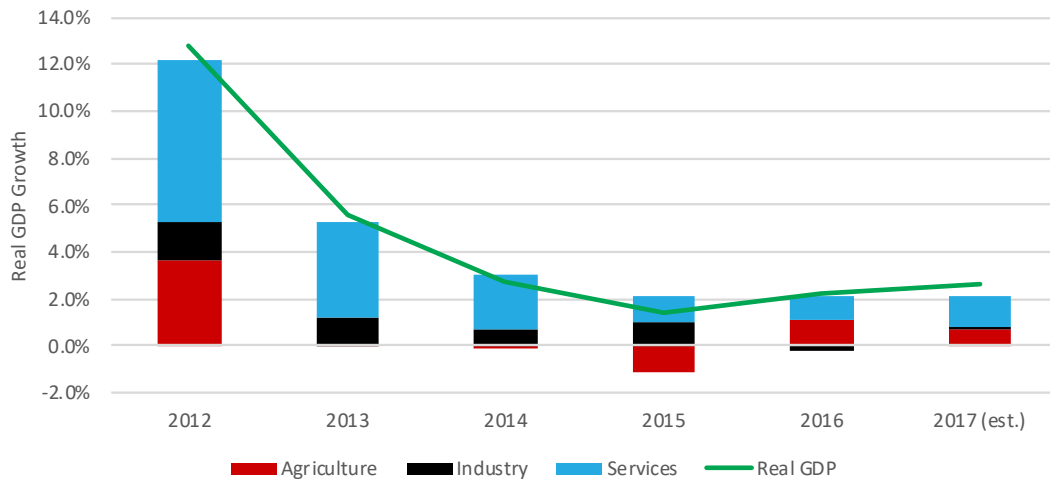
1.2. رشد اقتصادی نوسانی و متکی بر زراعت

تولید ناخالص داخلی در افغانستان نوسانی بوده است. بخشی ازین نوسانات نتیجه ناامنی بوده ولی بخش اعظم آنها از خشک سالی های دوامدار و سرمایه گذاری محدود در بخش مدیریت آب که اقتصاد کشور را در برابر خشک سالی حفاظت کند، ناشی میشود. افزایش تولید داخلی مهم بوده و همچنان مهم است تا برای کاهش خطرات خشک سالی های دورانی اقتصاد کشور را ضد خشک سالی ساخت. در نتیجه، عاید سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی در افغانستان در سال ۲۰۱۶ مبلغ ۶۷۶ دالر امریکایی و تولید ناخالص داخلی واقعی به ۲/۱ درصد افزایش یافت. مطابق تخمین صندوق بین المللی پول عاید سرانه تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶ مبلغ ۵۶۱ دالر امریکایی بوده است. تخمین های تازه از اداره ملی احصائیه و معلومات نشان میدهد که عاید سرانه در سال ۲۰۱۷ به ۲/۶ درصد افزایش یافته در حالیکه در سال ۲۰۰۹ در بالاترین حد ۲۰/۶ درصد بوده ولی در سال ۲۰۱۵ قبل از بهبود اندک آن در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به پایین ترین حد خود رسید (به چارت یک مراجعه کنید).

خط فقر نشاندهنده نورم ملی برای هزینه است که نیازهای اساسی به شمول مواد غذایی عرضه کنده ۲۱۰۰ کیلوکالوری برای هر شخص در هر روز و همچنان مصارف ضروری غیرغذایی روی مسکن، لباس، معارف و حمل و نقل را شامل میگردد. در سال ۱۳۹۵، خط فقر برای هر نفر در هر ماه ۲۰۶۴ افغانی بوده که در حدود یک دالر امریکایی در روز به نرخ فعلی تبادله دالر به افغانی میشود. بین سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، میزان فقر در کشور از ۳۸،۳ درصد به ۵۴،۵ درصد افزایش داشته است.

° اداره ملی احصائیه و معلومات، سال ۱۳۹۵

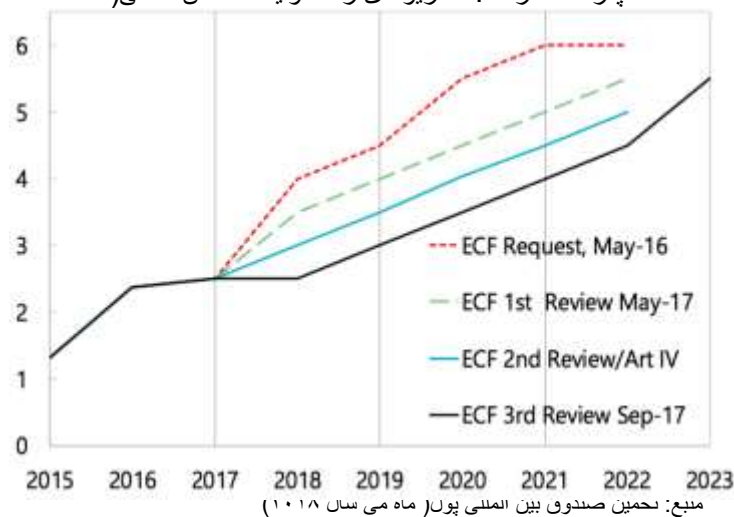
چارت شماره ۱. رشد تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۲-۲۰۱۷) و سهم سکتورها دران



منبع: بانک جهانی (سال ۲۰۱۸)

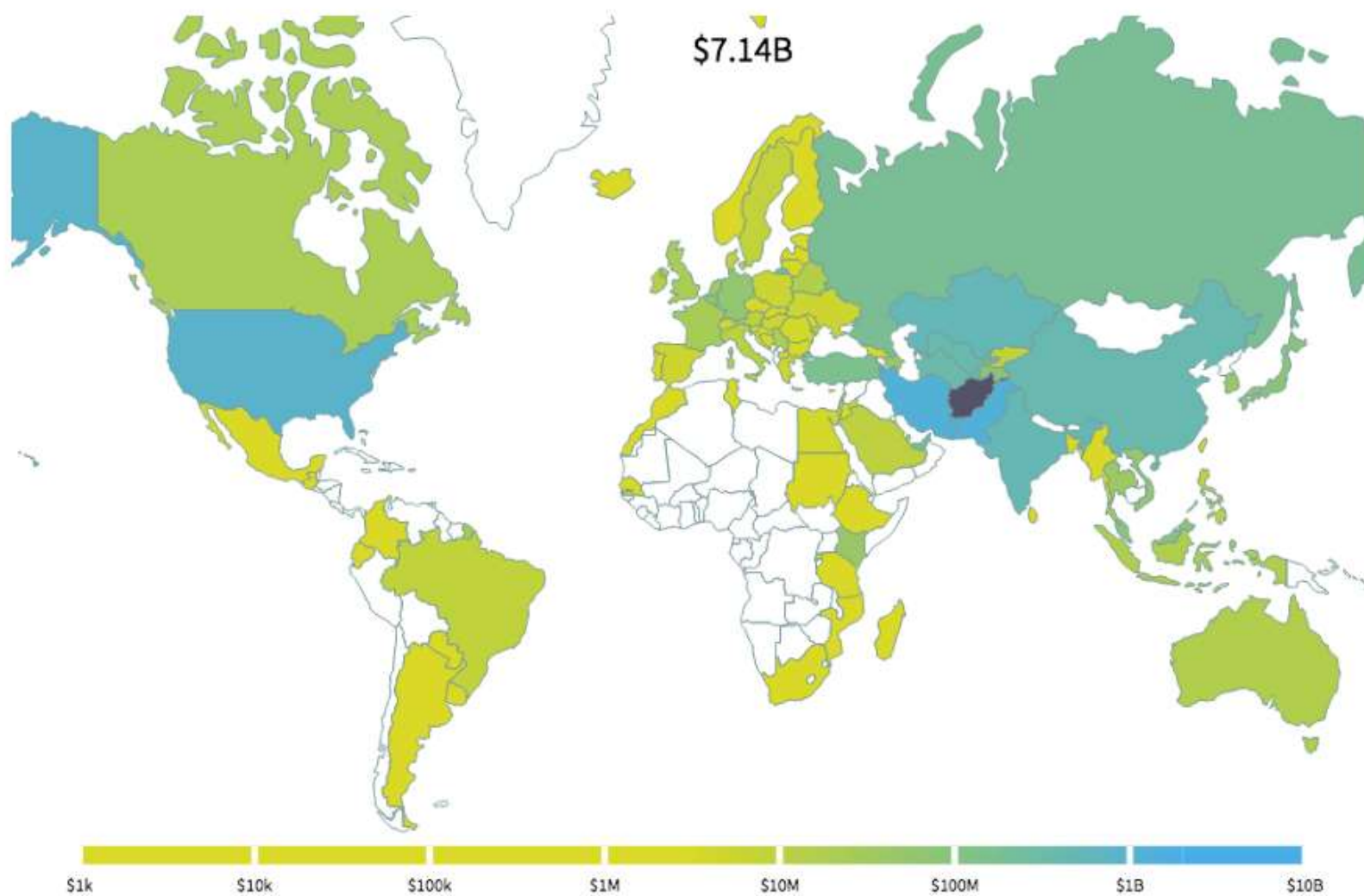
دلیل عمده نوسانات در میزان رشد تولید ناخالص داخلی افغانستان در ۱۵ سال گذشته اتکای بیش از حد آن بالای سکتور زراعت بوده چون این بخش اقتصاد تا اندازه زیادی وابسته به میزان بارنده گی و مدیریت آب (طور مثال در سال ۲۰۰۹ بارندگی کافی صورت گرفت که میزان رشد را به بالاترین حد آن یعنی ۲۰٫۶ درصد رساند) بوده است. میزان رشد تولید ناخالص داخلی با رشد ویا کاهش در سکتورهای زراعتی و غیرزراعتی و برعکس آن رابطه مستقیم دارد. زراعت تا حد زیادی وابسته به بارنده گی و مدیریت موثر آب بوده در حالیکه بخش معادن وابسته به اعطای امتیازات و متصدیان فعال درین بخش میباشد. رشد تولید ناخالص داخلی طی سالهایی که رشد زراعت در آنها بلند است، بهبود می یابد. در چارت شماره دوم در ذیل این موضوع نشان داده شده است. در مقایسه با حد اوسط میزان رشد جهانی، افغانستان در مقایسه با سایر کشورهای روبه انکشاف دارای بالاترین رشد بوده است. ولی، از سال ۲۰۱۲ به بعد، افغانستان نسبت به کشورهای روبه انکشاف سطح پایین رشد را داشته است. این بدتر شدن رشد بخصوص ناشی از کم شدن مصارف نظامیان خارجی در افغانستان در نتیجه کاهش تعداد سربازان خارجی و همچنان بی ثباتی سیاسی در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ و بعد ازان بوده است. پیشبینی ها برای پنج سال آینده نشاندهنده افزایش طور اوسط ۲٫۳ درصد رشد بوده در حالیکه این رقم برای بهبود معیارهای زندگی و مقابله با فقر کافی نیست. تخمین های صندوق بین المللی پول (به چارت شماره ۳ ذیل مراجعه شود) حالت های رشد را تا سال ۲۰۲۳ ارائه نموده که طبق پیشبینی های برنامه تمدیدشده کریدیت، میزان رشد تا سال ۲۰۲۳ بین ۲٫۵ درصد تا ۵ درصد خواهد بود البته در صورتیکه وضع امنیتی بدتر نشده، اصلاحات ادامه یافته و تغییرات منفی در میزان کمکهای خارجی صورت نگیرد.

چارت شماره ۲: سناریوهای رشد تولید ناخالص داخلی (۲۰۲۳-۲۰۱۵)



منبع: تخمین صندوق بین المللی پول (ماه می سال ۲۰۱۸)

شکل ۲. مبدای واردات افغانستان (۲۰۱۶)



طوری که در چارت ۳ ذیل نشان داده شده، واردات و صادرات اجناس و خدمات خیلی متغیر و غیرقابل پیشبینی بوده که در نتیجه مسیر بسوی تعویض واردات و تقویت صادرات هیچگاه بسیار مهم نبوده است. گرچه تریاک با داشتن ارزش ۲ میلیارد دالر امریکایی کالای صادراتی رسمی نبوده ولی معامله آن به افزایش قدرت خرید ملی تا حد زیادی کمک میکند. تعویض اقتصاد تریاک فقط بعد از باز شدن بازارهای رسمی برای صادرات با محصولات قابل داد و ستد تایید شده و مطابق با شرایط سازمان تجارت جهانی امکان پذیر میباشد.

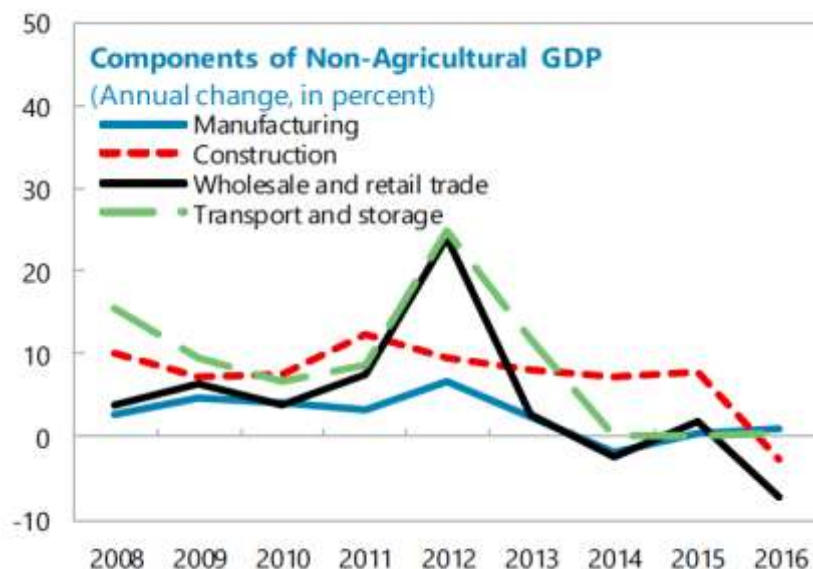


منبع: تخمین های صندوق بین المللی پول (ماه می ۲۰۱۸)

1.4. سهم سکتور تولید و صنعت در تولید ناخالص داخلی

میزان تولید بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ به سرعت افزایش یافته که سپس بین سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ دوبرابر شد ولی از سال ۲۰۱۲ به بعد میزان تولید، تولید ناخالص داخلی، بصورت دوامدار کاهش یافته که در چارت شماره ۴ ذیل نشان داده شده است. ارزش تولید، ارزش افزوده (فیصدی رشد سالانه) در افغانستان تا سال ۲۰۱۶ به اندازه ۱,۰۲ بوده ولی در سالهای اخیر تولید در سال ۲۰۱۲ به ارزش اعظمی آن یعنی ۷,۳۲ درصد افزایش یافته درحالی که در سال ۲۰۱۴ به پایین ترین حد یعنی ۲,۴۹ تقلیل یافته است. کاهش به مثابه فیصدی تولید ناخالص داخلی در تمام سکتورها مشاهده شده که نشاندهنده کاهش در میزان کمکهای خارجی و بدتر شدن شرایط تجارت میباشد. بهبود این وضعیت مستلزم ثبات بیشتر سیاسی و امنیت، کنترل بیشتر بالای نرخ تبادل اسعار خارجی و تلاش بیشتر در جهت غلبه بر مشکلات اقتصاد کوچک که سرمایه گذاری داخلی را محدود میسازد، میباشد.

چارت شماره ۴. عناصر متشکله رشد غیرزراعتی



1.5. اصلاحات در بخش تجارت

حکومت در بخش ایجاد شرایط مساعد برای تجارت به اصلاحات مهمی چون تصویب قانون برق، پالیسی دسترسی باز به فابریک نوری، قانون مشارکت عامه و خصوصی و تهیه پالیسی ملی تجارت مبادرت ورزیده است. علاوه بر کسب عضویت در سازمان تجارت جهانی، حکومت به گشایش دهلیزهای هوایی اقدام نموده و دسترسی به زمین برای صنایع را از مجاری مختلف یعنی ایجاد پارکهای صنعتی، زونهای خاص اقتصادی، زونهای اقتصادی رایگان، زونهای تجاری رایگان، زونهای طی مراحل صادرات و پارکهای زراعتی افزایش داده است. تاکنون، در ۱۸ ولایت کشور به تعداد ۲۶ قطعه زمین به این منظور اختصاص داده شده است. با کسب عضویت در سازمان تجارت جهانی و تصویب ستراتیژی ملی صادرات، انتظار می رود فعالیت های تجاری افزایش یابد. علاوه بر تصویب ستراتیژی ملی صادرات، حکومت پالیسی ملی تجارت افغانستان، برنامه ملی دارای اولویت انکشاف جامع زراعت و منشور زراعت تجارتی را تصویب نموده که هدف همه آنها حمایت از شبکه کالا و انکشاف زنجیره ارزش میباشد.

علیرغم کارهای فوق الذکر، شرکتها از وجود مشکلات در سطوح مختلف شکایت دارند. طبق سروی تشیبات افغانستان (۲۰۱۴) دسترسی به مواد مهم تولیدی مانع رشد تجارت میشود ولی دسترسی به زمین، منابع مالی و برق ارزان به مثابه عوامل مهم ممانعت کننده مشخص شده است. در برنامه انکشاف سکتور خصوصی ذکر شده که دسترسی به زمین صنعتی سرمایه گذاری را تضعیف ساخته و پالیسی جدید پارکهای صنعتی همراه با قانون مشارکت عامه و خصوصی امتیازات بزرگی را به تجار اعطا مینماید. برای انجام اینکار، هزینه انجام تجارت باید کاهش یافته، موانع بر سر راه سرمایه گذاری کاهش داده شده و نرخ درآمد مالی به سطحی رسانده شود که پاداش بیشتر از خطر باشد.

1.6. اشتغال

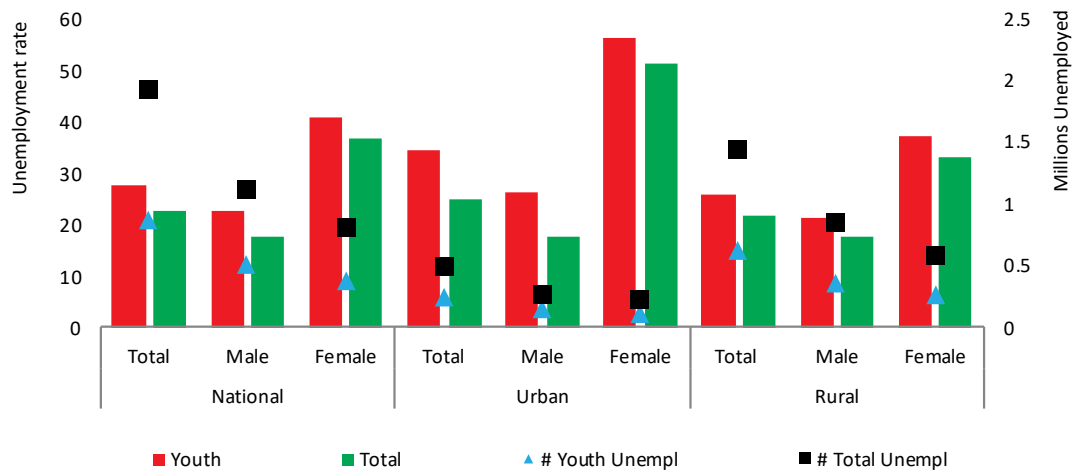
نتایج سروی شرایط زندگی در افغانستان (سال ۱۳۹۵) نشان میدهد که در مجموع ۲۴ درصد نیروی کاری در کشور بیکار بوده، در حالیکه درصدی زنان بیکار در کشور در سطح بسیار بالای ۴۱ درصد قرار دارد. علاوه برین، بیشتر از ۴۰۰ هزار افغان همه ساله به بازار کار داخل شده که به عرضه بیش از حد در نیروی کار افزوده میشود. سهم جوانان بیکار، بدون تحصیل و بدون آموزش نشاندهنده میزان بلند بیکاری در میان جوانان افغانستان میباشد. میزان بیکاری و عدم تحصیل و آموزش برای زنان و مردان در حدود ۴۲ درصد بوده ولی برای زنان در حدود ۶۸ درصد میباشد. مشکلات مرتبط با بازار کار بدتر از آنست که درین شاخصها نشان داده شده است. این تدابیر شامل کیفیت شغلها، تکافوی معاشات، و شرایط کاری در افغانستان نمیشود. طور مثال، ۲۰ درصد نیروی کار دارای شغل به عنوان نیروی بیکار طبقه بندی شده است. این بدان معنی است که ۱,۳ میلیون اشخاص دارای شغل دارای شغل های تمام وقت نبوده و شاید هم آسیب پذیر و غیرمحموظ بوده باشند.

در قدم اول، اکثریت افغانهای روستایی برای معیشت شان وابسته به زراعت هستند. زراعت در حدود ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده و آنرا در صدر اقتصاد ملی افغانستان قرار میدهد. اقلیم طبیعی کشور به رفاه افغانهای روستایی که برای معیشت شان به زراعت متکی اند، مساعد نیست. زمین قابل زرع سرانه و میزان بارندگی کم بوده و شرایط اقلیمی در بسیاری از مناطق افغانستان دشوار میباشد. فقر در افغانستان همچنان به کیفیت پایین زیربنا و سرعت کند انکشاف زیربنایی ارتباط دارد. در نتیجه، طبق معلومات بانک جهانی، ۷۵,۶ درصد افغانهای فقیر بیسواد بوده و مردم فقیر دسترسی کمتری به برق (۶۳,۸ درصد)، آب آشامیدنی پاک (۴۰,۳ درصد)، و بهداشت (۲,۸ درصد) دارند. (بانک جهانی، سال ۲۰۱۵). بانک جهانی دریافته که "به هر اندازه که وضعیت مالی رئیس خانواده بیشتر باشد، به همان اندازه خطر فقیر بودن آن پایین تر است." (بانک جهانی، سال ۲۰۱۵). به این ترتیب، آنهایی که در روستاهای افغانستان زندگی میکنند و دسترسی کمتری به معارف دارند، دارای خطر بلند زندگی در فقر میباشند. (بانک جهانی، سال ۲۰۱۵).

^۶ اشخاصی که در هفته برای کمتر از ۴۰ کار میکنند ولی حاضر اند تا برای ساعات بیشتر کار کنند.

^۷ اندازه اوسط مزرعه بین ۲ تا ۵ جریب (۰,۴ تا ۱,۰ هکتار) برای مولدین کوچک، از ۵ تا ۱۰ جریب (۱,۰ تا ۲,۰ هکتار) برای مولدین بزرگ بوده است. بسیاری از دهاقین فقیر برای امنیت غذایی خانواده های شان غله کشت میکنند. ۸۰ درصد غله را گندم تشکیل داده (در حدود ۴۵ درصد کل زمین برای کشت گندم را زمین آبی تشکیل میدهد) و ۷۰ درصد مجموع مصرف غله را در سطح ملی گندم احتوا میکند. گندم از مهمترین حاصلات از نظر تولید زراعتی و هم از نظر مصرف منحصی ماده غذایی برای افغانها میباشد (بانک جهانی، راه بسوی رشد همه جانبه، سال ۲۰۱۴)

چارت شماره ۵: میزان بیکاری به اساس جنسیت در مناطق شهری و روستایی



بیکاری/کمکاری یک پدیده چندجانبه بوده که شماری از عوامل آن شامل ذیل اند: کمیت و کیفیت پایین کارها، سطح پایین مهارتها و عدم تطابق مهارتها، و همچنان نبود اسناد تایید شده آموزش تکنیکی و عمومی. در همسویی با چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان، سکتورهای باید شناسایی شوند که اشتغال را تقویت نموده و شغل های ثابت و درازمدت را ایجاد کنند. از همین جهت، دیدگاه برای طرح پروژه های انکشافی باید رشد پایدار و ایجاد شغل های بیشتر دایمی بوده باشد.

1.7. رشد نفوس

افغانستان دارای یکی از جوانترین نفوس در جهان بوده که نزدیک به ۴۶,۲ درصد (۱۴,۳۲ میلیون نفر) نفوس (۳۱ میلیون نفر) آن زیر سن ۱۵ سال قرار دارد. میزان رشد نفوس کشور سالانه^۸ ۲,۱۴ درصد بوده است. به اساس این نرخ، نفوس افغانستان در ۲۵ سال آینده دوبرابر خواهد شد. رشد سریع نفوس دو نگرانی را ایجاد میکند: (۱) رشد کند تولید ناخالص داخلی ناپایدار بوده و باعث کاهش عواید برای بسیاری از مردم و همچنان افزایش میزان فقر شده که این کار در سالهای اخیر صورت گرفته است، و (۲) طبق ارقام اداره مرکزی احصائیه، افغانستان دارای ضریب بسیار بالای ۹۹ وابستگی بوده و این بدان معنی است که برای هر صد نفر بین ۱۵ و ۶۴ سال، ۹۹ نفر دیگر در گروپ وابسته زیر سن ۱۵ و بالاتر از ۶۵ سال موجود اند. برعکس، در سال ۲۰۱۶، رقم اوسط در جهان ۶۴ بوده است. ضریب بسیار بالای وابستگی به این معنی است که فیصدی نفوس که شامل نیروی کار نمی باشد، بسیار بالا است. داشتن نفوس بسیار جوان بار اضافی بالای اقتصاد تلقی شده گرچه این کار در صورتیکه با هوشیاری و به اساس یک استراتژی و پالیسی فعال که روی سرمایه گذاری در سرمایه بشری و تحقیق و انکشاف تاکید می ورزد، صورت گیرد میتواند نتایج مثبت داشته باشد. میزان بلند بیکاری در میان جوانان باعث عقبگرد و بی ثباتی در کشور میشود.

1.8. رقابت و تجارت عادلانه

تجارت و شیوه های کار غیرعادلانه، سرمایه گذاری را کاهش داده و در اکثر موارد باعث تجمع سکتورهای شده که تعداد زیاد شرکتها در آنها رقابت میکنند. محصولات نامرغوب در بازار افغانستان، که نتیجه اجرای ضعیف مقررات و قوانین بوده، امکانات توسعه شرکتها داخلی را تضعیف میسازد. بزرگترین خطر به کارکرد دولت بخصوص در مشارکت عامه و خصوصی و وضعیت تاسیسات صنعتی مربوط شده جایی که ترجیحات غیرعادلانه میتواند به سود بعضی از شرکتها تمام شده درحالیکه این کار دیگران را متضرر میسازد. برعلاوه، با توجه به موجودیت تصدیهای دولتی، بخش اعظم اقتصاد کشور در حقیقت از خدمات دولتی برخوردار شده، و برتری رقابتی تولیدکننده گان و عرضه کننده گان بازار را کاهش میدهد. علاوه برین، طوریکه دراستراتژی ملی صادرات ذکر شده، ایجاد یک سیستم موثر سنجش ملی برای یقینی ساختن تجارت عادلانه و تضمین کیفیت مهم میباشد. درحال حاضر، "هیچ اداره برای حفظ معیارهای ملی اندازه گیری و اطمینان از ردیابی اندازه گیری در کشور وجود ندارد." (استراتژی ملی صادرات، صفحه ۴۰)

1.9. هزینه بالای تولید

یکی از اثرات جریان بزرگ کمک های خارجی به اقتصاد کشور، بخصوص کمکهای انکشافی، تاثیر تورمی بالای دستمزدها و قیمتها در نتیجه تقاضای تقابلی بوده است. برعلاوه، اندازه وابستگی افغانستان بالای واردات و کاهش ارزش پول افغانی در برابر اسعار خارجی به این معنی است که افغانستان همچنان تورم را به کشور وارد میکند. صندوق بین المللی پول پیشبینی میکند که در سال ۲۰۱۸، مانند سال ۲۰۱۷، میزان تورم پولی بصورت اوسط ۵ درصد بوده که این کار باعث کاهش تولید ناخالص داخلی واقعی خواهد شد. همچنان، با توجه به نبود زیربنای زنجیره ارزش، تفاوت زیاد در انجام تجارت و سایر مشکلات مانند نامنی، هزینه کسب و کار در افغانستان بسیار بلند باقیمانده که این کار افزایش تولید و توسعه صادرات را کاهش میدهد. همچنان تولید تریاک گسترش سایر بخش های کمتر سودآور را تضعیف نموده و باعث از دست دادن فرصتهای تنوع میشود. پایین آوردن

^۸ اداره ملی مرکزی احصائیه، سال ۱۳۹۵

هزینه های تولید- شامل کاهش در تعرفه های وارداتی برای کالاهای مهم- و همچنان پایین آوردن هزینه های معاملات میان بازارها از طریق زیربنای بهتر مهم میباشد.

1.10. کاهش ارزش پول

در سال ۲۰۱۱، پول افغانی در مقابل دلار امریکایی به ۴۳ افغانی تبادل می شد، مگر تا ماه اکتوبر ۲۰۱۸ پول افغانی ۶۰ درصد ارزش خویش را از دست داده و ارزش آن در مقابل دلار امریکایی به ۷۵ افغانی کاهش یافته که عمدتاً نتیجه قوی بودن دلار بوده است. در سالهای اخیر ریل ایرانی (در نتیجه وضع تعذیرات) و روپیه پاکستانی همچنان در برابر افغانی ارزش خویش را از دست داده که این کار صدور کالاها را به شرکای اصلی تجاری گرانتر ساخته است. نرخ واقعی تبادل به جریان کمکهای خارجی ارتباط داشته و دلری شدن بیش از حد، پلانگذاری سرمایه گذاری را برای واردکننده گان و صادر کننده گان مشکل ساخته است. میزان صادرات از اثر کاهش اخیر در نرخ واقعی تبادل اسعار به علت مشکلات داخلی عرضه (دسترسی به منابع مالی، برق، زمین و غیره)، هزینه های بلند ثابت (به سبب مشکلات امنیتی) و دسترسی محدود به بازارهای جهانی تا اندازه زیادی تغییر نکرده است. کمکهای بین المللی همچنان تاثیر قابل ملاحظه تورمی بالای اجناس و خدمات داشته، و رقابت با بازارهای خارجی را تضعیف ساخته است. افزایش ارزش پول ناشی از کمکهای خارجی همراه با محدودیتها در عرصه سرمایه گذاری بالای تعویض واردات و توسعه صادرات تاثیر منفی داشته است. همچنان، پول افغانی هنوز هم در زمینه تبادل با مشکلات روبرو است.

1.11. شمولیت مالی

با استفاده از چارچوب تشخیص رشد (۲۰۰۵) آقای هوسمن، آر، رودریک، دی و والیسکو، ای (Hausmann, R., Rodrik, D. & Velasco, A)، دسترسی به منابع مالی و هزینه های تمویل شاخص های مهمی اند که توسعه فعالیت های بخش خصوصی را ممکن و یا ناممکن میسازد. افغانستان در عرصه انکشاف بازارهای مالی پیشرفت قابل ملاحظه داشته و نقدینگی بیش از حد در بسیاری از موارد وجود داشته است. در حال حاضر گرچه شاخصهای ثبات مالی برای سکتور بانکی طبق معلومات بانک مرکزی با داشتن ۱۲ درصد وامهای غیرفعال الی ماه مارچ ۲۰۱۸ کارکرد خوب نداشته است. سودآوری بخش بانکی همچنان در نتیجه میزان پایین قرضه دهی طوریکه در ضریبهای بلند نقدینگی منعکس شده، بصورت منفی متاثر شده است. دلایل میزان پایین قرضه دهی- باوجود پایین آوردن نرخ سود توسط بانک مرکزی- نشاندهنده عدم علاقه مندی قرضه گیرنده گان بخش خصوصی و هزینه های بلند تولید میباشد. "عاده رشد کربدیت به اقتصاد کشور، از اواسط سال ۲۰۱۷، تشویق کننده بوده مگر با توجه به کمبود پروژه های سودآور در شرایط دارای خطر بالا، کربدیت پایین تر از ۴ درصد تولید ناخالص داخلی باقیمانده است (صندوق بین المللی پول، ماه می ۲۰۱۸)."^۹

^۹ صندوق بین المللی پول، بازنگری سوم تحت برنامه تمدید شده کربدیت و درخواست برای تعدیل معیارهای کارکرد- بیانیه مطبوعاتی و گزارش کارمندان (ماه می ۲۰۱۸)



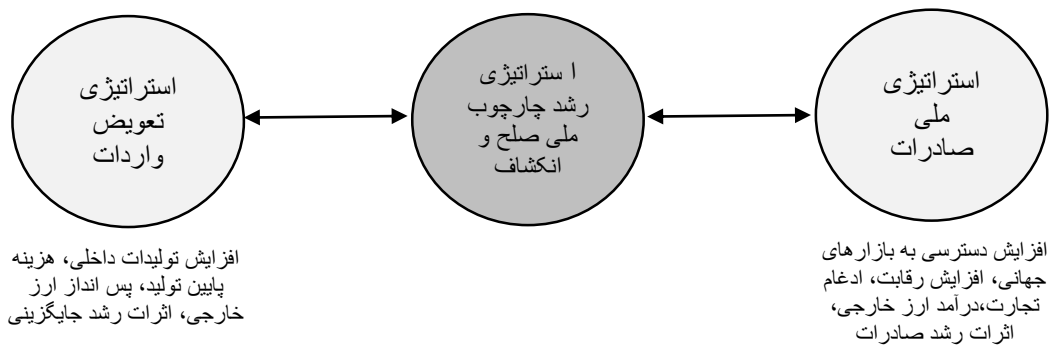
۲. استراتژی تعویض
واردات

2. استراتژی تعویض واردات

با روی دست گرفتن استراتژی تعویض واردات و صنعتی سازی، حکومت افغانستان تأثیرات مشوقها و پالیسی های حفاظتی را که توسط کشورهای مختلف اتخاذ شده، بازنگری نموده تا مجموعه تدابیری را روی دست گیرد که به احتمال زیاد رشد داخلی را تقویت میکند. این استراتژی روی مدارک موجود به شمول بازنگری اثرات کاهش ارزش پول روی تولید داخلی و افزایش در نرخ تعرفه ها بین سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۸ مبتنی بوده که هیچ کدام آنها روی افزایش صادرات و کاهش واردات تأثیر قابل ملاحظه نداشتند.

این استراتژی با چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان که رشد تولید ناخالص داخلی را الی سال ۲۰۲۵ به اندازه ۸ درصد و بالاتر آن پیشبینی میکند، مطابقت کامل دارد. بخش اصلی این استراتژی شامل کاهش هزینه های تولید و همچنان افزایش بسته های تشویقی برای تولید کننده گان میگردد. این استراتژی همچنان با استراتژی ملی صادرات ارتباط کامل داشته که مشوقها را برای افزایش تولیدات داخلی فراهم نموده که دارای اثرات مستقیم و تشویقی روی ظرفیت ها صادرات میباشد. جهت تحقق استراتژی رشد، بلند بردن اثرات مصارف بخش های دولتی و خصوصی بالای رشد، عواید و شغل ها مهم میباشد. استراتژی تعویض واردات رشد و اشتغال زایی را به منظور افزایش عواید در داخل اقلام صنعتی پیشنهادی و زنجیره های ارزش کالاها هدف خویش قرار میدهد. برعلاوه، و با در نظر داشت مدارک و شواهد موجود، حکومت تصمیم گرفته تا مقررات تعرفه را اعمال نکرده بلکه در عوض روی افزایش بسته های تشویقی تمرکز نماید. استراتژی تعویض واردات و استراتژی ملی صادرات به تحقق اهداف چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان مستقیماً کمک مینماید (به شکل ذیل مراجعه شود).

شکل شماره ۳. روابط چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان، استراتژی ملی صادرات و استراتژی تعویض واردات



2.1 شواهد چی را نشان میدهند؟

تعویض واردات به مثابه استراتژی رشد در سطوح مختلف توسط بسیاری از کشورها روی دست گرفته شده و در اساس پالیسی نگاه به جلو بوده که روی ابتکارات انکشاف و رشد داخلی تأکید مینماید. تمرکز اساسی استراتژی تعویض واردات ارائه تعویض های محلی برای مصرف کننده گان واردات خارجی و تولید تعویض های محلی برای واردات دارای تکنالوژی بالا و مغلق میباشد. اثرات مثبت روی کسر تجارت و حساب جاری و همچنان روی اشتغال زایی نتایج میانمدت خواهد بود. در نتیجه، این استراتژی مستقیماً با پالیسی افغانی سازی (در اولویت قرار دادن تولیدات داخلی)، صنعتی سازی (انکشاف شبکه کالا و زنجیره ارزش)، و تجارتی سازی (افزایش مولدیت) ارتباط دارد. حکومت معتقد است که تعویض واردات از طریق ارائه بسته های تشویقی به مولدین داخلی و صنایع کوچک امکان پذیر است. طوریکه در جدول شماره یک ذیل نشان داده شده، از جمله دو سیستم توسعه صنعتی، حکومت از سیستم مشوقهای صنعتی طرفداری میکند.

جدول ۱: سیستم های مشوقهای صنعتی همراه با محافظت	
الف. بسته های تشویقی صنعتی	ب. سیستم محافظت
- اقداماتی که میتوانند روی دست گرفته شود: - معافیت موقت مالیاتی - مشوقها برای مدت معین - کمک برای کاهش سریع ارزش پول - سبسایدها - پالیسیهای خوب کربدیت - تاسیس صنایع محلی برای تولیدات محلی	- اقداماتی که میتوانند اتخاذ شوند: - تعرفه ها - تدابیر غیرتعرفه یی چون سهمیه های وارداتی، جوازدهی و کنترل نرخ تبادل ارز خارجی

مهمترین عنصر در تهیه این استراتژی اینست تا اطمینان حاصل شود که اصلاحات پیشنهادی مبتنی بر شواهد و مدارک بوده است. مهم است تا حکومت افغانستان، بانک جهانی و حکومت ایالات متحده امریکا با استفاده از فرضیه های مختلف رشد روی

نمونه سازی اثرات رشد، مشترکاً کار نمایند تا شیوه را انکشاف دهند که (۱) از تجارب افغانستان در بخش تعرفه و غیرتعرفه استفاده کنند و (۲) و از تجارب جهانی استفاده کنند. علاوه بر این، برای حکومت مهم است تا ظرفیت آموزشی مبتنی بر شواهد را در داخل استراتژی یکجا ساخته تا اثرات را سنجش و شواهد را برای پیشنهاد تغییرات در پالیسی ارائه نماید. به ارتباط تجارب بدست آمده بین سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۱۸، و بخصوص بعد از سال ۲۰۱۱، زمانیکه تهیه و استفاده از نمونه های تعادل عمومی قابل محاسبه در افغانستان عرض وجود کرد، تجارب ذیل بدست آمده است:

- **باوجود هزینه های بلند، اثرات تعویض محدود بوده است:** از سال ۲۰۱۱ بدینسو، ارزش پول افغانی در برابر دالر امریکایی از ۴۵ افغانی به ۷۵ افغانی کاهش یافته که برای صادرات و تعویض واردات باید یک مزیت بوده گرچه عرضه و تقاضا تغییر چندانی نداشته که نشاندهنده عدم انعطاف پذیری است (عرضه و تقاضا حداقل در مقابل تغییرات در قیمت و عواید تاحدی حساس بوده است).
 - **اعمال تعرفه ها باعث افزایش تورم پولی شده مگر رشد را تقویت نمیکند:** نمونه های زیادی از افزایش در تعرفه های وارداتی نشان میدهد که افزایش هزینه مربوط به واردات باوجود حصول مزیت قیمتگذاری، باعث افزایش در عرضه داخلی نشده است. در نتیجه، عوامل غیر قیمت گذاری منحصراً مشکلات اساسی در برابر توسعه صنایع داخلی باقی میمانند. سگنالهای قیمت روی عرضه و تقاضا تاثیر قابل ملاحظه ندارند.
 - **شکست بازار (اجناس دولتی، کنترل بازار، عوارض جانبی و معلومات نامکمل) باید به منظور تقویت رقابت و اتصال مورد رسیدگی قرار گیرند:** شواهد نشان میدهد که شکست بازار تا حد زیادی تجارت روبه افزایش و عدم موازنه حساب جاری را نشان میدهد. برعلاوه، تاثیر موقت نرخ تبادله برای واردات نسبتاً مهم بوده که برای صنعت کاران جوان در افغانستان این را مشکل میسازد تا با کالاهای خارجی ارزان در بازار داخلی رقابت نمایند. نرخ واقعی تبادله با جریان کمکه ارتباط داشته، و دالری شدن بیش از حد پلانگذاری سرمایه گذاری برای وارد کننده گان و صادر کننده گان را پرچالش ساخته است.
 - **محدودیتها در بخش عرضه مهم اند:** عواملی چون مشکلات در بخش عرضه (دسترسی به منابع مالی، برق، زمین و غیره)، هزینه های بالای ثابت (به علت مشکلات امنیتی) و دسترسی محدود به بازارهای جهانی توسعه صنایع در افغانستان را تا اندازه زیادی به موانع روبرو میسازد. تورم پولی با اثرات موقتی نرخ واقعی تبادله عمدتاً وارداتی بوده در حالیکه کمکه های بین المللی همچنان تاثیر توری روی اجناس و خدمات داشته و رقابت با بازارهای جهانی را تضعیف مینماید. کاهش ارزش پولی ناشی از کمکه های خارجی همراه با مشکلات در زمینه سرمایه گذاری روی مشوقها برای تعویض واردات و توسعه صادرات تاثیر منفی داشته است. برعلاوه، اقتصاد کشور بیش از حد دالری شده و پول افغانی هنوز هم به مشکل قابلیت تبادله مواجهه میباشد.
 - **نبود ظرفیت در بخش صنایع کوچک و تولیدات تجارتی انکشاف شبکه کالا را تضعیف میسازد:** اقلام و محصولات صنعتی شناسایی شده فقط میتوانند زمانی خوبتر رقابت کنند که هزینه تولید کاهش یافته، تکنالوژیهای جدید بکار گرفته شده، و انکشاف تجارتی به مقیاس کلان تسریع شده و تقویت زنجیره ارزش انجام شده باشد.
 - **هزینه های تولید و خطرات در سطح بلند قرار دارند:** پایین آوردن هزینه های تولید (که شامل پایین آوردن تعرفه ها روی کالاهای مهم وارداتی) و کاهش خطرات مربوط به مولدین برای توسعه تولید مهم بوده گرچه پایین آوردن هزینه ها به علت عدم انعطاف پذیری قیمتها تنها اثرات محدود داشته است.
- در عمل کشورها به عوض تمرکز روی یک اقدام مشخص با استفاده از تدابیری بیشتری که در جدول شماره دوم ذکر شده یک شیوه مختلط را رویدست میگیرند. هدف نهایی تعویض واردات تقویت بیشتر رقابت تولیدی بوده تا اقتصاد صادراتی باز داشته باشند. پالیسی تعویض واردات به منظور تسریع روند صنعتی سازی بکار گرفته شده است. برازیل، افریقای جنوبی و کشورهای شرق آسیا همین مسیر را طی نموده اند. کشورهای شرق آسیا اکثراً اقدامات حفاظتی تعویض واردات را به منظور بالا بردن میزان تولید و افزایش صادرات رویدست گرفته اند. در صورتیکه پالیسی های حفاظتی بیش از حد بلندپروازانه بوده و طی مدت طولانی تطبیق میشوند، آنها میتوانند رقابت با بازارهای جهانی را تضعیف نموده که اینکار نشاندهنده ضرورت برای سرمایه گذاری کوتاه مدت ولی چندین ساله میباشد. جدول شماره ۲ ذیل (که از زوبوف ایتل "Zobov et al" سال ۲۰۱۷ اقتباس شده) ستراتیژیهای را بیان میکند که در سایر کشورها موثر واقع شده ویا موثر واقع نشده و استراتژی موجود با استفاده از آنها بصورت دقیق تهیه شده است.

جدول شماره ۲: طبقه بندی اقدامات تعویض واردات			
دستاوردهای رشد	اقدامات اتخاذ شده	کشورها	طبقه بندی
زمان آغاز پالیسی های تعویض واردات			
ناچیز	مالیات گمرکی محافظتی بر واردات، نرخ های مختلف تبادلۀ برای انواع مختلف اجناس، قرضه های ارزان دولتی برای تشبثات صنعتی، شرکت مستقیم دولت در شماری از سکتورها	کشورهای امریکای لاتین	سالهای ۱۹۵۰
ناچیز	تثبیت نرخ واقعی تبادلۀ ارز، تشویق صادرات: سبسایدی کردن و قرضه دهی تحت شرایط آسان برای شرکتهایی که کالاها را با ارزش افزوده بلند و با حجم معین صادر میکنند، کاهش ویا معافیت از عوارض گمرکی بر واردات	کشورهای جنوب شرق آسیا(جمهوری کوریا، تایوان، سنگاپور)	از سال های ۱۹۶۰ الی سالهای ۱۹۷۰
میانگین	نرخ وامدهی، جبران خسارت، پالیسی تعرفه	کشورهای اروپایی	از سالهای ۱۹۸۰ الی سالهای ۱۹۹۰
آغازگر پالیسی های تعویض واردات			
مهم در بعضی دولتها		کشورهای امریکای لاتین، کشورهای جنوب شرق آسیا(جمهوری کوریا، تایوان، سنگاپور)، کشورهای اروپایی	ابتکار داخلی دولتها
ناچیز		کینیا، دولتهای استعماری	ابتکار خارجی
ماهیت بازار موردنظر			
منجر به کاهش در میزان رقابت صنایع ملی شده است	تمرکز آن فقط روی بازار داخلی بوده ولی بدون یکجا ساختن پالیسی تعویض واردات با پالیسی گسترش صادرات به بازارهای جهانی	کشورهای امریکای لاتین	داخلی
منجره به بهبود قابل ملاحظه در اقتصاد کشورها شده است	افزایش ظرفیت های صادراتی دولت	کشورهای جنوب شرق آسیا	خارجی
تغییرات پالیسی			
ناچیز	بخش اعظم کالاهای داخلی توسط دولت تولید میشود. فقط کالاهای بدون آنالوگ، یا اگر هزینه آنالوگها بسیار بالاتر باشد، وارد می شوند. دولت روی حمایت از بخش های جدید امیدوارکننده بازار تمرکز میکند. زمانیکه تشبثات به این بازارها داخل میشوند، دولت آنها را ترجیح می دهد تا از رقابت تولید کنندگان ملی در مرحله اول حمایت کنند.	برازیل، ارجنتاین، مکزیکو، چیلی، اتحاد شوروی سابق	موانع اداری و تعرفه
قابل توجه		کشورهای شرق آسیا	کاهش تدریجی و متعاقب آن پایان کمک دولت به صنایع جدید
قابل توجه	دولت تنها از صنایع رقابتی با شرکت های فعال در فعالیت های صادراتی حمایت می کند.	ایالات متحده امریکا، جاپان، تایوان، هند، چین، کوریای جنوبی، تایلند، مالیزیا، فیلیپین	براساس تیوری " گاز های پرنده(نظر علمای جاپانی در مورد انکشاف تکنالوژیک در جنوب شرق آسیا بوده که جاپان در صدر آن قرار دارد)

تحقیق انجام شده برای این استراتژی اثرات اقتصاد کلان گسترش تولیدات داخلی را بررسی نموده است. نتیجه گیری این تحقیق در ذیل خلاصه شده است:

سند تهیه شده توسط آقای عمرجوا اثرات اقتصاد کلان گسترش تولیدات داخلی را با استفاده از مدل اقتصاد کلان برای اقتصاد افغانستان را بررسی نموده است. در سند بیان شده که پالیسی فعال حکومت برای کاهش واردات و افزایش صادرات میتواند تولید ناخالص داخلی را ۲ درصد افزایش داده و به کاهش کسر تجارتي کالا تا ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی کمک نماید. با این حال، این تحقیق نشان میدهد که این پالیسی دارای یک هزینه خواهد بود. تطبیق چنین پالیسی منجر به کسر بودجه ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۲۵ خواهد شد مگر آنکه سرمایه گذاری خصوصی به صورت قابل توجهی افزایش یابد. این بدان معنی است که تا سال ۲۰۲۵ علاوه بر کمکهای بلاعوض کمک دهنده گان بین المللی به تمویل اضافی ۳,۵ میلیارد دالر امریکایی ویا بصورت میانگین سالانه ۶۰۰ میلیون دالر امریکایی ضرورت خواهد بود. درحالیکه در شرایط عادی، اثرات رفاهی افزایش ۲ درصدی در رشد اقتصادی میتواند از هزینه مالی تخمین شده بیشتر بوده، خطرات جمع آوری ضعیف عواید داخلی ویا تغییر در میزان کمکهای خارجی میتواند این پالیسی را متاثر سازد (عمرجوا، سال ۲۰۱۸).

نتیجه گیری مهم ازین کار تاکید بر اهمیت افزایش سرمایه گذاری خصوصی در اقلام صنعتی پیشنهادی میباشد. اتخاذ شیوه که سرمایه گذاری خصوصی در تولید تجارتي باعث افزایش تولیدات صنایع کوچک گردد و شامل اخذ قرضه های بیشتر میگردد، ضربیها و رابطه های روبه جلو و روبه عقب را در اختیار قرار میدهد که باید اندازه گیری شوند. در نتیجه، برای از میان برداشتن خطرات مالی، استفاده از روشهای مختلط تمویل و تجارتي سازی تولید راه را برای سرمایه گذاری های جدید هموار خواهد ساخت. تغییر جزیی در میزان سرمایه گذاری باعث افزایش رقابت در اقتصاد شده و منجر به تعویض واردات و افزایش صادرات میشود.

2.2 دیدگاه

داشتن بازار رقابتی، متنوع و مبتکر و با پایه جهانی در صنعت که به رشد پایدار، اشتغال زایی، و بهبود در کسر تجارت و حساب جاری الی سال ۲۰۲۶ کمک نماید.

2.3 اهداف کلی

افزایش تولید از طریق انجام اقدامات تشویقی به منظور جبران وابستگی به کالاهای وارداتی و بهبود انکشاف شبکه کالا و اشتغال زایی در داخل کشور نه در خارج از کشور.

2.4 معیارهای انتخاب برای انکشاف اقلام صنعتی

شرایط هیچ کشور مانند شرایط افغانستان با جزئیات آن مورد مطالعه قرار نگرفته و همچنان محدود کشورهایی در جهان وجود دارند که چنین کمکهای بزرگ خارجی را دریافت کرده اند. باوجود این، وضع موجود کمک خوبی به افغانستان نکرده و عرصه های مهم تحلیل چون (۱) تحلیل اقلام صنعتی (۲) تحقیق در مورد ضربیهای اشتغال و (۳) اتکا روی تعویض واردات طور مثال هیچگاه مورد مطالعه قرار نگرفته است. هر پروژه از فرضیه ها و خطوط مبدای مختلف استفاده کرده و در نتیجه به عوض اتخاذ یک شیوه ساده درین مرحله انتخاب کلسترها برای انکشاف انجام میشود. با توجه به اینکه از نظر تاریخی پالیسی های تعویض ی واردات توسط تیوری پایه اقتصادی ویا تحلیل کلسترهای صنعتی تقویت میشود، شیوه مشخص شده هر دو شیوه یکجا میسازد.

در بخش تولید، در زمینه زراعت تجارتي که دارای بازدهی بالا بوده، سرمایه گذاری کمتری صورت گرفته و تنها همین شیوه است که کیفیت کالاهای، تراکم، بسته بندی و بازاریابی را برای اهمیت اقتصادی آن ممکن میسازد. برای افزایش تولید ادویه جات ویا صنعت سمنت سرمایه گذاری کمتری صورت گرفته و از همین جهت برای توريد آنها از خارج، کشور بهای بالایی را میپردازد. در نتیجه، اتخاذ پالیسی افغانی سازی اهمیت زیادی داشته تا پالیسیها و راه های سرمایه گذاری عملی شود که بر مبنای برتریهای نسبی و رقابتی اتکا بالایی واردات را در افغانستان کاهش دهد.

به ارتباط صنعتی سازی تعویض واردات، هدف اعمال تعرفه های بلند بالایی واردات جهت افزایش مشوقها برای تولیدات داخلی نبوده، بلکه هدف در عوض در نظر گرفتن تعرفه های به مثابه اقدام واحد در مجموعه از اقدامات و ابزار میباشد. ایجاد بازار داخلی به یک امر مهم مبدل شده است. تمام کشورهای صنعتی چنین پالیسی را تعقیب نموده، و از بین بردن کسر تجارت و حساب جاری- که منجر به نرخ پایدار تبادل ارز خواهد شد- باید در حال حاضر در صدر پالیسی قرار گیرد. حساب جاری شامل معاملات در اجناس، خدمات، درآمد سرمایه گذاری و انتقالات جاری میگردد.

انتقادات بالایی تعویض واردات عمدتاً دوگانه است: (۱) اقدامات جایگزینی واردات محافظتی بوده و علیه اخلاق سیستم تجارت چند جانبه به ویژه سازمان تجارت جهانی قرار دارند و (۲) تعویض واردات حتی اگر موفقانه انجام شده باشد منجر به توزیع مجدد سرمایه شده که دارای برنده و بازنده میباشد. چگونه به این نگرانی ها رسیدگی شود؟ نخست در مورد سازمان تجارت جهانی و اقدامات محافظتی، افغانستان نخستین کشوری نخواهد بود که به اساس این رژیم پالیسی جایگزینی واردات را رویدست میگیرد. بسا کشورها که شامل کشورهای روبه انکشاف و انکشاف یافته میگردد، در حال حاضر در روند اتخاذ چنین پالیسی در سطوح مختلف قرار دارند. ستراتیژی "در داخل هند ساخته شود" که توسط حکومت هند طور مثال رویدست گرفته شده روی محلی سازی

و افزایش تولیدات داخلی و تقویت ظرفیت تجارتي تمرکز دارد. حتی در کشورهای انکشاف یافته ارائه سبسیادیهای زراعتی یک مسئله بحث برانگیز شده است. همچنان در داخل سیستم سازمان تجارت جهانی، افزایش میزان تولیدات داخلی و صادرات بدون نقض موافقتنامه های بین المللی امکان پذیر است. ایناستراتژی روی این مسئله تمرکز خواهد داشت. ثانیاً در زمینه توزیع مجدد سرمایه و تعیین برنده و بازنده، به مثابه تازه وارد در اتخاذ پالیسی تجارتي تعویض واردات افغانستان میتواند از تجارب سایر کشورها استفاده کرده و این تجارب در استراتژی موجود گنجانیده خواهد شد.

اقدامات تعویض واردات بطور سنتی به دو بخش تقسیم میشود (۱) سیستم مشوقهای صنعتی (۲) سیستم محافظت. اقدامات مربوط به پالیسیهای مشوقهای صنعتی شامل ارائه معافیت موقت مالیاتی و یا مشوقها برای یک مدت معین، اعطای هزینه های استهلاک سریع، اعطای وضعیت پیشگام، سبسیادیها، اتخاذ پالیسیهای خوب کربدیت و ایجاد صنایع محلی برای تولید اجناس محلی میگردد. اقدامات مربوط به سیستم محافظت شامل تدابیر تعرفه و اقدامات غیرتعرفه یی چون محدودیتهای کمی به شکل سهمیه ها، اجرای کربدیت به صنایع از طریق کمکهای کمک دهنده گان، اعطای جواز برای توريد و کنترل نرخ تبادله ارز خارجی میگردد. این استراتژی پالیسیهای مناسبی را برای افغانستان درین دو بخش شناسایی خواهد کرد.

تهیه لیست خلاصه تولیدات برای این استراتژی طور ذیل صورت گرفته است:

- کالاهایی که به مقدار زیاد توريد شده و میتوانند در داخل کشور تولید شده و تعویض آنها روی کسر تجارت و حساب جاری تاثیر قابل ملاحظه خواهد داشت،
- کالاهایی که قابلیت افزایش سریع بازدهی را دارا هستند،
- کالاهایی که به هدف بهبود بیشتر رقابت، قابلیت کارایی تولید را داشته باشند،
- کالاهای دارای مزیت آشکار نسبی مثبت در بخش واردات،
- کالاهایی که میتوانند به مقیاس بزرگ تجارتي تولید شده و قابلیت صنعتی شدن را دارند.

به وضوح، کالاهای چون تجهیزات رادیویی (۶۸۰ میلیون دالر امریکایی در سال ۲۰۱۶)، وسایط زرهی (۶۶۰ میلیون دالر امریکایی در سال ۲۰۱۶)، موتورها (۲۷۵ میلیون دالر امریکایی در سال ۲۰۱۶) به این زودی تعویض نخواهند شد، مگر کالاهایی چون آرد گندم (۵۶۶ میلیون دالر امریکایی در سال ۲۰۱۶)، سمونت (۱۲۳ میلیون دالر امریکایی در سال ۲۰۱۶) و گوشت مرغ (۴۶۰ میلیون دالر امریکایی در سال ۲۰۱۶) را میتوان با انگیزه های صحیح تعویض ساخت.

ظرفیت رشد در سکتورهای غیرزراعتی قابل ملاحظه است. در بخش معادن طور مثال، افغانستان دارای ۱۴۰۰ معدن بوده و گرچه استخراج معادن مس عینک، حاجی گک و بامیان به علت ناامنی متوقف شده ولی سکتورهای دیگر چون گسترش استخراج طلا بر توسعه این سکتور تاکید مینماید. علاوه برین، در ماه سپتمبر ۲۰۱۸، کمپنی استخراج معادن راه ابریشم (Silk Road Mining) که در افغانستان ثبت شده است، قرارداد بزرگ انکشاف سکتور معادن را با وزارت معادن و پترولیم امضا نموده که تفحص و بهره برداری بعدی معدن بزرگ مس در منطقه شیدا در ولایت هرات را شامل میگردد. این بزرگترین قرارداد استخراج معادن است که توسط حکومت افغانستان در ده سال اخیر امضا شده گرچه سرمایه گذاریهای عمده در بخش معادن، سرکها و انرژی نشاندهنده پوتنسیال بزرگ برای توسعه میباشد. پوتنسیال برای توسعه ارائه خدمات صحتی بخش خصوصی قابل ملاحظه بوده، و کمپنیهای چون افغان فارما توانایی تعویض واردات و همکاری با کمپنی های شناخته شده بین المللی را دارا میباشد. سایر کمپنیهای محلی در بخش ادویه سهم داخلی بازار پردرآمد ادویه را افزایش میدهند که بصورت سنتی در تسلط ادویه های وارداتی قرار داشته است. بسیاری از محصولات تولید شده در داخل کشور از نظر هزینه قابلیت رقابت را دارا میباشند.

2.5 انتخاب اقلام صنعتی و گروپ کالاه

توقع می‌رود تطبیق‌استراتژی تعویض واردات افغانستان فعالیت های افزودن ارزش را به مثابه وسیله افزایش مصرف داخلی، ایجاد فرصت های شغلی و تبدیل اقتصاد افغانستان به یک اقتصاد متنوع و رقابتی با بازار داخلی قوی که با بازارهای صادراتی ارتباط داشته باشد، تقویت و تشویق نماید. چیزیکه برای تعویض ی واردات مهم است در عین حال برای گسترش صادرات نیز خوب می‌باشد. در نتیجه، این کلسترهای صنعتی روی به مثابه محرکه های دارای اولویت صنعتی سازی تعویض واردات دارای ده بخش فرعی می‌باشد. این بخش های فرعی بر مبنای کاربرد معیارهای بیان شده تثبیت شده و در جدول شماره ۳ بیان گردیده اند.

جدول شماره ۳: اولویتهای اقلام صنعتی					
اقلام صنعتی	ارزش وارداتی (به دالر امریکایی)	نرخ تعرفه	برتری و ارادت ^۱	اشکار نسبی	فیصدی واردات امکانات برای صنعتی سازی
گندم و آرد گندم	906,000,000	2.5-5	208	12.2 %	Yes
ادویه جات و خدمات صحن	744,300,000	2.5	Various	1.2 %	Yes
سمنت	303,000,000	10	12.2	4.1%	Yes
روغن خوراکی	395,100,000	2.5	26	5.3%	Yes
شکر و شیرینی باب	212,500,000	5-16	99.4	2.9%	Yes
گوشت مرغ	46,400,000	5-20	2.89	0.51%	N/A
سبزیجات	79,000,000	5-40	Various	1.1%	N/A
حبوبات	57,000,000	5-10		0.8%	N/A
لبنیات	76,000,000	5-2		1.0%	Yes
آهن	363,000,000	5-16		4.9%	Yes
برق	289,000,000	2.5		3.9%	Yes
Totals	3,471,300,000			۳۷%	N/A

* برای محصولات سبزیجات، میانگین تعرفه ۱۰ بوده چون بسیاری از اقلام دارای این تعرفه بوده، بلندترین تعرفه برای شماری از اقلام ۱۶ و بسیاری از اقلام دارای تعرفه ۲,۵ می‌باشند.

2.6 شیوه کلی تعویض واردات

بخش اعظم واردات که می‌تواند تعویض شوند از سکتور زراعت و باغداری بدست آمده، و این سکتور همچنان یکی از بزرگترین سکتور اشتغال زایی محسوب می‌شود. در نتیجه، و با توجه به ضرورت ایجاد بازار داخلی که عرضه و تقاضا را باهم پیوند می‌دهد، شیوه باید جستجو شود که ارتباطات بازار و وابستگی میان بخشهای روستایی و شهری را تقویت میکند. تنها تمرکز روی انکشاف شبکه کالا و زنجیره ارزش خارج از تقاضا برای کالاها و خدمات کافی نبوده، و از همین جهت شیوه کلی که روی دست گرفته می‌شود باید "صنعتی سازی بخش زراعت" بوده باشد. این شیوه ارتباطات به جلو و عقبی میان کلسترها و بازارها را تقویت نموده و از ادغام زنجیره ارزش حمایت بهتر مینماید. شکل شماره ۴ شیوه کلی را که هدف آن افزایش تولید، سودآوری، سرمایه گذاری مجدد، توسعه و تقاضای بیشتر می‌باشد، توضیح مینماید.

شکل ۴. شیوه صنعتی سازی زراعت

^{۱۰} مزیت های آشکار نسبی برای ۴ سال متفاوت (با توجه به موجودیت اطلاعات) محاسبه شده که نشاندهنده چهار نطقه متفاوت زمانی- ۱۹۹۶، ۲۰۰۰، ۲۰۱۰، و ۲۰۱۶ بوده تا مشاهده روندها ممکن شود. قیمت‌های بزرگتر برتریهای آشکار نسبی نشاندهنده رقابت صادراتی بالاتر بوده و هنگامیکه همراه با احجام تولید و صادرات بررسی شوند، توضیح واضطر کالاهای مقدم برای حمایت از زنجیره ارزش بدست می آید. محصول بهتر برای این ستراتیژی محصولی است که هم دارای ارزش بالا برتری آشکار نسبی بوده و هم دارای قیمت‌های بالا و روبره افزایش صادراتی در میان کالاهای دیگر داشته باشد البته با قبول اینکه پوتنسیال صادراتی منحیث یکی از اولویتهای مهم باقی بماند.



2.7 غلبه بر مشکلات بخش عرضه

طوریچه در چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان و برنامه های انکشاف سکتور خصوصی ذکر شده، مشکلات بخش عرضه باید حل شوند. دریناستراتژی پیشنهاد شده تا مشکلات اساسی بخش عرضه برای اقلام صنعتی پیشنهادی، به اساس همکاری با فعالین بخش خصوصی و زنجیره ارزش شناسایی شوند. مشکلات اساسی بخش عرضه که باید مورد توجه قرار گیرند، قرار ذیل اند:

- زمین زراعتی) دسترسی بیشتر به زمین برای اهداف زراعتی، اعطای امتیازات بیشتر و غیره)،
- زمین صنعتی/پارکها) دسترسی به شرایط بهتر تجارتي به شمول زمین، تعمیرات، برق، آب، منابع مالی، پروسیس و ارتباطات)،
- برق) قیمت پایین، توسعه شبکه، قطع برق، نوسانات ولتاژ)،
- سرکها و ترانسپورت) زیربنای بهتر برای اتصال بازارها)،
- مواد زراعتی و دارویی، هزینه های پایتیر و کیفیت بهتر،
- منابع مالی) شمولیت بهتر، نرخ های پایین سود، محصولات بهتر)،
- تضمین ها برای قرضه (تسهیلات تقسیم خطر برای افزایش قرضه دهی به سکتورهای دارای کارکرد ضعیف و تمدید زمان برای قرضه دهی، و
- منابع بشری) از بین بردن خلا در مهارتها، آموزش عملی، مهارتهای تکنیکی و حرفه یی)

این استراتژی بالای تمام کشور و بازار آن تمرکز نکرده، بلکه در عوض روی زنجیره های پیشنهادی ارزش، از میان برداشتن مشکلات برای یک کالای مشخص برای مجموعه شناخته شده فعالین بازار تمرکز مینماید. در نتیجه، نیاز است تا گفتگوی قوی میان بخش های دولتی و خصوصی برای اولویت بندی مشکلات و دریافت راه حل های دوا مدار صورت گیرد. بسته های تشویقی در بخش صنایع که کالاها و بازارهای مشخص را هدف قرار میدهند، تهیه خواهند شد.

2.8 غلبه بر مشکلات بخش تقاضا

گرچه افغانستان از سال ۲۰۱۱ بدینسو در ظاهر در تقاضا وضعیت بدی داشته، ولی واقعیت اینست که در سال ۲۰۱۶ برای توريد کالاها و خدمات، تقاضا بیشتر شده است. وابستگی به واردات نشان دهنده ناکامی در بخش سرمایه گذاری روی تقاضای داخلی برای اجناس و خدمات تولید شده در داخل بوده و این حقیقت را نشان میدهد که این قیمت گذاری بازار نبوده بلکه عرضه است که ترجیحات مصرف کننده گان را شکل میدهد. تقویت دراز مدت مستلزم تغییر در مولدیت بوده ولی در کوتاه مدت درآمدها باید نسبت به مصارف افزایش یابند. این کار فقط زمانی صورت میگیرد که فعالیت های تجارتي سودآور بوده، خطرات بصورت بهتر کاهش داده شده و جریان سرمایه به بخش های اقتصاد برای رشد مساعد بوده باشند.

حکومت علاقه مند است تا سیستم خدمات مبتنی بر تقاضا را عملی نماید جایی که فعالین بازار میتوانند از بسته های تشویقی سود ببرند که منفعتها را در برابر خطرات تقویت مینماید. طور مثال، برنامه تضمین قرضه مبتنی بر تقاضا تطبیق شده، برنامه های مدیریت خطر راه اندازی شده، قرضه دهی برای آسان سازی تولید و مصرف صورت گرفته، و تعرفه های وارداتی بالای کالاهای مهمی که برای توسعه تولید ضروری اند، برداشته خواهند شد. د افغانستان بانک در جهت ثبات قیمت های داخلی و کاهش نوسانات شدید در تبادل ارز خارجی از طریق مداخله در بازار داخلی با توجه به تاثیرات تلافی کننده نرخ تبادل ارز روی تورم پولی کار خواهد کرد. این و سایر اقدامات برای رسیدن به اهداف استراتژی افغانستان تولیدی مهم میباشد.

^{۱۱} تعداد برنامه های تقسیم خطر که هم اکنون در افغانستان موجود بوده چون برنامه تضمین کردیت افغانستان و اداره انکشاف کردیت اداره انکشاف بین المللی امریکا، گرچه آنها همه بازار را احتوا نکرده و از همین رو نیاز است تا گسترش یابند.

عرصه مهم دیگر حمایت باید علامت گذاری بهتر و بازاریابی برای کالاها بوده تا کیفیت محصولات داخلی بهبود یابد. افزایش سهم تولیدات داخلی در بازار میتواند با علامت گذاری "ساخت افغانستان" از طریق مجاری حکومتی ارتباطات که از آگاهی بیشتر در میان مصرف کننده گان حمایت میکند، تشویق شود.

2.9 شیوه انکشاف فضای محصولات

این استراتژی روی مفهوم اساسی انکشاف فضای محصولات قویاً متکی است.^{۱۲} فضای محصولات به مفهوم شبکه است که مفکوره ارتباط میان کالاهایی که در بازار جهانی مورد داد و ستد قرار میگیرند، را رسمیت میبخشد. در افغانستان، فضای محصولات دارای اثرات قابل ملاحظه برای پالیسی اقتصادی بوده چون این شبکه توضیح میدهد که رشد ثابت اقتصادی چگونه بدست می آید و پالیسی صنعتی سازی تحت رهبری زراعت چگونه به تسریع رشد تولید و همچنان حمایت از تعویض واردات و توسعه صادرات کمک مینماید.

شیوه انکشاف شبکه کالا سرمایه گذاری روی کالاهایی را که هم اکنون انکشاف داده میشوند و دارای شرایط تولیدی مشابه و خصوصیات پیچیده گی هستند، تشویق مینماید. طور مثال، چون افغانستان در حال حاضر انار تازه را به کشورهای همسایه صادر مینماید، چانس بیشتری برای انکشاف قابلیت های تولید مشروب انار را نسبت به ساخت وسایط زرهی دارد. در نتیجه، مزیت آشکار نسبی هر کالا، زمانیکه از زاویه شبکه کالا به آن دیده شود، به حکومت امکان میدهد تا اطلاعات را برای هدف قرار دادن سرمایه گذاری های مورد استفاده قرار دهد که انکشاف شبکه کالا را برای کالاهایی گسترش میدهد که برتری خویش را نشان داده اند. پیوند دادن انکشاف شبکه کالا با شیوه صنعتی سازی به رهبری زراعت منجر به انکشاف بیشتر در تشیئات کوچک و متوسط میگردد. این استراتژی از همین جهت شماری از عناصر مهم را باهم یکجا ساخته تا صنعتی سازی تحت رهبری زراعت را اجازه دهد تا تاثیر قابل ملاحظه روی رشد، تعویض واردات و توسعه صادرات داشته باشد. این عناصر ایجاب سرمایه گذاری به شیوه ذیل را مینماید:

- **مزیت آشکار نسبی:** سرمایه گذاری در کالاهای دارای مزیت نسبی مثبت. اگر ارزش مزیت نسبی از یک بیشتر شود، سهم صادرات یک کشور در کالای موردنظر بیشتر از سهم آن کالا در تمام تجارت جهانی خواهد بود.
- **فضای محصولات:** انکشاف شبکه کالا برای افغانستان به مثابه یک اساس برای درک تکامل ساختار تولیدی افغانستان،
- **مجاورت کالا:** اتخاذ شیوه که در آن نزدیکی و مجاورت بین یک کالا و کالای دیگر شناسایی کالاهای نسل بعدی را که دارای خصوصیات مشابه تولیدی و نیازمند آنها اند، ممکن میسازد،
- **اتصال به پیشینه و آینده:** نه فقط به کالاها به مثابه نتایج میانمدت نگریسته بلکه در عوض در نظر گرفتن اتصالات به آینده (نتایج میانمدت، اثرات درازمدت و پوتنسیال سرمایه گذاری که صورت میگیرد) و اتصالات به پیشینه (زمانیکه یک پروژه، سرمایه گذاری در تاسیساتی را تشویق مینماید که موفقیت پروژه را ممکن میسازد)، و
- **سرمایه گذاریهای اساسی، کمکی و خدماتی:** شیوه مهم برای تقویت سرمایه گذاریهایی که نشاندهنده نرخ مثبت بازدهی دارای اثرات قوی افزایش دهنده بوده و منجر به سرمایه گذاری خدماتی میشود عبارت است از انکشاف سرمایه گذاری عامه- با سهمگیری قوی بخش خصوصی- یکجاسازی سرمایه گذاریهای بزرگ، میانمدت و کوچک در یک شیوه واحد میباشد. تمویل کننده گان اساسی میتوانند از بخش دولتی و خصوصی بوده که شامل مشارکت عامه و خصوصی و و سرمایه گذاری های مشترک میگردد.

گام نخست بسوی رشد پایدار اقتصادی، متوازن ساختن مجدد شرایط تجارت افغانستان از طریق افزایش تولید و رقابت در سطح ملی، کاهش هزینه های معاملاتی بازار و کاهش میزان آسیب پذیری در برابر خطرات بازار میباشد. برای انجام اینکار، سرمایه گذاری ها باید بیشتر از مجموع پروژه ها بوده، و یک شیوه واحدی باید درپیش گرفته شود که پالیسی و سرمایه گذاری هر دو را هماهنگ سازد. از همین جهت استراتژی تعویض واردات شیوه سرمایه گذاری اصلی، کمکی و خدماتی را پیشنهاد مینماید (به شکل شماره ۵ ذیل مراجعه شود) تا اثرات مستقیم، غیرمستقیم و تشویقی را افزایش دهد.

طور مثال، تنها پارکهای صنعتی زیربنای اساسی را تامین نمی کند، بلکه آنها بطور مشخص برای گردآوردن طرفین ذیعلاقه زنجیره ارزش در تحت یک چتر طراحی شده اند. مشکلات بخش عرضه میتوانند برطرف شده، و تراکم کالا، پروسس، بسته بندی، بازاریابی و توزیع بهبود یابد. انرژی و منابع مالی میتواند به عنوان خدمات باکیفیت ارائه شده، و خدمات مستقیم و غیرمستقیم چنین ساختار، ارتباطات بهتر میان تشیئات کوچک و متوسط و کمپنی های بزرگتر بخش عرضه را افزایش میدهد. مواد میتوانند بصورت یکجایی به قیمت پایین خریداری شود. سرمایه گذاری کمکی از مراکز تجاری شامل سرکها، سیستمهای سردخانه ها، و زیربنای باکیفیت میگردد. وزارت اقتصاد قصد دارد تا یک شیوه اقتصادی جامعتری را برای استراتژی تعویض واردات رویدست گرفته و با حکومت برای افزون ارزش در تقویت تجارت برای کلسترهای نامزد کار نماید.

شکل شماره ۵. شیوه های سرمایه گذاری اساسی، کمکی و خدماتی

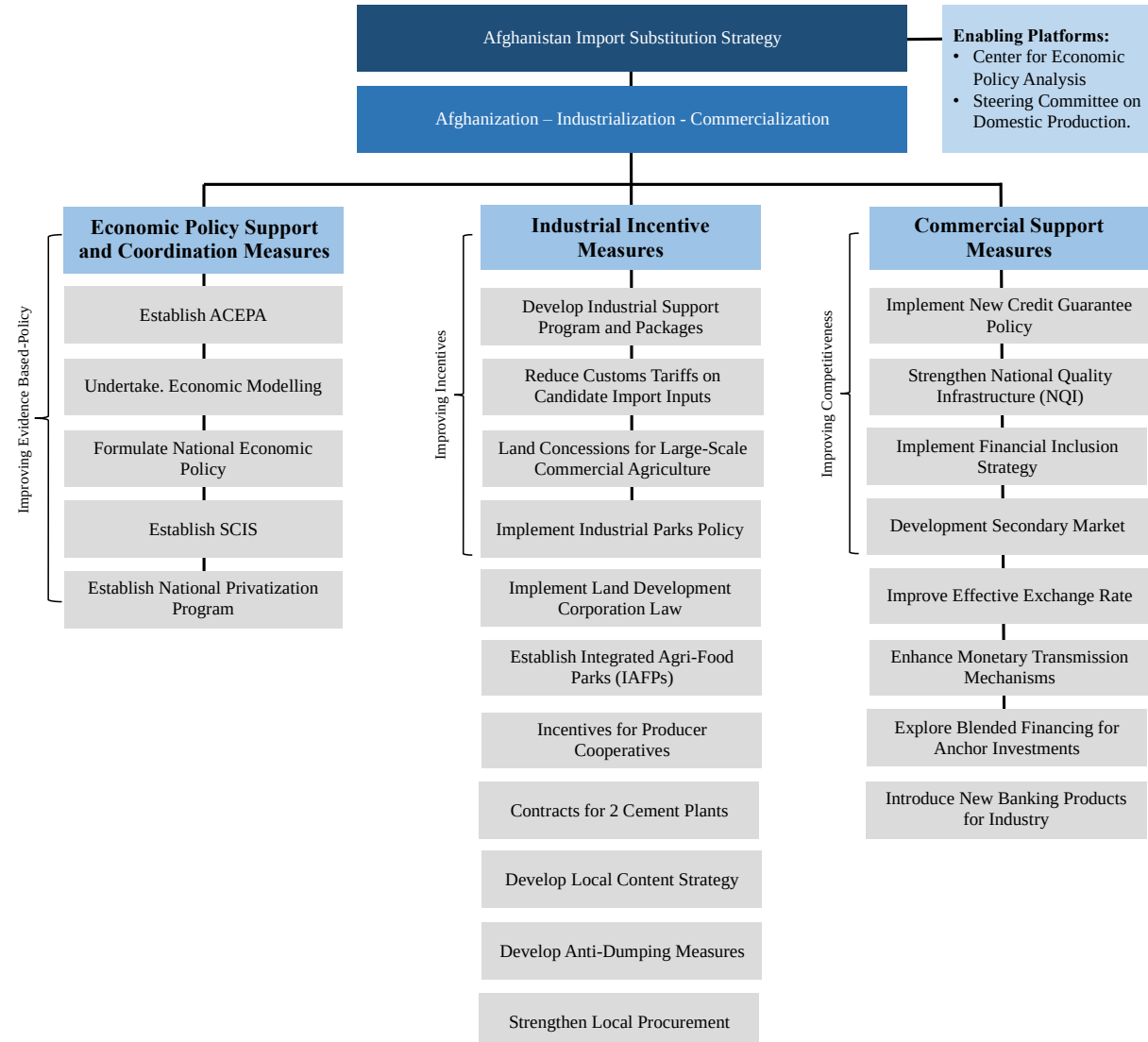
^{۱۲} این شبکه برای بار اول در شماره ماه جولای ۲۰۰۷ ساینس در مقاله "فضای محصولات شرطی برای انکشاف کشورهای میباشد، دیده شد" که توسط Cesar Hidalgo, Bailey Klinger, Ricardo Hausmann, and Albert-László Barabási نوشته شده است.



2.10 خلاصه استراتژی تعویض واردات

شکل شماره ۶ ذیل خلاصه عناصر اصلی این استراتژی را که روی سه عرصه حمایت، و گردآوردن مجموعه‌ء از تدابیر برای تحقق اهداف تعیین شده در قسمتهای بعدی استوار میباشد، ارائه مینماید. این ستراتیژی (به بخش تطبیق مراجعه شود) منحنیت برنامه کل حکومت، با استفاده از برنامه های موجود، با عناصر جدید که هدف آنها بهبود شواهد و تاثیرات دراز مدت میباشد، مورد تطبیق قرار میگیرد.

شکل ۶. خلاصه استراتژی تعویض واردات



A full-page background image showing a lush green cornfield in the foreground, with a small wooden barn visible on the horizon under a dramatic, orange-hued sunset sky with scattered clouds.

3. اقدامات پیشنهادی برای تعویض

3 اقدامات (تشویقی) تعویض واردات

جهت تسريع روند تعویض واردات چارچوب تشویقی باید تقویت شود. برای اقلام صنعتی پیشنهادی که برای انکشاف شناسایی شده، مجموعه از گزینه های حمایت مستقیم و غیر مستقیم جهت تشویق توسعه، هزینه های پایین تولید، کاهش خطرات و غلبه بر نقایص بازار رویدست گرفته شوند. در نتیجه، استراتژی تعویض واردات مجموعه از تدابیر ذیل را برای تعویض واردات با تولیدات داخلی ارائه میکند:

- اقدامات مربوط به حمایت و هماهنگی پالیسی اقتصادی،
- اقدامات مربوط به تشویق صنایع، و
- اقدامات مربوط به حمایت غیرفعال برای بازارهای مالی و کردیت.

استراتژی رشد چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان افزایش ارزش افزوده پروسیس محصولات زراعتی را در حدود ۳۳۰ میلیون دالر امریکایی پیشبینی نموده که از طریق ایجاد پارک های زراعتی و اقدامات دیگر بدست می آید. طوریکه در بخش انتخاب اقلام صنعتی پیشنهادی بیان شده، این استراتژی روی فقط روی **زراعت، معادن و ابویه جات** متمرکز میباشد.

3.1 اقلام صنعتی پیشنهادی

بانک جهانی در ماه جون ۲۰۱۴ گزارشی را تحت نام "بازنگری سکتور زراعت: احیای زراعت برای رشد اقتصادی، اشتغال زایی و امنیت غذایی" به نشر سپرد. هدف کلی این گزارش تاکید روی اهمیت زراعت در جهت کاهش فقر در مناطق روستایی، رشد جامع و فراگیر اقتصادی، امنیت غذایی و اشتغال زایی در افغانستان میباشد. این گزارش به حکومت افغانستان پیشنهاد میکند تا نقش رهبری کننده را در (۱) پیشبرد و هماهنگی استراتژی در هر یکی از زنجیره های ارزش مورد نظر به هدف تشویق رشد، و (۲) غلبه بر مشکلات مشترک به شمول مشکلات در عرصه آب و منابع مالی ایفا نماید. با توجه به رشد بالای افزایش نفوس، شبیه سازیها با یک مودل اقتصادی نشان میدهد که زراعت در صورتیکه هدف آن افزایش درآمدهای روستایی باشد، باید همه ساله حداقل شش فیصد رشد داشته باشد. از همین جهت، به عوض اینکه کل سکتور زراعت به حرکت آورده شود، واقعینانه تر خواهد بود تا در قدم اول به تعداد کمی از کالاهای "منحیث محرکین نخست" وارداتی و محصولات سنتی صادراتی توجه صورت گیرد. این "محرکین نخست" عبارتند از:

- گندم آبی،
- محصولات مالداري (شیر، تخم، و گوشت مرغ)، و
- محصولات باغداری (میوه تازه، میوه خشک، سبزیجات).

تقویت و تشویق ستراتیژی "محرکین نخست" به تغییر کاهش پیش بینی شده کمکهای خارجی و تحول زراعتی که برای رشد فراگیر اقتصادی افغانستان، اشتغال زایی و امنیت غذایی ضروری میباشد، هردو پاسخ میدهد. این استراتژی همچنان به از بین بردن خلاهای تجارتي و حساب جاری کمک مینماید. محرکین نخست- کلسترهای صنعتی- طور ذیل انتخاب شدند.

- آنها دارای بهترین امکانات برای افزایش مولدیت در کوتاه مدت میباشدند،
- تحلیل هزینه نشان میدهد که گندم آبی و محصولات باغداری و مالداري میتوانند بر مبنای رقابت با کالاهای وارداتی تولید شوند،
- این محصولات دارای تقاضای قوی و روبه افزایش در داخل و خارج از کشور میباشدند،
- آنها میتوانند همراه با زنجیره ارزش، باعث افزودن ارزش قابل ملاحظه شده، و درآمدها و اشتغال تعداد زیاد مردم را افزایش دهد،
- کلسترهای صنعتی در مناطق آبیاری شده اطراف شهرها که تا اندازه امن بوده و دارای دسترسی خوب به بازارها بوده، متمرکز شده است، و
- در صورت مشکلات مالی، آنها راهی را پیشنهاد میکنند تا منابع دولتی موجود را طوری متمرکز ساخت که بهترین سود ممکنه را بدست آورد.

گندم آبی

گندم آبی یک چهارم تولید ناخالص داخلی زراعتی و ۶/۳ درصد تولید ناخالص داخلی ملی را تشکیل داده (۷۰ درصد مقدار آن از زمین های آبی بدست می آید) و بین ۱/۱ و ۱/۳ میلیون شغل تمام وقته (بالای مزرعه و بیرون آزان یعنی صنایع زراعتی به شمول آرد کردن گندم و پختن نان) را ایجاد میکند. همچنان این توقع واقعینانه است که تولید آن افزایش یافته که در پنج تا ده سال آینده حداقل در سالهای بدون خشک سالی تعویض بخش اعظم واردات شود. علاوه برین، به دلایل ذیل غیرواقعیانه خواهد بود اگر گندم آبی تعویض حاصلات بدیل در میان مدت تا درازمدت شود:

- انکشاف تولیدات باغداری دارای ارزش بالا و بازارها زمانگیر بوده و احتمالاً در مناطقی متمرکز خواهد بود که دسترسی به بازارها و/یا سردخانه ها داشته باشند. این بدان معنی است که گندم آبی در بسیاری از عرصه ها برای مدت طولانی رقابتی میماند،
- دهاقین تصمیم میگیرند که کدام محصولات را کشت کنند و با توجه به وضعیت نامعلومی که دران زندگی میکنند، بسیاری به خاطر امنیت غذایی خودشان اقدام به کشت گندم میکنند، و
- حکومت باید ضرورت برای کارایی اقتصادی در استفاده از منابع زراعتی کشور را در برابر ضرورت جلوگیری از بحران مواد غذایی در کشور (مانند بحرانی که در سال ۲۰۰۸ رخ داد) متوازن سازد که این کار مستلزم نگهداری سهم قابل قبول تولید داخلی در برابر مصرف در سطح ملی میباشد.

در صورتیکه ساحه کشت گندم آبی در ظرف ده سال از طریق احیا، ۱۰ درصد افزایش یابد و حاصل گندم به ۴۵ متریک تن/فی هکتار افزایش یابد، درین صورت حاصلات مجموعی گندم آبی در طی یک دهه به ۲,۲۵ میلیون متریک تن افزایش یافته و اینکار باعث افزایش ۱,۵۸ میلیارد دالر امریکایی در سال به تولید ناخالص داخلی خواهد شد. اینکار باعث ایجاد ۱۷۳۸۰۰ شغل جدید در تولید گندم و ۵۴۷۰۰ شغل جدید در بخش صنایع زراعتی به شمول آرد کردن گندم و نانپزی خواهد شد.

مالداری

تحلیل وابستگی به واردات و برتری آشکار نسبی ظرفیت های قابل ملاحظه را برای افزایش مالداری و تولید لبنیات نشان میدهد. مالداری در حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی زراعتی و یا ۶۸۰ میلیون دالر امریکایی را در سال ۲۰۱۴ تشکیل داده که باعث ایجاد ۱,۱ میلیون شغل تمام وقته گردیده که ۱۵ درصد این شغلها در خارج از مزرعه بوده است. سکتور فرعی مالداری همچنان دارای پوتنسیال قوی بوده و میتواند به رشد و اشتغال زایی کمک نموده، واردات را تعویض ساخته، و به فرصتهای صادراتی سود برساند. این کلستر میتواند باعث افزایش فعالیت های پروسیس زراعتی در سطح کوچک و متوسط گردد. نسل های دارای مولدیت پایین، امراض، تغذیه خراب، خشکسالی، و مشکلات باز آریایی، و محصولات فاسدشدنی از مشکلات کلستر مالداری میباشد. بدون کمک بیشتر، افزایش تولیدات مالداری در ظرف ده سال آینده به اندازه کمی افزایش خواهد یافت. مگر در صورت حمایت، پوتنسیال قابل ملاحظه برای دوچند ساختن تولید لبنیات و تولید گوشت مرغ درین مدت موجود بوده که سالانه ۲۷۰ میلیون دالر امریکایی به تولید ناخالص داخلی علاوه کرده و به تعداد ۷۱۵۳۰۰ شغل تمام وقته در طی ده سال آینده ایجاد خواهد کرد. تولید گوشت مرغ و تخم پوتنسیال قوی برای توسعه دارد.

باغداری

در حال حاضر سکتور فرعی باغداری به ۳۶۰۰۰۰ هکتار توسعه یافته که نزدیک به ۱۴ درصد زمین آبی کشور را احتوا کرده و بیشتر از ۲ میلیون تن در آن مشغول کار میباشد. در حال حاضر باغداری ۱,۴ میلیارد دالر امریکایی را بر تولید ناخالص داخلی ملی علاوه کرده و ۳۴ درصد تولید ناخالص داخلی زراعتی را تشکیل داده، در حدود ۳۵۰۰۰۰ شغل تمام وقته را ایجاد کرده که در حدود ۹۰۰۰۰ شغل آن در اقتصاد غیر زراعتی میباشد. توقع می رود که زمین آبی برای باغداری (از طریق احیا) به اندازه ۲۵۰۰۰ هکتار همه ساله افزایش یافته و به این ترتیب تا سال ۲۰۲۴ به اندازه ۲۵۰۰۰۰ هکتار زمین دیگر به بخش باغداری علاوه گردد. بصورت یکجایی این تغییرات میتوانند به سهم سالانه تولید ناخالص داخلی ۳,۲۳ میلیارد دالر امریکایی این کلستر تا سال ۲۰۲۴ گردد. همه اینکارها تا سال ۲۰۲۴ به تعداد ۳۶۱۹۰۰ شغل تمام وقته را ایجاد خواهد کرد.

پوتنسیال برای انکشاف پارکهای صنعتی و زراعتی، بهبود شبکه کالا و ادغام زنجیره ارزش قابل ملاحظه بوده است. این سه کلستر به تنهایی میتوانند در طی ده سال آینده تولید ناخالص داخلی زراعتی را دوبرابر ساخته و میزان رشد سالانه زراعتی را به ۸ درصد بالا ببرد. افزودن ۱,۳ میلیون شغل تمام وقته در طی دهه آینده (۱,۰۵ میلیون شغل در بخش زراعت، و ۰,۲۶ میلیون شغل در اقتصاد غیر زراعتی) تعدادی است که معادل ۳۰ درصد افزایش تخمین شده خالص به نیروی کار طی همین مدت میباشد.

سمنت

افغانستان بیشتر از ۹۰ درصد سمنت مورد نیاز خویش را از پاکستان و متباقی را از ایران وارد میکند. در حدود ۴ میلیون تن سمنت سالانه توريد شده در حالیکه در سال ۲۰۱۳ به مقدار ۸,۳ تن سمنت به کشور توريد شده بود. توسعه دهلیز اقتصادی چین و پاکستان عرضه را اشباع کرده و صادرات به افغانستان از پاکستان رویه کاهش بوده است. افغانستان در حال حاضر دارای چهار فابریکه تولید سمنت بوده گرچه در سال ۲۰۱۷ یک کمپنی چکی، سرمایه گذاری ۷۰ میلیون دالری را بالای تاسیس یک فابریکه جدید در جنوب غرب کشور اعلان کرد. توقع می رود تا هزینه سمنت در هرات تا اندازه زیادی کاهش یابد. چهار فابریکه عمده تولید سمنت در کشور قرار ذیل اند:

- فابریکه های سمنت غوری یک و غوری دو در پلخمری،
- فابریکه سمنت جبل السراج،
- فابریکه سمنت هرات، و

■ فابریکه سمنت سمنگان.

فابریکه های غوری یک و غوری دوم دارای دو کوره بوده که ظرفیت تولیدی آن در روز ۴۰۰ تن بوده و ۱۰۰۰ تن کلینکر یا تقاله را در روز تولید میکنند. فابریکه سمنت هرات در ابتدا دارای دو خط پروسس تر بوده که ظرفیت تولید کلینکر یا تقاله آن در روز ۷۰۰ تن بوده است. فابریکه سمنت جبل السراج دارای ظرفیت تولید ۱۰۰ تن در سال بوده است. فابریکه سمنت غوری از سال ۲۰۰۶ به بعد به بخش خصوصی واگذار شده و حکومت در نظر دارد سمنت هرات و سمنگان را شرکتی سازد. حکومت پلانهای را اعلان کرده تا سرمایه گذاری مستقیم خارجی را درین سکتور جلب نماید. افغانستان روزانه به مقدار ۴۰۰۰۰ سمنت نیاز داشته که ازین رو توريد سمنت از خارج پرخرج باقیمانده است. به اساس گزارشها، ریاست گمرکات افغانستان توريد سمنت از طریق سرحد ولایت فراه را که از ولایت خراسان در جنوب ایران عبور میکند، ممنوع قرار داده است.

افغانستان به شمول سرمایه گذاری بخش خصوصی در فابریکه های موجود تولید سمنت میتواند توريد بالای موجود سمنت را با تولیدات داخلی تعویض سازد. تولید داخلی سمنت میتواند تعویض توريد سمنت به اندازه ۷۰۰ میلیون دالر امریکایی شود. بخش سمنت اشتغالزای کلان نبوده مگر از طریق فواید هزینه های پایین و عرضه بیشتر میتواند همه صنایع را متاثر سازد.

ادویه

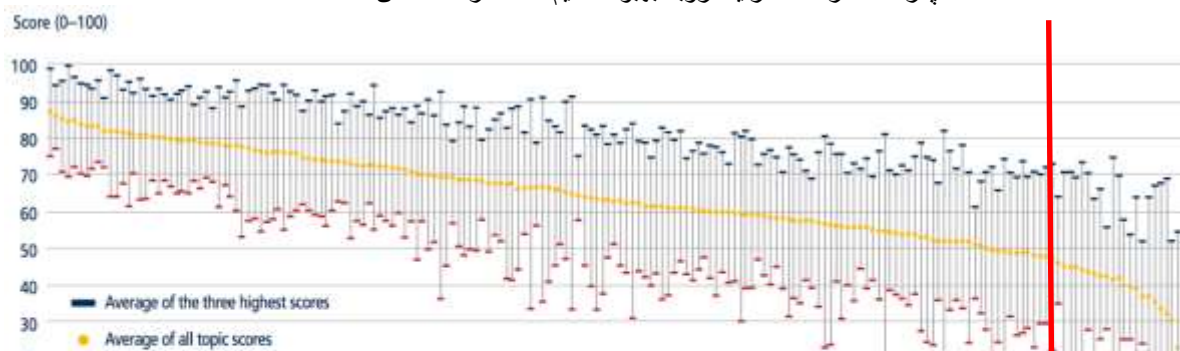
افغانستان در بخش ادویه تا اندازه زیادی روی واردات متکی بوده گرچه تولید داخلی دواهای اساسی به تدریج افزایش می یابد (۸ درصد تقاضا). افغانستان به توريد ادویه موردنیاز خویش از ایالات متحده امریکا، جاپان، سویس، ترکیه، هند، پاکستان و ایران ادامه داده و حتی در مواردیکه تولید داخلی روبه افزایش است، مواد خام آن از چین و هند وارد میشود. گزارش های دامپینگ (فروش کالا در بازار خارجی به قیمت ارزانتر از بازار داخلی) دواهای بی کیفیت در بازار افغانستان برای سالها وجود داشته و توريد غیرقانونی ادویه قابل ملاحظه بوده است. قانون سال ۲۰۰۷ ادویه افغانستان و قانون سال ۲۰۰۸ در مورد لیست محصولات دارویی دارای مجوز در سطح کشور (۲۰۰۸) با نظارت بیشتر قانونی از کیفیت ادویه وارداتی و تولید داخلی مورد بازنگری قرار گیرد. پر کردن خلای وارداتی در بخش دواهای اساسی میتواند طی ده سال آینده به اساس تجارتی صورت گیرد.

3.2 انجام کسب و کار

چارت شماره ۵ ذیل خلاصه شاخص های انجام کسب و کار را در افغانستان در مقایسه با سایر کشورهای جنگ زده و دارای وضعیت شکنند و بحرانی ارائه میدهد. این سروی همه جوانب شرایط تجارت که برای شرکتها و سرمایه گذاران مهم بوده- از قبیل ثبات اقتصاد کلان، وسعت بازار، وضعیت سیستم مالی و کیفیت سرمایه بشری را اندازه گیری نمیکند. در سال ۲۰۱۸، افغانستان در درجه بندی انجام تجارت خوب با آوردن تغییرات عمده در بخش های آغاز تجارت، اخذ قرضه، حفاظت از سرمایه گذاران مربوط به اقلیت های کشور، پرداخت مالیات، و حل مسایل مربوط به ورشکستگی و ناتوانی در پرداخت دیون، ۱۰ درجه بالا رفته است.

افغانستان- به مثابه صدرنشین در بخش انجام کسب و کار در سال ۲۰۱۹- روی بهبود چارچوب قانونی برای انجام تجارت تمرکز نموده است. حفاظت از سرمایه گذاران مربوط به اقلیتهای کشور تا حد زیادی تقویت شده، و به این ترتیب افغانستان یکی از کشورهای است که درین عرصه دارای بیشترین پیشرفت بوده است. قانون جدید شرکت های محدود المسئولیت باعث پیشرفت قابل ملاحظه در زمینه کاهش خطرات منافی تضاد منافع در کمپنیا و تقویت ساختارهای اداره شرکتها شده است. علاوه برین، قانون اجراء تجارتی به منظور اعطای صلاحیت های بیشتر به طرفین ذیدخل برای ارائه اعتراض به معاملات طرف مربوطه مورد تعدیل قرار گرفت. افغانستان همچنان چارچوب قانونی جدید ورشکستگی را در سال ۲۰۱۸ رویدست گرفته است.

چارت شماره ۵: شرایط روبه بهبود تنظیم کننده در افغانستان



منبع: انجام کسب و کار، بانک جهانی (سال ۲۰۱۸)

در حالیکه بسیاری از اقدامات شامل گزارشهای انجام کسب و کار نبوده، تهیه گزارش های انجام کسب و کار در سطح ولایات به حکومت و شرکای خارجی امکان میدهد تا به مشکلات اساسی در سطح ولایات و ولسوالیها که روی تولیدات داخلی و ظرفیت تجارت اثرگذار میباشد، رسیدگی کنند.

3.3 اقدامات مربوط به ماتریس تعویض واردات

پیشنهاد میگردد تا شیوه واحدی برای تعویض واردات اتخاذ شده، و برای آن در سطح کل حکومت راه حلها جستجو شود. مجموعه از اقدامات که شامل (۱) اقدامات حمایتی در سطح پالیسی و هماهنگی (۲) اقدامات مربوط به تشویق صنایع، و (۳) اقدامات مربوط به حمایت پاسیف برای بازارهای مالی و کریدیت میگردد، پیشنهاد میگردد. اقدامات اصلاحی که در ذیل پیشنهاد شده عملی و قابل تطبیق بوده، و به خاطری انتخاب شده که آنها اصلاحات دارای اولویت را از بخش های مختلف حکومت بصورت منسجم باهم یکجا میسازد.

تمرکز اساسی روی اقدامات پیشنهاد شده عبارت از افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی میباشد. اقدامات بیان شده در جدول شماره ۴ ذیل به هدف بهبود عرضه و تقاضای داخلی، بسته های تشویقی برای سرمایه گذاری را افزایش داده و خطرات را کاهش میدهد. هدف اساسی افزایش سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی در همه بخش های صنعتی به منظور افزایش ارزش و اشتغال زایی میباشد. قابل یادآوری هست که اصلاحاتی که در جدول ذیل ارائه شده روی بهبود شرایط پالیسی سازی اقتصادی با توجه به کمبود تحلیل اساسی در عرصه های کلیدی کارکرد اقتصادی و توسعه صنعتی تمرکز مینماید.

جدول شماره ۴: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

فعالیتها		زمان تطبیق					اولویت		فعالیتها
		2024	2023	2022	2021	2020	2019	(1 = بالا)	
								(2 = متوسط)	
								(3 = پایین)	
1. اقدامات حمایت از پالیسی اقتصادی و هماهنگی									
1.1	ایجاد مرکز تحلیل پالیسی اقتصادی در افغانستان	1							مرکز تحلیل پالیسی اقتصادی، وزارت اقتصاد
									تجدید ربعوار معلومات اقتصادی
									نشر شاخصهای اقتصادی
									چاپ و نشر آثار تحقیقی
1.2	پرکردن خلاهای مدل اقتصادی	1							دفتر رئیس جمهور، شورای عالی اقتصادی، وزارت اقتصاد، و تجارت، وزارت های سکتوری
									تایید کالاهای نامزد
									ایجاد مدل ملی تعادل عمومی قابل محاسبه
									تحلیل کلسترهای اقتصادی
									انکشاف ضریب واردات
									تعیین ضریبهای اشتغال
									گزینه تعرفه و سهیه نمونه
									حساسیتهای بازار نمونه
									مدل سازی سهمیه واردات
1.3	تهیه پالیسی ملی اقتصادی	2							دفتر رئیس جمهور، دفتر رئیس اجراییه، شورای عالی اقتصادی، وزارت اقتصاد
									ایجاد کمیته تسوید
									ثبات اقتصاد کلان
									موقف مالی و مصارف
									پالیسی بازنگری مالیات و نرخ سود
									اقدامات حمایت از تجارت
									اقدامات اشتغال
1.4	تاسیس کمیته رهبری تعویض واردات	1							وزارت اقتصاد، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري
									هماهنگی بین الوزارتی
									تطبیق
									نظارت از اثرات درازمدت
1.5	ایجاد برنامه ملی خصوصی سازی/شرکتی سازی	1							

جدول شماره ۴: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

اولویت = (1 بالا) = (2 متوسط) = (3 پایین)	زمان تطبیق						فعالیتها
	2019	2020	2021	2022	2023	2024	
				-			تهیه چارچوبهای حقوقی سکتورهای موردنظر برای خصوصی سازی
				-			ایجاد کمیته های نظارت از خصوصی سازی
				-			تعیین ستراتیژی، سنجش و بسته های تشویقی
				-			بازگذاشتن دارایی های دولتی برای سکتور خصوصی
							دفتر رئیس جمهور، شورای عالی اقتصادی، وزارت مالیه، وزارت اقتصاد و تجارت
2.	اقدامات مربوط به تشویق صنایع						
2.1	تهیه برنامه و بسته های حمایت از صنایع	1					مشوق های مالی و غیرمالی - مزایا برای کاهش سریع - معافیت های مالیاتی - وضعیت پیشگام و سبسایدیها - پالیسی های کریدیت - تطبیق منشور زراعتی
2.2	کاهش تعرفه های گمرکی بالای کالاهای وارداتی نامزد	1					انجام تحلیل اقتصادی - انجام مطالعات دوره بی هزینه و منفعت
2.3	دادن زمین برای زراعت تجاری دارای مقیاس کلان	1					انجام مطالعات امکان سنجی - تدارک مشارکت عامه و خصوصی - بررسی پوتنسیال مصرف

جدول شماره ۴: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

اولویت (1=بالا) (2=متوسط) (3=پایین)	فعالیتها	زمان تطبیق					فعالیتها
		2024	2023	2022	2021	2020	
2	تطبیق پالیسی پارکهای صنعتی						2.4
2	تطبیق قانون شرکت انکشاف زمین						2.5
2	ایجاد پارکهای جامع مواد غذایی زراعتی						2.6
2	بسته های تشویقی برای کوپراتیف های تولیدی						2.7
2	نهایی سازی قرارداد خصوصی سازی دو فابریکه موجود سمنت						2.8
1	تهیه پالیسی محصولات محلی						2.9

جدول شماره ۴: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

فعالیتها	اولویت (1=بالا) (2=متوسط) (3=پایین)	زمان تطبیق					فعالیتها	ادارات تطبیق کننده	
		2019	2020	2021	2022	2023			2024
2.10	1							انکشاف تدابیر ضد دامپینگ	وزارت اقتصاد، وزارت صنعت و تجارت
								شناسایی اثرات مخرب محصولات درنظر گرفتن مالیات گمرکی ضد دامپینگ	
2.11	1							تقویت تدارکات محلی	وزارت مالیه
								افزایش مشارکت شرکت های محلی افزایش دادن مصارف داخل کشور	
3. تدابیر سطح اول و حمایت پاسیف برای بازارهای مالی و کریدیت									
3.1	1							تطبیق برنامه تضمین کریدیت	د افغانستان بانک، وزارت مالیه، سکتورها
								شرایط و تعیین قیمت واجد شرایط بودن تعیین سکتورهای واجد شرایط	
3.2	2							تقویت زیربنای باکفیت در سطح ملی	اداره ملی ستندرد، اتاق تجارت
								تقویت ظرفیت موسسات تقویت مشارکت سکتور خصوصی	
								عرضه کننده گان خدمات زیربنای باکیفیت ملی بخش خصوصی	
3.3	1							تطبیق استراتژی مشارکت مالی	د افغانستان بانک، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول
								تهیه استراتژی ملی مشارکت مالی تهیه استراتژی ملی دانش و قابلیت مالی تهیه قوانین حفاظت از مصرف کنندگان	
3.4	2							انکشاف بازار دومی	د افغانستان بانک، وزارت مالیه
								نهایی سازی چارچوبهای قانونی و تنظیم کننده برای بازار صکوک نشر اسناد قرضه داخلی	

جدول شماره ۴: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

فعالیتها	اولویت (1=بالا) (2=متوسط) (3=پایین)	زمان تطبیق					فعالیتها
		2019	2020	2021	2022	2023	2024
3.5 بهبود نرخ موثر تبادل ارز	1						د افغانستان بانک
							موثریت مجرای سود اقدامات مربوط به اعتماد بالای پول ملی
3.6 بهبود میکانیزم های انتقال پول	2						د افغانستان بانک
							بهبود تقاضای جمعی رژیم درست نرخ سود انکشاف بازار کریدیت
3.7 دریافت تمویل مختلط برای سرمایه گذاری های اساسی	3						وزارت مالیه، وزارت اقتصاد، موسسات مالی بین المللی، کمک دهنده گان
							شناسایی پروژه های اساسی برای مشارکت عامه و خصوصی/ سرمایه گذاری مشترک راه اندازه امتحانی نمونه های تمویل مختط سکتوری
3.8 معرفی تسهیلات و خدمات جدید بانکی برای صنایع	2						د افغانستان بانک، مسفا، بانکهای تجارتی، تصدیهای دولتی
							گفتگو با بخش صنایع و تشبثات کوچک و متوسط دخیل ساختن بانک های تجارتی

4. شاخصهای مهم کارکرد
در زمینه های افغانی سازی،
صنعتی سازی و تجارتي
سازی

4 شاخصهای مهم کارکرد در زمینه افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی

این ستراتیژی توسط شیوه جدید پالیسی که بر مفهوم افغانی سازی استوار میباشد، حمایت میشود. افغانی سازی بوسیله تمرکز قوی روی تقویت صنایع کوچک و متوسط و تلاش قوی برای تجارتی سازی بیشتر مورد حمایت قرار میگیرد. سکتور زراعت افغانستان به شمول عرضه مواد غذایی داخلی و محصولات صنعتی اساس کالاها را برای تعویض واردات و صادرات تشکیل داده تا بازار برای توسعه تولیدات داخلی را توسعه دهد. در حالیکه سکتور معادن افغانستان دارای پوتنسیال درازمدت بوده، با توجه به قیمتهای پایین محصولات در سطح دنیا و هزینه های بلند استخراج و حمل و نقل، ارتباطات میان صنعتی سازی تحت رهبری زراعت و سکتور معادن برای تکامل زمانگیر خواهد بود. از همین جهت صنعتی سازی تحت رهبری زراعت میتواند به مثابه ستراتیژی سرمایه گذاری مشخص شود که:

- تولیدات زراعتی و مولدیت را افزایش میدهد،
- تولیدات صنعتی و مولدیت را افزایش میدهد،
- روی صنایع کاربر تمرکز مینماید،
- ارتباط میان مواد- تولید میان هر دو سکتور را پایان میدهد، و
- تولید مختلط، و سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی.

تولید ناخالص داخلی افغانستان ۲۰٫۸ میلیارد دلار امریکایی بوده و ساختار سهم تولید ناخالص داخلی را ۲۱ درصد زراعت، ۲۲ درصد صنایع، ۱۱ درصد تولید و ۵۳ درصد خدمات تشکیل میدهد. با این وضعیت، شیوه و اهداف این عناصر قرار ذیل ارائه میشود:

4.1 افغانی سازی- ارجحیت دادن به تولیدات داخلی

حکومت افغانستان در نظر دارد تا پالیسی جدید را تحت نام "افغانی سازی" عملی نماید. در اصل آن، افغانی سازی ابتکار حکومت برای افزایش فواید رشد و اشتغال زایی برای شرکتهای و اتباع افغانی بوده تا خودشان هم محصولات را تولید کرده و هم در سکتورهای دولتی و خصوصی به شیوه هدفمند و متمرکز آن به کار گماشته شوند. در گذشته اتکای بیش از حد روی کمکهای خارجی و واردات بوده که منجر به کسر در تجارت، حساب جاری، سرمایه گذاری و مهارتها شده است.

4.1.1 شیوه:

بسته تشویقی غرض تقویت افغانی سازی دارای شماری از اقدامات بوده که برای تقویت ظرفیت های تولید داخلی در مقایسه با بازارهای داخلی و خارجی طراحی شده است. اقدامات اساسی در زمینه قرار ذیل اند:

- اتخاذ پالیسی (افغانستان در قدم نخست) در تمام مراحل انکشاف،
- اعطای قراردادهای به شرکتهای افغانی تا حد امکان و در صورتیکه نامزد باشند،
- تهیه رهنمودها و مقررات برای محصولات داخلی،
- کاهش اثرات افغانی سازی اقتصاد،
- انکشاف بازار دومی به شمول صکوک،
- غلبه بر ضعف ها در زمینه توسعه تولیدات داخلی،
- کاهش هزینه های تولید و پایین آوردن خطرات،
- ایجاد رشد و اشتغال در داخل کشور،
- پایین آوردن میزان خطرات و افزایش امتیازات و پاداشها.

4.1.1 شاخص های مهم کارکرد:

هدف اساسی افغانی سازی دادن حق اولویت به افغانستان میباشد. این به مفهوم افزایش بسته های تشویقی برای مولدین، و تطبیق پالیسیها و مقررات جهت حمایت از تولیدات داخلی در برابر کالاهای وارداتی در مواردی هست که انجام این کار توجیه داشته باشد. طور مثال، افغانستان میتواند در بخش گندم و آرد گندم، تولید گوشت مرغ و تخم در داخل خودکفا شده و همچنان میتواند با توجه به ارتباطات به جلو و عقبی صنایع تولید سمنت و ادویه را انکشاف داده که اینکار همچنان میتواند سایر صنایع را تشویق نماید هدف این پالیسی اشتغال زایی در داخل کشور به عوض خارج از کشور و انجام سرمایه گذاری هایی است که میزان رقابت افغانستان را در مقابل بازارهای خارجی افزایش میدهد. اهداف مهم در بکس ذیل ارائه شده است:

اهداف افغانی سازی:

- پالیسی ملی اقتصادی مبتنی بر مدارک و موجودیت دوا مدار تحلیل اقتصادی جهت رهنمایی انکشاف صنعتی و زراعتی،
- کاهش ۵۰ درصد وابستگی به واردات برای کالاهای مورد نظر الی سال ۲۰۲۵،
- کاهش کسر حساب جاری از ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۶ تا ۱۰ درصد الی سال ۲۰۲۵،

- کاهش واردات اجناس و خدمات از ۴۰,۰۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶ تا ۳۵ درصد الی سال ۲۰۲۵ و
- بهبود بیلانس تجارت از ۶,۹۷- میلیارد دالر امریکایی در سال ۲۰۱۶ تا ۵,۵- میلیارد دالرامریکایی الی سال ۲۰۲۵.

4.2 صنعتی سازی-تحول فوری رای ارزش افزایی^{۱۴}

وزارت اقتصاد معتقد است که به تسریع صنعتی سازی در افغانستان توجه کافی نشده است. تحلیل کسترهای صنعتی بصورت دوامدار صورت نگرفته، ضریب تاثیر واردات سنجش نشده، و افزایش دهندگان(ضریبهای) اشتغال همچنان تثبیت نشده است. بسته های تشویقی بصورت درست انکشاف داده نشده، و کاهش در تولید و صنعت تاثیر منفی روی میزان اشتغال زایی داشته است. در نتیجه، ایجاد ستراتیژی تعویض باید در قدم اول مشکل نبود اطلاعات و تحلیل را که بر مبنای آن میتوان پالیسی بهتری را تهیه کرد، حل نماید.

4.2.1 شیوه:

شیوه اساسی عبارت از ارائه کمک مستقیم به تشویق صنایع و تولیدات بوده که این کار نه فقط از راه انکشاف شبکه کالا و زنجیره ارزش صورت گیرد بلکه باید برای بهبود موازنه میان خطرات و پاداشها با بخش خصوصی کار صورت گیرد.

- معافیت موقت مالیاتی سه ساله برای شرکت های تولیدی جدید جهت تشویق سرمایه گذاری،
- شناسایی و حمایت از زنجیره های ارزش که نشاندهنده دورنماهای رقابتی برای افزودن ارزش در کسترهای صنعتی موردنظر میباشد،
- ارائه بسته های تشویقی مالی و غیرمالی،
- بهبود دسترسی به منابع مالی و موجودیت خدمات بانکی برای حمایت از صنایع و تشبثات کوچک و متوسط،
- تقویت بسته های تشویقی برای صنایع که غرض تشویق تجارت داخلی و سرمایه گذاری در اختیار تولیدکنندگان داخلی قرار داده میشود،
- هدف قرار دادن سرمایه گذاریهایی که بر مشکلات بازار چون انرژی ارزان، جمع آوری و تراکم بهتر کالاها، سردخانه ها، بسته بندی، تصدیق دهی، حمل و نقل و معلومات مربوط به بازار فایق می آیند،
- تقویت و بهبود شمولیت مالی، و
- انکشاف سریع زوئهای اقتصادی/زراعتی-صنعتی خاص و مشارکتهای عامه و خصوصی به شمول امتیازات.

4.2.1 شاخصهای مهم کارکرد:

هدف اساسی توسعه تولید و صنعت به مثابه بخشی از تولید ناخالص داخلی بر مبنای رشد در کسترهای صنعتی مورد نظر و شناسایی شده میباشد. سرمایه گذاری روی انکشاف زنجیره ارزش موجود تا حد زیادی روی انکشاف باغداری و مالداري و تمرکز بیشتر روی افزایش ظرفیتهای تولیدی شرکتها برای کالاهایی که دارای پوتنسیال افزایش ارزش و حجم بوده، متکی میباشد.

اهداف صنعتی سازی:

- افزایش سهم تولید از ۱۱,۳۱ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶ به ۱۶ درصد الی سال ۲۰۲۵،
- افزایش سهم صنایع از ۲۱,۷ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲۵ درصد الی سال ۲۰۲۵،
- افزایش سهم تشبثات کوچک و متوسط در تولید ناخالص داخلی از ۵۰ درصد به ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی الی سال ۲۰۲۵،
- از میان برداشتن تعرفه های وارداتی بالای تعدادی از اقلام وارداتی به منظور کاهش هزینه تولید و بهبود رقابت،
- نیل به رشد ۱۰۰ درصدی اشتغال زایی در سکتور صنعت الی سال ۲۰۲۵،
- کاهش ۵۰ درصدی در تورید سمنت و جبران آن توسط عرضه داخلی، و
- تاسیس چهار پارک زراعتی-صنعتی/زوئهای خاص اقتصادی الی سال ۲۰۲۵.

^{۱۴} صنعت به تقسیمات طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع ۱۰-۴۵ مطابق کرده و شامل تولید(تقسیمات طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع ۱۵-۳۷) میگردد. این شامل ارزش افزوده در معادن، تولید(همچنان به عنوان گروه فرعی جداگانه گزارش شده)، ساختمان، برق، آب، و گاز میشود. ارزش افزوده عبارت از بازدهی خالص یک سکتور بعد از افزودن تمام تولیدات و منفی کردن داده های ضروری میباشد. این بدون کم کردن استهلاك دارایی های ساخته شده و کاهش منابع طبیعی محاسبه میشود. مبدای ارزش افزوده توسط طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع بازنگری ۳ و یا ۴ مشخص میشود. تولید به صنایع مربوط به تقسیمات ۱۵-۳۷ طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع برمیگردد. ارزش افزوده عبارت از تولید خالص یک سکتور بعد از علاوه کردن تمام داده ها و منفی کردن داده های ضروری میباشد. این بدون کم کردن استهلاك دارایی های ساخته شده و کاهش منابع طبیعی محاسبه میشود. مبدای ارزش افزوده توسط طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع بازنگری ۳ مشخص میشود.

4.3 تجارتی سازی- گسترش سرمایه‌ء خصوصی

در سالهای اخیر به توسعه تجارتی بیشتر در بخش های زراعت و ادویه توجه کمتری صورت گرفته است. در حالیکه در بخش معادن امتیازات کلان داده شده، استخراج بیشتر برای مقاصد صدور کالاها بوده است. پوتنسیال استفاده از زمین های دولتی برای زراعت تجارتی نه تنها باعث افزایش تولید شده بلکه اتکا روی واردات را نیز تلافی کرده و همچنان راه درازی برای انتقال تکنالوژی و همچنان در اشتغال زایی، و ارتباطات به جلو و عقبی در پیش است. طور مثال، طبق معلومات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري، افغانستان دارای ۷,۵ میلیون همکار زمین آبی بوده مگر تنها ۲,۵ میلیون هکتار آن در سال ۲۰۱۷ کشت شده است. تغییر اساسی درین زمینه مستلزم سرمایه گذاری قابل ملاحظه در بخش آبیاری و کاهش در سطح ناامنی ها میباشد.

4.3.1 شیوه:

به منظور بهبود کیفیت زیربناها و تمرکز خاص روی بهبود و تقویت بازارهای داخلی و دسترسی مولدین به قرضه، تضمین قرضه، بیمه خطرات، و معرفی اسناد قرضه در مطابقت با شریعت اسلامی باید با د افغانستان بانک، وزارت صنعت و تجارت، وزارت مالیه، اداره اراضی، وزارت های سکتوری و اتاقهای تجارت کار صورت گیرد.

4.3.1 شاخصهای مهم کارکرد:

به منظور انتقال بنیادی به فعالیتهای تجارتی در کشور اهداف ذیل پیشنهاد شده است. در زمینه گسترش زراعت تجارتی (للمی و آبی) به سرمایه گذاری اساسی ضرورت است تا ساحه تولید با استفاده از راه های تمویل مختط که خطر گردانندگان بخش تجارتی را کاهش میدهد، گسترش داده شود. معافیت های مالیاتی، قرضه های با شرایط آسان، سرمایه گذاریهای مشترک با شرکتهای بین المللی و شیوه های پروسیس زراعتی- صنعتی شرایط تجارت را بهبود خواهد بخشید.

اهداف تجارتی سازی:

- افزایش سرمایه گذاری از ۱۷,۷۱ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶ به ۲۲ درصد الی سال ۲۰۲۵،
- افزایش ساحه زمین آبی الی ۵۰۰۰۰ هکتار تا سال ۲۰۲۵ و زمین للمی الی ۴۰۰۰۰۰ هکتار تا سال ۲۰۲۵،
- ایجاد سیستم ملی کنترول خطرات سیاسی و تضمین قرضه،
- بهبود شمولیت مالی با فیصدی نفوسی که دارای حسابات بانکی هستند و افزایش آن از ۱۵ درصد به ۲۵ درصد،
- ایجاد چارچوب قانونی و تنظیم کننده برای انکشاف بازار دومی، و
- بلند بردن درجه بندی افغانستان در شاخص کارکرد تدارکات از ۱۶۰ به ۱۴۰ تا سال ۲۰۲۵.



5 . تاثیرات متوقعه دراز مدت

5 تاثیرات متوقعه درازمدت

این استراتژی در مطابقت با استراتژی رشد وزارت مالیه اقداماتی را جهت تشویقی ساختن تعویض واردات پیشنهاد مینماید. درین قسمت سه حالت مورد بحث قرار گرفته است. حالت اول دوران سرمایه گذاری را پیشبینی مینماید که در آن به شمول انجام اقدامات پیشنهادشده درین ستراتیژی، صلح و امنیت بهتر وجود دارد. حالت دوم همه اصلاحات معرفی شده در حالت اول را پیشبینی نموده ولی همچنان پیشبینی میکند که هیچ پیشرفتی در جهت تامین صلح صورت نگرفته و منازعه، ناامنی و خشونت در سطح فعلی و یا نزدیک به سطح فعلی موجود است. حالت سوم به تجارت منحیث رشد عادی اشاره داشته که خط مبدا برای دو حالت دیگر بدون صلح و رشد خیلی محدود میباشد. با توجه به اهداف ستراتیژیک ارائه شده در قسمت ۴ فوق، اثرات مثبت اقدامات مختلف در ارتباط به نتایج ذیل پیشبینی میگردد:

- کسر تجارت،
- بیلانس حساب جاری،
- افزایش در میزان صنایع و تولیدات،
- کاهش میزان وابستگی به واردات برای اقلام پیشنهادی،
- فعالیتهای تشبثات کوچک و متوسط،
- رشد اشتغال زایی در زراعت، سمنت و ادویه،
- فابریکه های تولیدات زراعتی و زونهای خاص اقتصادی به منظور کمک به رسمی سازی،
- افزایش در سرمایه گذاری و ایجاد سرمایه ثابت،
- زراعت تجارتی،
- شمولیت مالی،
- انکشاف بازار دومی، و
- بهبودی در درجه بندی کارکرد تدارکاتی

4.2 حالتیهای سرمایه گذاری

تبدیل اقتصاد افغانستان از حالت وابستگی بیش از حد به امرار معاش به اقتصاد شهری، یکپارچه، و تحت سلطه تشبثات اساس انکشاف اقتصادی و بهبودی در رفاه اقتصادی مردم را تشکیل میدهد. استراتژی پیشنهاد شده درین سند، تسریع روند تولید با تعویض واردات را جهت بهبود شرایط تجارت و همچنان پایه گذاری صنعتی سازی در سطح کوچک و افزودن ارزش را ارتباط میدهد. اتخاذ این شیوه در شرایط کنونی ضروری است چون میزان کمکیهای خارجی روبه کاهش بوده و توقع میروود بازارهای افغانی رفاه اجتماعی و اقتصادی مردم را از طریق میکانیزمهای بازار (بصورت روز افزون بدون سببایدیها) بهبود بخشد. چون حکومت در نظر دارد تولید داخلی را با بسته های تشویقی تقویت نماید، ازین رو اصلاحات باید با (۱) افزایش ظرفیت دولت برای مدیریت اقتصاد کلان، مدیریت مصارف دولتی، و رهنمایی تحول اقتصادی، (۲) ایجاد شرایط مساعد برای تجارت که همچنان مشارکت بخش خصوصی را تشویق میکند، (۳) انکشاف مهارتهای مردم در زمینه پیشبرد یک اقتصاد عصری، (۴) افزایش پس اندازهای داخلی خصوصی و سرمایه گذاریها، (۵) جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، (۶) ایجاد و نگه داری زیربنای فیزیکی، (۷) شناسایی و حمایت از سکورها، کالاها، و فعالیتهای اقتصادی مشخص در برتری نسبی بالقوه کشور همراه بوده باشند.

سه حالت سرمایه گذاری در ذیل ارائه شده که یکی آن روی دور درست سرمایه گذاری که چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان و اصلاحات ارائه شده در استراتژی تعویض واردات (حالت اول رشد) را تطبیق مینماید، تمرکز دارد و حالتی که در آن اصلاحات بدون موجودیت صلح تطبیق شده که به این ترتیب تاثیر اصلاحات تا اندازه زیادی کاهش می باید (حالت دوم)، بالاخره، حالت مبدا (طبق معمول) بدون پروسه اصلاحات که منجر به سرمایه گذاری کم و بی ثباتی میگردد (حالت سوم)، انکشاف داده میشود.

جدول : خلاصه سه حالت- تاثیرات درازمدت الی سال ۲۰۲۵ (به میلیداد دالر امریکایی)																
حالتها	فیصدی رشد تولید ناخالص داخلی		تولید ناخالص داخلی به دالر امریکایی		عواید عمومی		عواید مهم		مجموع عواید		بیلانس حساب جاری		واردات(تولید خالص داخلی)		بیلانس تجارت	
	2025	میانگین تا سال ۲۰۳۰	دالر امریکایی	عاید سرانه	دالر امری کایی	فیصدی تولید ناخال ص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی
خط مبدا (کار طبق معمول)	3.5	3.4	24.9	579	3.1	12.3	0.21	0.9%	3.3	13.15	4.48	-18%	7.05	28.34	-12.4	-49.88
اصلاحات در شرایط جنگ و منازعه	5.5	4.9	26.7	621	3.8	14.3	0.57	2.2%	4.4	16.42	2.67	-10%	5.83	21.88	-6.8	-25.51
اصلاحات و صلح	7.8	6.9	30.7	716	4.4	14.3	1.12	3.7%	5.5	17.93	2.46	-8%	5.35	17.40	-5.50	-17.91

4.3 حالت اول رشد: صلح، تعویض واردات و رشد صادرات

حکومت با تطبیق اصلاحات چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان که در برنامه های ملی دارای اولویت بیان شده و پلانهای سکتوری که در ماتریس های پلان تطبیقی ارائه شده، به پیشرفت دوا مدار خویش ادامه میدهد. انتخابات صورت گرفت و بحثهای صلح تا سال ۲۰۲۰ موفق خواهد شد. توافق صلح منجر به کاهش قابل ملاحظه و پایدار ناامنی و خشونت در کشور شده، تجارت و سرمایه گذاری را تقویت خواهد کرد. تأثیرات درازمدت آن بالای اقتصاد قرار ذیل میباشد:

شرح حالت رشد:

- به منظور حمایت و تحکیم صلح، همکاران انکشافی کمکهای بلاعوض شانرا برای شش سال اول مدت پیشبینی شده بعد از رسیدن به توافق صلح (این کار با تجربه جهانی افزایش کوتاه مدت میزان کمکها بعد از ختم خشونت مطابقت دارد) به اندازه ۵ درصد تولید ناخالص داخلی با در نظر داشت مبلغ مبدا افزایش خواهند داد.
- عواید داخلی حکومت در نتیجه رشد بالای اقتصادی، تقویت کیفیت موسساتی از طریق بهبودی در اجرا و پیروی از قوانین مالیاتی افزایش می یابد.
- تقاضا برای مصارف حکومتی به منظور تطبیق برنامه های تامین ثبات و انحلال گروه های مسلح افزایش می یابد.
- افزایش کوتاه مدت در تقاضا بصورت کل وجود داشته که در ابتدا در سکتورهای خدمات شهری باعث رشد شده مگر در نهایت همه اقتصاد را احتوا میکند.

4.4 هزینه های سرمایه گذاری:

درین حالت سرمایه گذاری بخش خصوصی از طریق سه مجرای ذیل افزایش می یابد:

- کاهش در میزان خشونت و ناامنی اعتماد روی سرمایه گذاری (بی ثباتی سیاسی در حال حاضر به مثابه مشکل عمده در برابر سرمایه گذاریها تلقی شده و سرویها و شواهد تجربی از منابع مختلف نشان میدهد که ناامنی و خشونت روی سرمایه گذاری تأثیر منفی میگذارد)،
- عودت دادن مهاجرین ماهر به بهبود وضعیت عمومی ظرفیت حکومت و کیفیت ادارات کمک مینماید. این کار بر احتمال تأثیر چانه زنی های سیاسی اضافی در فرآیند های سیاسی تحت حکومت صلح تأثیر می گذارد، و
- عودت دادن سرمایه خارج از کشور (۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی) میزان سرمایه خصوصی برای سرمایه گذاری (این رقم با تخمین های سایر کشورهای جنگ زده که در آنها میزان سرمایه خصوصی خارجی در حدود ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی شان تخمین زده میشود، مطابقت دارد) را افزایش میدهد.

در جریان دو سال اول سرمایه گذاری به اندازه ۱۰ درصد افزایش یافته که این وضعیت منعکس کننده بازگشت سرمایه بیرون از کشور و جمع آوری نقدینگی بانکها در صورت افزایش میزان اعتماد و بهبود شرایط امنیتی بوده و سپس در نتیجه افزایش ظرفیت تولیدی و قابلیت های صنعتی و تولیدی سرمایه گذاری تا سال ۲۰۲۵ به ۲۲ درصد و در نهایت در سال ۲۰۳۰ به ۳۱ درصد افزایش خواهد یافت. این سرمایه گذاری با میزان رشد پیشبینی شده مطابق خواهد داشت. سرمایه گذاری افزایش یافته برای بهبود سهم تولید و صنعت مورد استفاده قرار گرفته و همچنان به کاهش اتکا بالای واردات نظر به حالت موجود کمک خواهد کرد.

سایر انکشافات به منظور کمک به افزایش سرمایه گذاری الی سال ۲۰۲۴، افزایش کم در مصارف سکتور امنیتی بوده که میزان تورم را کند ساخته و امکانات بیشتر مالی را برای سرمایه گذاری در بخش ملکی فراهم میسازد. پروژه های تاپی، ناپ و کاسا مطابق پلان مورد تطبیق قرار میگیرند. سرمایه گذاری دولتی در سکتور زراعت ۴۰۰۰۰۰ هکتار زمین آبی دیگر را طی پنج سال آینده قابل استفاده خواهد ساخت. افزایش در تولیدات زراعتی نشاندهنده انکشاف پارکهای تولیدات زراعتی و توسعه سکتورهای فرعی دارای اولویت به شمول جلغوزه، باغداری، و انگور میباشد. پارکهای تولیدات زراعتی و خدمات آموزشی در طی پنج سال گسترش خواهد یافت. سرمایه گذاری روی منابع بشری به عنوان بخشی از بودجه افزایش یافته و به ۵۰ درصد مجموع مصارف عادی تا سال ۲۰۲۰ رسیده، که باعث بلند رفتن سطح سواد و کاهش در میزان رشد نفوس و میزان رشد نیروی کار الی ختم همین مدت خواهد شد. تمام سرمایه گذاریهای سکتور انرژی در مطابق با پلان سرمایه گذاری د افغانستان برشنا شرکت انجام خواهد شد. تحکیم صلح باعث کاهش مصارف امنیتی شده مگر تحقق نتایج آن آهسته خواهد بود. طبق تجربه جهانی، حجم سکتور امنیتی و مجموع مصارف سکتور امنیتی بصورت سریع کاهش نه یافته مگر منابع مالی برای تطبیق برنامه های ملکی سازی در داخل سکتور دوباره توزیع خواهد شد.

4.5 تأثیرات درازمدت روی تولید ناخالص داخلی

میزان رشد قبل از کاهش تدریجی آن به ۶ درصد الی سال ۲۰۲۵ سریعاً به ۹ درصد افزایش خواهد یافت. میزان رشد نسبت به حالت مبدا و حالت دوم (اصلاحات در شرایط جنگ و منازعه) بیشتر است. میزان رشد به علت عادی سازی افزایش تقاضا از میزان بالای ۹ درصد به ۶ درصد کاهش می یابد.

4.6 تاثیرات درازمدت بالای بیلانس تجارت

در حال حاضر بیلانس تجارت ۶,۹ میلیارد دالر امریکایی بوده که به ۳۴ درصد تولید ناخالص داخلی بالغ میگردد. با انجام اصلاحاتی که درین ستراتیژی تعویض واردات/ رشد صادرات و چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان پیشبینی شده، کاهش مجموعی واردات الی ۱۰ درصد تا سال ۲۰۲۵ و در نتیجه تورید کالاهای مورد نظر تا ۵۰ درصد خواهد بود. این کار کسر بیلانس تجارت را به ۵,۵ میلیارد دالر امریکایی کاهش خواهد داد.

ارزش کالاهای وارداتی برای کالاهای شناسایی شده در لیست کالاهای برای سال ۲۰۱۷ مبلغ ۱,۳ میلیارد دالر امریکایی خواهد بود. این یک افزایش قابل ملاحظه را در ارزش وارداتی این کالاهای از ۵۰ میلیون دالر امریکایی در سال ۲۰۰۰ نشان میدهد. طی هفده سال گذشته، افزایش چشمگیر واردات با فراز و نشیبها همراه بوده است. درحالیکه این افزایش تا حدی مربوط به افزایش میزان تجارت جهانی بوده، بخش اعظم این افزایش به علت افزایش در میزان تورید سبزیجات، آرد گندم، شکر، سمند و ادویه جات بوده است. در طی این مدت، افزایش سالانه در واردات این کالاهای بصورت میانگین بیشتر از ۱۵۰ درصد بوده که نشاندهنده وابستگی بیش از حد کشور بالای واردات میباشد. در حال حاضر لیست شناسایی شده کالاهای در حدود ۲۷ درصد مجموع کالاهای وارداتی را تشکیل میدهد.

کاهش ۵۰ درصدی ارزش مجموع کالاهای موردنظر، با قبول اینکه سهم کالاهای ثابت باقی میماند، منجر به کاهش واردات به اندازه ۰,۷۲ میلیارد دالر امریکایی خواهد شد. این به معنی ایجاد عواید منهای مقادیر تعرفه خواهد بود. مگر تعویض واردات و افغانی سازی مستلزم کاهش در میزان واردات و تعویض آنها با کالاهای داخلی میباشد. به استثنای ادویه و سمند، بسیاری از محصولات به آموزشهای عمده مهارتبر برای حمایت از تولید ضرورت نداشته و اگر بسته های تشویقی درست ارائه شوند، این کار منجر به افزایش تولید و عایدزایی شده که در نهایت منجر به افزایش صادرات درین محصولات خواهد شد.

4.7 تاثیرات درازمدت بالای حساب جاری

در زمینه بیلانس حساب جاری، افزایش کمکهای بلاعوض بین المللی به اندازه ۵ درصد تولید ناخالص داخلی که به پروژه های ملکی اختصاص داده میشود، دارای خط مبدا برای شش سال میباشد. بعد از شش سال، میزان کمکهای خارجی بلافاصله دوباره به مسیر اولیه آن برمیگردد. میزان کمکهای بلاعوض از طریق بودجه ملی تا سال ۲۰۳۰ در سکتورهای امنیتی و ملکی از ۳۰ درصد به ۶۰ درصد افزایش می یابد. کاهش در واردات و بیلانس تجارت طوریکه تخمین شده است، باعث کاهش کسر حساب جاری گردیده و کاهش تخمین شده ارزش واردات منجر به کاهش کسر حساب جاری از ۲۲ درصد به ۱۰ درصد الی سال ۲۰۲۵ خواهد شد.

4.8 تاثیرات درازمدت بالای اشتغال

تاثیر درازمدت بالای اشتغال با جزئیات آن تنها زمانی ممکن خواهد بود که لیست پروژه های مشخص و جزئیات سکتورهای سرمایه گذاری مشخص گردد. مگر جدول ذیل نشان میدهد که چگونگی سرمایه گذاری به ایجاد اشتغال کمک مینماید. جدول شماره ۶ ذیل افزایش دهنده های (ضربیهای) نوع اول سکتورهای مشخص را نشان میدهد. این افزایش دهنده ها (ضربیهای) از کشورهای مشابه جنوب آسیا گرفته شده است. برای هر سکتور، افزایش دهنده (ضربیهای) تعداد شغل های ایجاد شده جهت بلند بردن بازدهی به اندازه یکصد هزار افغانی را بدسترس قرار میدهد.

شماره ۶: ضربیه های (افزایش دهنده) اشتغال کلسترهای صنعتی		
کارگر غیررسمی	کارگر رسمی	
2.291	0.039	زراعت و فعالیت های مربوط به آن
0.158	0.038	معادن
2.689	0.063	فرنیچر
0.149	0.037	محصولات نفتی
0.197	0.125	سمند
0.361	0.096	محصولات منزالی غیرفلزی
0.0673	0.093	سایر تولیدات
0.0784	0.072	ساختمان
0.217	0.077	برق
0.56	0.15	خدمات حمل و نقل

4.9 حالت رشد ۲: منازعه دوامدار، تعویض واردات و رشد صادرات

شرح حالت رشد:

حکومت در جهت تطبیق اصلاحات چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان که در برنامه های دارای اولویت، پلانهای سکتوری ارائه شده در ماترسیهای پلان تطبیقی و اصلاحات مربوط به تعویض واردات و رشد صادرات که در فصل قبلی

ارائه شده است، به پیشرفت دوا مدار خویش ادامه میدهد. انتخابات بدون کدام سکتگی عمده در پروسه های پالیسی ویا خشونت بزرگوار شد البته بعضی از مشکلات موقتی در جریان انتخابات بروز نموده ولی کدام آسیب دیرپا (مانند انتخابات سال ۲۰۱۴) واقع نشد. پیشرفت قابل ملاحظه در جهت صلح با طالبان حاصل نشده و جنگ، ناامنی و خشونت در سطح موجود ادامه دارد. بنابراین، اعتماد بخش خصوصی در سطح پایین قرار دارد (گرچه بعد از برگزاری انتخابات تا اندازه بهتر شده است). انکشاف صنایع استخراجی تدریجی بوده مگر در زمینه تا اندازه پیشرفت صورت گرفته است. سرمایه گذاری روبه افزایش بوده مگر افزایش عواید و تولید عمدتاً در ختم زمان پیشبینی شده صورت خواهد گرفت. تولیدات زراعتی همچنان با توسعه تدریجی زمین های آبی و آموزش بهتر دهاقین افزایش خواهد یافت.

4.10 هزینه های سرمایه گذاری

درین حالت کدام صدمه خارجی به سرمایه گذاری موجود نبوده و از همین جهت در دو سال اول مانند حالت اول افزایش در سرمایه گذاری وجود نخواهد داشت. ولی بین سالهای ۲۰۱۸ و ۲۰۲۵ میزان سرمایه گذاری به تدریج افزایش می یابد. برای حفظ میزان رشد درین حالت در ابتدا هزینه سرمایه گذاری در حدود ۱۷ درصد بوده که به تدریج به ۲۵ درصد الی سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. در صورت ادامه جنگ، مصارف روزافزون حکومت روی سکتور امنیتی ادامه یافته در حالیکه کمکهای بین المللی کاهش می یابند. مصارف شامل بودجه سکتور امنیتی سالانه ۹ درصد افزایش می یابد. مصارف عادی بخش ملکی به اساس عاید سرانه ثابت باقیمانده است. مصارف حفظ و مراقبت و امور عملیاتی بصورت ثابت افزایش یافته و به حد تخمین شده پایدار ۷,۲ درصد تولید ناخالص داخلی میرسد (نیازمندی تخمین شده به اساس مدارک سروی).

در بخش سرمایه گذاری عامه، پروژه های تاپی، تاپ و کاسا مطابق پلان ادامه خواهند یافت. سرمایه گذاری عامه در زراعت، ۵۰۰۰۰۰ هکتار زمین آبی دیگر را ایجاد کرده مگر میزان توسعه به اثر امکانات مالی محدود با مشکل روبرو خواهد بود. پارکهای تولیدات زراعتی و خدمات آموزشی به تدریج گسترش خواهد یافت. سرمایه گذاری بالای منابع بشری به عنوان قسمتی از بودجه به ۵۰ درصد مصارف عادی الی سال ۲۰۲۴ افزایش خواهد یافت.

4.11 تاثیرات درازمدت بالای تولید ناخالص داخلی

میزان رشد کمی پایین تر از حالت چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان بوده که نشاندهنده پیشرفت محدود در زمینه صنایع استخراجی و وضعیت خراب امنیتی بوده است. میزان رشد در ظرف پنج سال اول به تدریج به ۴ درصد افزایش یافته ولی تا سال ۲۰۳۰ به ۵,۵ درصد خواهد رسید. میزان رشد درین حالت بیشتر از خط مبدا بوده مگر در صورت مقایسه با حالت اول به علت ادامه جنگ و مسایل امنیتی کند بوده است.

4.12 تاثیرات درازمدت روی بیلانس تجارت

درین حالت مجموع واردات الی سال ۲۰۲۵ به اندازه ۲۰ درصد افزایش داشته و کسر بیلانس تجارت ۶,۸ خواهد بود. در حالیکه کسر از مدت فعلی به اندازه زیادی افزایش نیافته ولی مانند حالت اول همچنان کاهش نخواهد یافت چون در حالت موجودیت مسایل امنیتی و ادامه جنگ، اقدامات مربوط به بسته های تشویقی برای تعویض واردات تاثیر مورد نیاز نخواهد داشت.

4.13 تاثیرات درازمدت بالای حساب جاری

پشتیبانی بین المللی همچنان قوی است، اما جریان کمک ها با رشد اقتصادی هماهنگ نیست. میزان کمکهای بلاعوض از ۸ میلیارد دالر امریکایی به ۵/۵ میلیارد دالر امریکایی کاهش می یابد. این امر کاهش ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی امروزه به ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی را الی سال ۲۰۳۰ نشان میدهد. میزان کمکهای شامل بودجه از ۳۰ درصد به ۶۰ درصد الی سال ۲۰۳۰ در سکتورهای امنیتی و ملکی افزایش می یابد.

تاثیر کلی روی کسر حساب جاری درین حالت از ۲۲ - درصد در شرایط کنونی به ۱۴ - درصد کاهش خواهد یافت.

4.14 حالت سوم رشد: کار طبق معمول

این حالت کار طبق معمول بوده مگر درین حالت نه اصلاحات چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان عملی شده و نه هم اصلاحات مربوط به تعویض واردات و رشد صادرات مورد تطبیق قرار گرفته است. جنگ ادامه داشته و توافق صلح پایدار حاصل نشده که این کار منجر به ادامه جنگ، ناامنی و خشونت در سطح فعلی میشود. در موجودیت جنگ دوا مدار و نبود اصلاحات، اعتماد بخش خصوصی در سطح پایین باقی میماند (گرچه بعد از انتخابات تا حدی این اعتماد تقویت شده است). تمام فرضیه ها برای حالت دوم بدون تطبیق اصلاحات همچنان در حالت فعلی باقی میمانند. در چنین یک حالت، بسیاری از متغیرها از حالت فعلی فقط با تعداد کمی علایم مثبت بدتر شده است.

4.15 هزینه های سرمایه گذاری

در شرایط نگرانی دوا مدار امنیتی، میزان سرمایه گذاری در نهایت کاهش یافته، هزینه های معاملاتی در سطح بالا باقیمانده، و تاثیرات رشد، عواید و اشتغال در سطح پایین خواهد بود.

4.16 تاثیرات درازمدت بالای تولید ناخالص داخلی

میزان رشد تولید ناخالص داخلی درین حالت نسبت به دو حالت قبلی به علت عدم تطبیق اصلاحات در سطح خیلی پایین قرار خواهد داشت. میزان رشد به ۳,۵ درصد افزایش یافته مگر سپس الی سال ۲۰۲۵ در همین سطح باقی خواهد ماند.

4.17 تاثیرات درازمدت روی بیلانس تجارت

درین حالت مجموع واردات در نبود جایگزینی واردات و رشد صادرات الی سال ۲۰۲۵ به ۴۵ درصد افزایش یافته و کسر بیلانس تجارت بصورت قابل ملاحظه تا ۱۲ درصد افزایش می یابد.

4.18 تاثیرات درازمدت بالای حساب جاری

با ادامه کمکهای جامعه جهانی، بیلانس حساب جاری از حالت فعلی ۲۲ درصد به ۲۰ درصد تا سال ۲۰۲۵ کاهش خواهد یافت. این کار به علت بدتر شدن روز افزون بیلانس تجارت صورت خواهد گرفت.

4.19 تاثیرات درازمدت بالای اشتغال

میزان رسمی بیکاری در افغانستان ۸,۸ درصد بوده گرچه این معلومات دقیق نبوده و شامل اشتغال کم و ناکافی نمیگردد. باتوجه به انتقال موجود دموگرافیک، سرمایه گذاری روی اشتغال زایی برای کاهش میزان فقر مهم و حیاتی میباشد.

شماره : حالت‌های مبدا، اصلاحات و منازعه، و اصلاحات و صلح

حالت: مبدا

سال	2019	2020	2021	2022	2023	2024	2025	2026	2027	2028	2029	2030
تولید ناخالص داخلی (به میلیارد دلار امریکایی)	20.5	21.1	21.8	22.5	23.3	24.1	24.9	25.7	26.5	27.4	28.3	29.3
رشد تولید ناخالص داخلی (فیصدی)	2.8	3.2	3.5	3.5	3.5	3.5	3.5	3.5	3.5	3.5	3.5	3.5
عاید سرانه تولید ناخالص داخلی (به دلار امریکایی)	550	555	560	565	569	574	579	585	591	597	604	611
تمویل حکومتی (درصدی نظر به تولید ناخالص داخلی مگر آنکه طور دیگر ذکر شده باشد)												
عوايد حکومتی به شمول کمکهای بلاعوض	27.0	27.5	29.7	28.4	27.3	22.1	22.2	22.1	22.2	22.2	22.2	22.2
عوايد حکومتی (از منابع داخلی)	12.3	12.8	12.9	12.9	13.0	13.1	13.2	13.1	13.2	13.2	13.2	13.2
به میلیون دلار امریکایی	2,523	2,704	2,822	2,915	3,035	3,155	3,270	3,372	3,492	3,611	3,742	3,880
از جمله صنایع استخراجی و ترانزیت	6	110	141	146	173	197	214	214	229	239	258	280
کمکهای بلاعوض	39.6	42.9	39.6	36.5	33.8	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0
شامل بودجه	14.6	14.7	16.8	15.5	14.3	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0
به میلیون دلار امریکایی	3,000	3,100	3,665	3,490	3,328	1,925	1,989	2,055	2,124	2,195	2,268	2,343
کمکهای خارج از بودجه	24.9	28.3	22.8	21.1	19.5	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0
مصارف حکومتی	27.0	27.5	29.7	28.4	27.3	22.1	22.2	22.1	22.2	22.2	22.2	22.2
مصارف امنیتی	10.7	10.8	10.8	10.9	10.9	11.0	11.0	11.1	11.1	11.2	11.2	11.3
مصارف عادی بخش ملکی	8.4	8.4	8.4	8.5	8.5	8.5	8.5	8.5	8.5	8.5	8.6	8.6
مصارف انکشافی بخش ملکی	7.9	8.3	10.5	9.1	8.0	2.7	2.6	2.6	2.5	2.5	2.4	2.4
حالت: اصلاحات در جریان منازعه دوامدار												
سال	2019	2020	2021	2022	2023	2024	2025	2026	2027	2028	2029	2030
تولید ناخالص داخلی (به میلیارد دلار امریکایی)	20.5	21.2	22.0	23.0	24.1	25.3	26.7	28.0	29.5	31.1	32.7	34.4
رشد تولید خالص داخلی (به فیصد)	2.8	3.5	4.2	4.5	5.1	5.5	5.5	5.5	5.5	5.5	5.5	5.5

718	697	677	657	639	621	604	588	575	566	556	550	عاید سرانه تولید ناخالص داخلی (به دالر امریکایی)
تمویل حکومتی (درصدی نظر به تولید ناخالص داخلی مگرآنکه طور دیگر ذکر شده باشد)												
25.4	25.4	25.5	25.5	25.3	25.4	24.9	28.0	28.7	29.7	27.5	27.0	عوايد حکومتی به شمول کمکهای بلاعوض
16.4	16.4	16.5	16.5	16.3	16.4	15.9	13.9	13.4	13.0	12.8	12.3	عوايد حکومتی (از منابع داخلی)
5,650	5,373	5,120	4,859	4,584	4,377	4,035	3,349	3,067	2,856	2,714	2,526	به میلیون دالر امریکایی
739	707	686	646	580	573	547	275	246	151	113	9	ترانزیت از جمله صنایع استخراجی و
10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	33.2	36.2	39.4	42.9	39.6	کمکهای بلاعوض
9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	14.1	15.4	16.7	14.6	14.6	شامل بودجه
2,752	2,615	2,485	2,361	2,244	2,132	2,026	3,393	3,528	3,685	3,100	3,000	به میلیون دالر امریکایی
1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	19.1	20.8	22.6	28.2	24.9	کمکهای خارج از بودجه
25.4	25.4	25.5	25.5	25.3	25.4	24.9	28.0	28.7	29.7	27.5	27.0	مصارف حکومتی
9.6	9.7	9.9	10.0	10.1	10.3	10.4	10.6	10.7	10.7	10.7	10.7	مصارف امنیتی
7.7	7.8	7.9	7.9	8.0	8.1	8.2	8.3	8.3	8.4	8.4	8.4	مصارف عادی بخش ملکی
8.1	7.9	7.8	7.5	7.2	7.1	6.3	9.2	9.7	10.6	8.3	7.9	مصارف انکشافی بخش ملکی
حالت: اصلاحات و صلح												
2030	2029	2028	2027	2026	2025	2024	2023	2022	2021	2020	2019	سال
42.7	40.2	37.6	35.2	32.9	30.7	28.6	26.6	24.6	22.9	21.6	20.7	تولید ناخالص داخلی (به میلیارد دالر امریکایی)
6.6	7.2	7.2	7.2	7.6	7.8	8.0	8.2	7.9	6.2	4.6	4.2	رشد تولید خالص داخلی (به فیصد)
892	857	819	784	750	716	682	649	617	589	569	557	عاید سرانه تولید ناخالص داخلی (به دالر امریکایی)
تمویل حکومتی (درصدی نظر به تولید ناخالص داخلی مگرآنکه طور دیگر ذکر شده باشد)												
26.4	26.5	26.6	26.7	26.7	26.9	26.8	30.4	30.6	30.5	27.6	26.8	عوايد حکومتی به شمول کمکهای بلاعوض
17.4	17.5	17.6	17.7	17.7	17.9	17.8	16.9	15.7	14.0	13.3	12.4	عوايد حکومتی (از منابع داخلی)
7,442	7,036	6,626	6,219	5,838	5,508	5,078	4,481	3,868	3,218	2,871	2,565	به میلیون دالر امریکایی

1,344	1,297	1,258	1,195	1,138	1,124	997	954	839	401	210	16	از جمله صنایع استخراجی و ترانزیت
10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	31.6	35.0	38.6	42.4	39.0	کمکهای بلاعوض
9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	13.5	14.9	16.5	14.3	14.5	شامل بودجه
3,418	3,216	3,009	2,816	2,634	2,457	2,287	3,598	3,680	3,775	3,100	3,000	به میلیون دالر امریکایی
1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	18.1	20.0	22.1	28.1	24.6	کمکهای خارج از بودجه
26.4	26.5	26.6	26.7	26.7	26.9	26.8	30.4	30.6	30.5	27.6	26.8	مصارف حکومتی
7.7	7.9	8.1	8.4	8.6	8.9	9.2	9.6	9.9	10.3	10.5	10.5	مصارف امنیتی
6.4	6.5	6.7	6.8	7.0	7.1	7.3	7.6	7.8	8.0	8.2	8.3	مصارف عادی بخش ملکی
12.3	12.1	11.8	11.5	11.1	10.9	10.2	13.3	12.9	12.2	8.9	8.0	مصارف انکشافی بخش ملکی

منبع: ارقام تخمینی بانک جهانی، وزارت مالیه و وزارت اقتصاد



6 . تاثيرات متوقعه

6 وظایف پشتیبانی

6.1 اتخاذ پالیسی های صنعتی

هدف اصلی چارچوب پالیسی پیشنهادی، استفاده از امکانات استفاده نشده سکتورهای زراعت، معادن، ادویه و انرژی در قدم اول به مثابه تسریع کنندگان تجارتی سازی در سطوح کوچک و متوسط میباشد. در نتیجه، این استراتژی شامل پالیسی صنعتی نرم جهت فعالیت بهتر در سطح مجموع اقتصاد و سکتورهای مشخص میگردد. پالیسی صنعتی سکتوری طبق فوق عملی شده مگر از رقابت خفیف و یا سرمایه گذاری در فعالیتهای دارای سود پایین اجتناب خواهد کرد. از همین جهت در اصل، صنعتی سازی تحت رهبری زراعت، با استفاده از اصلاحات اساسی غیرمستقیم با اقدامات مستقیم، شیوه قوی برای رقابت بهتر خواهد بود.

6.2 هماهنگی میان کابینه و شورای عالی اقتصادی

وزارت اقتصاد وظیفه نظارت و تقویت اقتصاد افغانستان را در سطح کلان بدوش دارد. علاوه بر پیگیری و گذارندهی در مورد اقتصاد ملی و نتایج میانمدت و درازمدت بودجه، این وزارت همچنان مسئول اجرایی تطبیق و عملی نمودن پالیسی اقتصادی و چارچوب سرمایه گذاری که هدف آن افزایش فواید سرمایه گذاری برای رشد است، میباشد. در نتیجه، این استراتژی مشمول تمام وزارتها بوده و باید توسط حکومت در سطوح ملی و محلی تطبیق شود. این استراتژی غرض غنای و بحث بیشتر و تأیید به جلالتماب رئیس جمهور، کابینه، و اعضای شورای عالی اقتصادی ارائه خواهد شد.

6.3 انسجام پالیسی و استراتژی

این استراتژی پالیسی اقتصادی نبوده گرچه مجموعه از گزینه های پالیسی اقتصادی که باید بصورت دقیق توسط حکومت و همکاران انکشافی آن مورد رسیدگی قرار می گیرند، را بیان میکند. این استراتژی با چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان که در حقیقت پلان پنج ساله برای نیل به خودکفایی است، مطابقت داشته و از آن حمایت کامل مینماید. هدف چارچوب، کمک به افغانستان در حل بسیاری از چالشهای آن، پایان دادن فقر، و تامین امنیت و ثبات و تعیین راه بسوی خودگردانی، و تداوم بهتر مالی در سطح کلان میباشد.

این استراتژی سایر استراتژی ها را تعویض نکرده و نه با آنها در رقابت قرار دارد. در عوض، این استراتژی تکمیل کننده پالیسی های موجود بوده و بصورت مکمل با برنامه ملی دارای اولویت انکشاف سکتور خصوصی، برنامه ملی دارای اولویت استخراج معادن، چارچوب انکشاف زراعت، و استراتژی ملی صادرات ادغام خواهد شد. هدف از این استراتژی ایجاد ساختارهای موازی و رقیب نبوده، بلکه در عوض هدف از این استراتژی افزودن ارزش از طریق تشخیص، تحلیل و تحقیق بیشتر و پیشنهاد گزینه های بدیل مبتنی بر مدارک و شواهد میباشد.

6.4 توسعه مدل اقتصادی جدید ملی

این استراتژی با ایجاد یک مدل جدید اقتصادی برای افغانستان مورد حمایت قرار گرفته که از مدل سکیچ شبیه سازی اهداف انکشافی ملل متحد برای نیل به این اهداف و مدل کوچک اقتصاد کلان (MAMS, MODAF) بانک جهانی اقتباس شده که توسط این بانک جهانی تهیه شده و یک مدل کوچک اقتصاد کلان را برای اقتصاد افغانستان بدسترس قرار میدهد. هدف اینست تا این مدل را در اختیار عموم قرار داده و برای تقویت صحت آن نظریات مختلف را جمع آوری کرده تا تأثیرات تطبیق آنرا بالای پالیسی عامه و تصمیم مربوط به سرمایه گذاری تقویت نمود.

مدل نهایی یک مدل شبیه سازی کل اقتصاد بوده که روی تحلیل استراتژی های اقتصادی میانمدت و درازمدت و موازنه های سرمایه گذاری متمرکز خواهد بود. این مدل، مدل تعادل عمومی قابل محاسبه معیاری و پویا را با یک مشخصه اضافی که آنرا برای تحلیل پالیسی مفید ساخته، ادغام میکند. در صورت مقایسه با مدلهای تعادل عمومی قابل محاسبه، مدل نهایی به حکومت این امکان را خواهد داد تا تأثیر اقدامات مختلف مستقیم و غیرمستقیم را بالای رشد، عواید و اشتغال زایی معلوم کرد. این مدل همچنان افزایش بهره دهی عوامل (که روی ذخایر سرمایه حکومت و بازبودن اقتصادی استوار است)، و ردیابی دارایی ها (بدهی های) ادارات مختلف (مجموع زمین، نیروی کار، سرمایه و تشیئات، قروض داخلی حکومت، و قروض خارجی) را امکان پذیر میسازد. این مدل همچنان به منظور معلوم نمودن تأثیرات گزینه های پیشنهادی تعویض واردات مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

6.5 ایجاد شرایط مساعد برای تولیدات داخلی

شیوه سرمایه گذاری شامل اقدامات پیشنهادی برای افزایش تولیدات داخلی در سکتورهای موردنظر که قبلاً مشخص شده و همچنان بهبود شرایط عمومی برای تجارت و کار میباشد. هدف کلی افزایش سرمایه گذاری خصوصی (داخلی و خارجی)، کاهش هزینه تولید، هزینه های معاملاتی میان بازارها، و افزایش تولید و بهبود بیلانس تجارت میباشد.

^{۱۵} مدل کوچک اقتصاد کلان در اصل مدل بخش تقاضا بوده مگر شامل عرضه زراعتی نیز میگردد. این مدل این مدل شامل ۸ معادله تصادفی با ۱۸ مشخصه است و دارای ۴۱ متغیر است که ۱۳ متغیر ارائه شده توسط کاربر خارجی می باشند

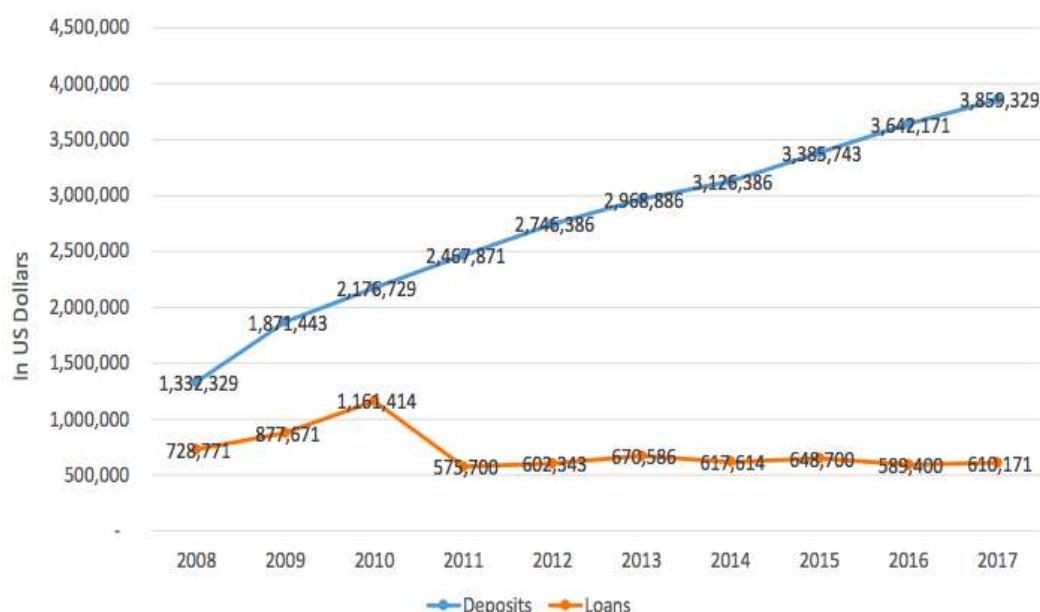
6.6 دسترسی به قرضه

این استراتژی درک میکند که دسترسی به قرضه (به شمول قرضه یا اعتبار صادراتی) از طریق سیستم بانکی، برای ایجاد محیط مساعد تر برای تجارت و افزایش تولیدات داخلی مهم میباشد. قسماً به اثر میراث کابل بانک، افغانستان با وضعیت سختی روبرو بوده جایی که بانکها دارای سپرده های کلان بوده مگر این سپرده ها برای انکشاف صنعتی و اقتصادی به قرضه تبدیل نمیشوند. افغانستان در زمینه دسترسی به قرضه در میان ۱۹۰ کشور جهان در رده ۱۰۱ قرار دارد.^{۱۶} علاوه بر مشکلات ارائه قرضه به علت مقررات سخت، شرایط مغلق تضمین، و اجتناب از خطر توسط بانکها، تقاضا برای اخذ قرضه عمدتاً به سبب تقاضای کم در اقتصاد در سطح پایین قرار دارد:

- دسترسی به منابع مالی اکثراً برای تمویل سرمایه گذاریها و آغاز پروژه های جدید برای تولیدات داخلی مهم میباشد. شکل ۷ ذیل نشان میدهد که سپرده ها در سیستم مالی افزایش یافته درحالیکه فعالیتهای قرضه دهی/ گرفتن قرضه تا اندازه زیادی کاهش یافته است،
- این استراتژی آغاز گفتگو میان بانک مرکزی، بانک های دولتی و بانک های خصوصی برای سهل ساختن دسترسی به قرضه برای شرکتهای داخلی پیشنهاد مینماید. بخشی از بحثها شامل ایجاد میکانیسم های قابل اعتماد بیمه برای حفاظت از بانکهای دولتی و خصوصی و دسترسی شرکتهای قرضه های دارای شرایط سهل خواهد بود،
- وزارت اقتصاد موسسات غیرحکومتی دارای تجربه را تشویق خواهد کرد تا تلاشهای شانرا برای کار مشترک با تشبثات کوچک و متوسط و حمایت از تولیدات داخلی افزایش دهند. موسسات غیرحکومتی شبکه ثابت و منظم در سراسر کشور داشته و دارای ظرفیت نهادی و نیروی انسانی برای آوردن تغییر میباشد.

این استراتژی می پذیرد که تفاوت در روزهای تعصیلات اخیر هفته میان افغانستان و سایر کشورها مشکل دیگر در برابر اتصال مالی به حساب میرود. این کار باعث پیچیده شدن و افزایش خلا میان شرکتهای صادراتی افغانی و سایر کشورها در انجام تجارت میگردد. بخصوص، شکاف کلان در معامله مالی وجود دارد و تاخیر در صادرات برابر با کاهش یک روزه در تجارت است.^{۱۷}

چارت شماره ۷: گرایشها در نسبت سپرده ها و قرضه



حکومت پیشنهاد میکند تا با بانکهای دولتی و خصوصی به منظور بازنگری همه ترتیبات مالی و خدمات صادراتی با درنظرداشت عملی نمودن پلان ملی تمویل صادرات (به شمول قرضه های صادراتی) و تضمین های تمویل صادرات کار نماید.

6.7 نیازمندی کالاهای محلی در تدارکات حکومتی

حکومت افغانستان یکی از بزرگترین خریداران در بازار داخلی محسوب میشود. این استراتژی این مسئله را یک فرصت شمرده و طرفدار آنست تا حکومت قراردادهایی برای خریداری محصولات داخلی و نیازمندی تولیدات محلی عقد نماید. به این صورت حکومت، به عنوان یک خریدار عمده، به تقویت رقابت محلی و ایجاد تقاضا برای تولیدات داخلی کمک مینماید.

^{۱۶} شاخص های انجام کسب و کار (گزارش انجام کسب و کار)، بانک جهانی، سال ۲۰۱۶ .
^{۱۷} جانکوف، فروند و فام (Djankov, Freund and Pham) سال ۲۰۱۰.

این استراتژی درخواست مینماید تا کابینه شیوه نیازمندی کالاهای محلی را منظور نموده و در برابر تولیدات داخلی از برخورد ترجیحی بیشتر استفاده نماید. اداره تدارکات ملی این شیوه را تا اندازه قابل ملاحظه مورد تطبیق قرار داده است. بازنگری این شیوه نشان داده که طرز العمل ها با اهداف این استراتژی مناسب و سازگار میباشند از همین رو ما طرفدار بازنگری کامل نیازمندیها و شرایط برای واجد شرایط شدن دواطلبی اداره تدارکات ملی بوده تا به نفع شرکت های داخلی از تبعیض مثبت کار گرفته و تا حد امکان از تنوع اطمینان حاصل شود.

میزان سرمایه گذاری و ظرفیتهای سکتور خصوصی در سطح بسیار پایین بوده است. در مطابقت با اینکه کمک دهندگان بین المللی کمکهای انکشافی شانرا با اولویت های حکومت افغانستان همسو سازند، برنامه ملی دارای اولویت انکشاف سکتور خصوصی این فرصت را فراهم میکند تا روی تشویق تولیدات داخلی به مثابه یک اولویت برای کشور تاکید صورت گیرد.

6.8 بهبودی در مدیریت زمین غرض گسترش زراعت تجارتی

طبق این استراتژی بهبودی در مدیریت زمین به منظور کمک به تولیدات داخلی برای حرکت بسوی یک اقتصاد تولیدی از اهمیت زیادی برخوردار است. مجموعه از مقررات سنتی و جدید منتج به سیستم های متضاد و مغشوش کننده در زمینه مدیریت زمین در افغانستان شده است. از سال ۲۰۰۴ بدینسو، به کمک مالی اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا، چندین پروژه تلاش کرده تا در سیستمهای زمین و اجاره داری در افغانستان بهبودی را بوجود بیاورد. درین عرصه کارهای زیادی چون سیستم معلوماتی مدیریت ثبت زمین، ایجاد اداره کادستر و سروی به مثابه بخشی از اداره اراضی، کتاب راهنما برای تجدید معلومات اسکان غیررسمی انجام شده است. درین زمینه به هدف بهبود مدیریت زمین در افغانستان کارهای بیشتر میتواند انجام شوند.

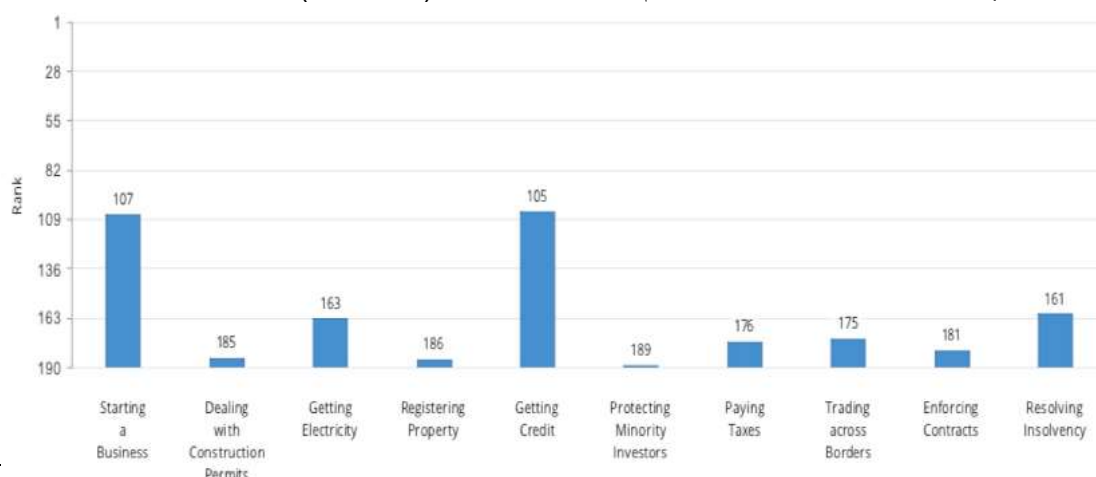
طبق معلومات انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا، در حدود ۷۰ درصد ساکنان شهرها در افغانستان در خانه های غیررسمی زندگی میکنند. خانه های غیررسمی، طبق معلومات سازمان همکاریهای اقتصادی و انکشاف، شامل ساحاتی است که دران خانه های مسکونی بالای زمین هایی اعمار شده که ساکنان دارای هیچگونه اسناد قانونی ملکیت آنها را ندارند. کمیته مشترک نظارت و ارزیابی به این باور است که ثبت اسناد و آرشیف ها، ضعیف، نامکمل، و آسیب پذیر بوده و همچنان امکان جعل و تزویر در آنها موجود است.

این استراتژی روی جهات اصلاح مدیریت زمین که بالای شرکتهای تولیدی تاثیر مستقیم دارند، تمرکز نموده و از همین رو دارای تاثیر بیشتر بالای انکشاف سکتور خصوصی و رشد اقتصادی میباشد. درحالیکه تقویت پارکهای صنعتی و ایجاد زونهای خاص اقتصادی باعث کاهش هزینه انجام تجارت در افغانستان میشود، این استراتژی همچنان اجاره دادن درازمدت زمین های دولتی به شرکتهایی که در عرصه تولید داخلی بر مبنای مدل زراعت تجارتی میانمدت و درازمدت (یعنی مزارع دارای مساحت ۵۰ تا ۵۰۰ هکتار) مشغول کار اند، را پیشنهاد مینماید. این کار به آنها اطمینان میدهد تا در داخل کشور سرمایه گذاری کرده و به این ترتیب زمین های استفاده نشده را به سرمایه تبدیل کنند. وزارت اقتصاد میان ادارات حکومتی چون اداره اراضی، وزارت های مربوطه و اتاق تجارت و صنایع و اتاق صنایع و معادن مسایل مربوط به تسهیل پروسه بهبود مدیریت زمین را هماهنگی خواهد کرد.

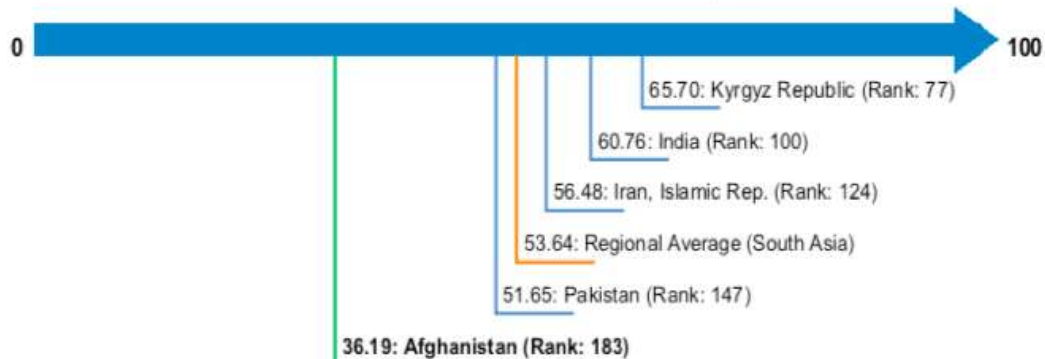
6.9 بهبود انجام کسب و کار با استفاده از تحلیل در سطح ولایات

افغانستان در سال ۲۰۱۸ در شاخص های انجام کسب و کار بانک جهانی، در میان ۱۹۳ کشور دنیا در رده ۱۸۳ قرار دارد. طوریکه در چارت شماره ۸ نشان داده شده افغانستان در دو عرصه، یعنی آغاز کسب و کار (در رده ۱۰۷) و اخذ قرضه (در رده ۱۰۵) کارکرد نسبتاً بهتری داشته است. چارت شماره ۹ کارکرد کشورهای موردنظر را به مثابه فیصدی مجری بهتر (۱۰۰) نشان میدهد. افغانستان دارای فیصدی ۳۶،۱۹ به اندازه ۶۳،۸۱ درصد از سرحد کوتاه آمده است. افغانستان در مقایسه با کشورهای منطقه عقب مانده است. از همین جهت، به منظور افزایش قدرت رقابت کشور در برابر کشورهای همسایه، که درین استراتژی روی آن تاکید شده است، باید کار بیشتر صورت گیرد.

چارت شماره ۸. عناصر متشکله انجام کسب و کار افغانستان (سال ۲۰۱۸)



چارت شماره ۹. مسافت افغانستان با سرحدات در مقایسه با کشورهای منطقه (سال ۲۰۱۸)



بانک جهانی همچنان قوانین و مقررات مربوط به چهار مرحله ایجاد شرکتهای کوچک و متوسط به منظور انجام کسب و کار و تجارت در رابطه با مجوزهای ساختمان، گرفتن برق، و ثبت ملکیتها را در سطح ولایات کابل، بلخ، هرات، کندهار، و ننگرهار مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. یافته های بانک جهانی قرار ذیل اند:

- متبشین افغان با مشکلات مختلف قانونی مبنی بر اینکه در کجا آنها تجارت و کاروبار را آغاز میکنند، روبرو میباشند. کیفیت و کارایی مقررات در محلاتیکه که در چهار عرصه مورد مطالعه قرار گرفته، به علت تفاوتها در تعبیر محلی قوانین و کارایی ادارات محلی مسئول اجرای قوانین و مقررات از همدیگر فرق میکند،
- ولایات افغانستان میتوانند در انجام تجارت از طریق تبادل و آموختن تجارب از همدیگر سهولتها را فراهم کنند. سیاست گذاران طرفدار اصلاحات میتوانند از راه تکتیر اقداماتی که قبلاً در سایر نقاط کشور موفقانه تطبیق شده است، تغییرات مثبت و ملموسی را بوجود بیاورند،
- با اتخاذ تمام شیوه های خوب که در سطح ولایات تجربه شده، افغانستان در رده بندی جهانی ۱۹۰ کشور در زمینه انجام تجارت آسان ۱۱ درجه بالا رفته و به این ترتیب از رده ۱۸۳ به درجه ۱۷۲ ارتقا کرده است،
- کابل در آغاز تجارت و گرفتن برق، در نتیجه آوردن اصلاحاتی که فقط در پایتخت عملی شده، در صدر قرار دارد. گسترش این اصلاحات به تمام افغانستان، متبشین دیگر ولایات و مراکز شهری را نیز ازین مزایا مستفید خواهند ساخت. کندهار در زمینه اجرای مجوزهای ساختمانی و ثبت ملکیتها در درجه اول قرار داشته، در حالیکه ولایت بلخ در همه چهار عرصه مطالعه شده در گزارش در شبکه دوم قرار داشته است.

این استراتژی از سهمگیری مثبت حکومتداری محلی نیرومند و تکتیر شیوه های بهتر تجارب محلی به سراسر کشور حمایت کامل میکند. علاوه برین، این استراتژی افزایش کارایی در ولایات و آزادسازی منابع در کابل را جایی که بسیاری از پروسه های اداری در آن مرکزی ساخته شده منحصی یک عنر اساسی برای پیشرفت آینده تلقی مینماید. تحلیل و بررسی ولایات همچنان آشکار ساخته که:

- افغانستان در ساده سازی پروسه آغاز تجارت از سال ۲۰۰۸ بدینسو قدمهای مهمی برداشته است. اگر کابل از کل کشور نمایندگی میکرد، درینصورت افغانستان در میان ۵۰ کشور برتر جهان به ارتباط آسان سازی آغاز تجارت قرار میگرفت، بصورت میانگین در پنج ولایت، تکمیل پروسه اخذ جواز ساختمانی نسبت به میانگین زمان در کشورهای جنوب آسیا، به پنج هفته زمان کمتر نیاز دارد، مگر هزینه آن دو برابر بیشتر میباشد،
- به منظور بهبود میزان ایمنی در صنعت ساختمان، شاروالی کابل درین اواخر مقررء را تصویب کرد که مقررات و شرایط اخذ تایید نهایی را برای ساختمانهایی که جدیداً اعمار میشوند، مشخص میسازد. ابتکارات محلی ازین قبیل میتوانند ما را به تصویب قانون ملی ساختمان نزدیک سازد،
- بطور اوسط در پنج ولایت، وصل کردن برق از حد اوسط منطقوی کشورهای جنوب آسیا، به سه هفته زمان کمتر نیاز داشته ولی هزینه اینکار نزدیک به ۷۰ درصد بیشتر میباشد،
- چون فقط ۳۰ درصد زمین های شهری بصورت رسمی ثبت گردیده، افغانستان با داشتن این مشکل در سطح جهان یکی از سخت ترین جاها برای تحویل و واگذاری زمین محسوب میشود.

پیچیدگی و مغلق بودن طرز العملها، سطح پایین شفافیت، و نبود زیربنای مناسب و کافی برای نگه داری اسناد از مشکلات و موانع عمده فرا راه بهبود و افزایش اعتبار سیستم اداره زمین به حساب میروند. تحلیل و بررسی ولایات، نقاط قوت و عرصه ها برای اقدام و مداخله را آشکار ساخته که میتوان موارد موفق آنرا تکتیر نموده، از نقایص و نقاط ضعف درس گرفته و به این ترتیب به بهترسازی پالیسی ها مبادرت ورزیم.

6.10 اصلاح سیستم دسترسی به برق صنعتی

در مقایسه با سایر کشورهای جنوب آسیا هزینه دسترسی به برق ۷۰ درصد بیشتر می باشد. این استراتژی کاهش هزینه دسترسی به برق را منحصراً یکی از اولویتهای خویش محسوب مینماید. هزینه های برق، بخش اعظم هزینه فی واحد کالا را در افغانستان تشکیل میدهد. علاوه برین، اتخاذ پالیسیهای مشخص برای کاهش هزینه برق برای تشبثات کوچک و متوسط، شرکتهای صادراتی، و بصورت عموم برای سکتور تولید داخلی کشور میتواند سطح تولیدات داخلی را تقویت نماید ولی امکانات کلانی برای سرمایه گذاری در بدیل های تولید برق در کشور وجود دارند. گزینه های ذیل در افغانستان وجود داشته که تطبیق آنها امکان پذیر میباشد: استخراج زغال سنگ و گاز طبیعی و استفاده از آنها برای تولید برق، توسعه و گسترش برق آفتابی، اعمار فابریکه های بیشتر تولید برق آبی به منظور کاهش میزان وابستگی به برق وارداتی.

در حال حاضر، د افغانستان برشنا شرکت یک کمپنی دولتی بوده که تمام سهام داران آن به شمول وزارت اقتصاد ادارات حکومتی میباشد. این کار به وزارت اقتصاد صلاحیت میدهد تا بصورت مستقیم سایر سهامداران را به انجام اصلاحات و ارائه پیشنهادات پالیسی مشخص به هدف بهبود رشد، و تقویت تجارت تشویق و ترغیب نماید. به عنوان قدم نخست، این استراتژی از معرفی نرخ یکسان تعرفه برق برای شرکتهای داخلی تولید کننده به عنوان یک عامل تعیین کننده برای توانمندسازی بخش خصوصی حمایت مینماید. انجام این کار هزینه گرفتن برق را برای تولیدات داخلی کاهش داده، مشکلات تشبثات خصوصی را در زمینه برق مرفوع نموده، و میزان رقابت آنها را در سطح ملی و بین المللی افزایش میدهد

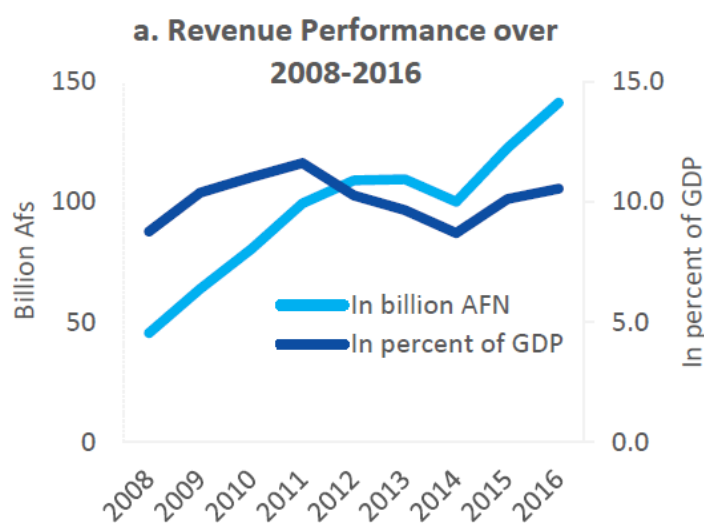
6.11 آوردن اصلاحات در سیستم مالیات

رژیم مالیاتی افغانستان بین سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ اصلاح گردید. این یک تلاش بزرگ به ارتباط رسمی سازی ادارات پرداخت کننده مالیات، و معرفی یک ساختار رسمی و ساده برای جمع آوری مالیات بوده است. در آن زمان، شرایط اقتصادی و اولویتهای افغانستان متفاوت بود. در جریان ده سال گذشته، شرایط اقتصادی و اولویتهای تغییر نموده است. پالیسی های مالیاتی میتوانند دارای دو هدف ذیل بوده باشند:

- افزایش عواید از طریق وسیع ساختن پایه مالیات و بهبود میزان پیروی از پرداخت مالیات به منظور تمویل وظایف حکومتی، و
- به عنوان یک پالیسی اقتصادی حمایت از رشد و سرمایه گذاری بوسیله حفظ و ادامه نرخ نسبتاً پایین و طرز العمل های متمر و کارای جمع آوری مالیات.

حکومت هم اکنون روی هدف اول کار میکند. میزان عواید داخلی طی دو سال گذشته روبه افزایش بوده است (به چارت شماره ۱۰ مراجعه شود). این افزایش عمدتاً از اثر معرفی مالیات جدید و پیروی بهتر از پرداخت مالیات ممکن شده است. تمرکز پالیسی مالیاتی اساساً روی افزایش عواید داخلی بوده و ازین رو به اثرات منفی وضع مالیات و اداره امور مالیات روی سرمایه گذاری و رشد اقتصادی توجه کمتر شده است.

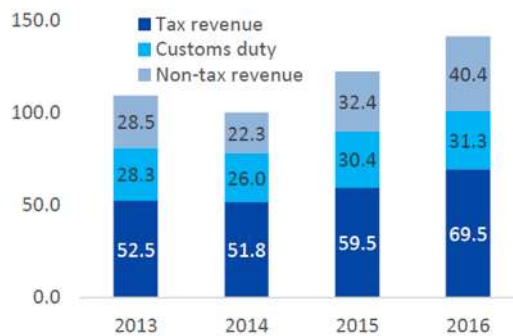
چارت شماره ۱۰. عواید داخلی حکومت افغانستان (۲۰۰۸-۲۰۱۶)



Source: Ministry of Finance

چارت شماره ۱۱ نشان میدهد که سهم نسبتاً بالای عواید حکومتی از مالیات داخلی بدست می آید. از سال ۲۰۱۳ الی سال ۲۰۱۶، سهم عواید از مالیات داخلی نزدیک به ۲۰ درصد افزایش یافته است. این یک پدیده غیرعادی نبوده هرچند در میان اقتصاددانان توافق نظر و اجماع موجود است که مالیات مستقیم باعث تحریف سرمایه گذاریها شده و در نهایت رشد تولید ناخالص داخلی را کند میسازد.

چارت شماره ۱۱. ترکیب عواید مالیاتی



این ستراتیژی، با هدف درازمدت آن برای تمرکز روی رشد پایدار و ایجاد عواید، به عوض بلند بردن میزان عواید در کوتاه مدت، آغاز مرحله بعدی اصلاحات مالیاتی را در هماهنگی با شورای عالی اقتصادی، وزارت مالیه و سایر نهادهای مربوطه حکومتی پیشنهاد مینماید. بهبود میزان پیروی و رعایت پرداخت مالیات، حصول اطمینان از شفافیت، قابلیت پیشبینی، صداقت و کارایی در اداره امور مالیاتی از عناصر مهم اصلاحات محسوب میشوند. این استراتژی اصول ذیل را به منظور آغاز مرحله بعدی اصلاحات پیشنهاد مینماید:

- منطقی ساختن رژیم مالیاتی تا تجار تشویق به سرمایه گذاری های بیشتر شده و فعالیت های شانرا گسترش دهند،
- ارائه بسته های تشویقی هدفمند و مشخص به سکتور برای انجام سرمایه گذاری و توسعه بیشتر. همچنان، ارائه بسته های تشویقی به آنهایی که جدیداً وارد بازار میشوند، بخصوص برای تولید کنندگان داخلی و تشبثات کوچک و متوسط که بصورت بالقوه کالاها را صادر میکنند، و
- رسمی سازی نهادهای تجارتی- در حال حاضر بین ۷۰ تا ۸۰ درصد اقتصاد کشور بصورت غیررسمی فعالیت میکند. این کار زمینه افزایش امکانات را برای جمع آوری مالیات بیشتر هموار خواهد ساخت.

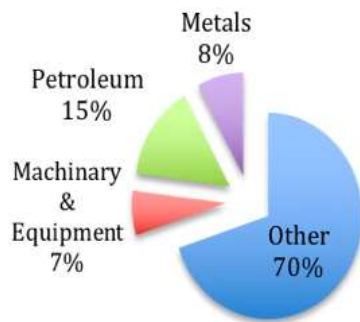
6.12 معیاری سازی، بازاریابی و توسعه

در کل بیلانس تادیات در افغانستان به سبب انتقال مستقیم پول (کمکهای خارجی کمک دهندگان) مازاد بوده است. ولی، با توجه به کسر تجارت و یا صادرات خالص (صادرات منهای واردات) تصویر بهتر ساختار اقتصادی را بدسترس قرار میدهد. کسر تجارت افغانستان در سال ۲۰۰۷ مبلغ ۲۴۷۵ میلیون دالر امریکایی بوده و این رقم در سال ۲۰۱۶ به ۵۹۳۸ میلیون دالر امریکایی افزایش یافت. سطح مجموعی تجارت خارجی در افغانستان در سال ۲۰۱۶ مبلغ ۷۱۳۱ میلیون دالر امریکایی بوده که ازین جمله ۹۱/۶ درصد آن حساب جاری در هر سال بوده است.

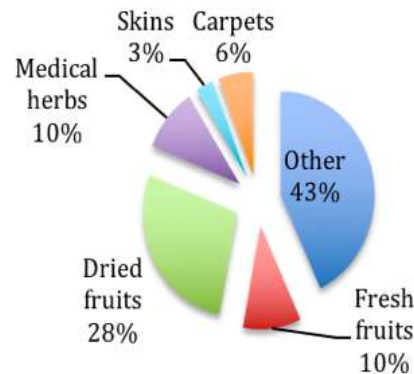
واردات در سال ۲۰۱۶ در افغانستان ۱۵/۴ درصد کاهش یافته و صادرات در مقایسه با سال ۲۰۱۵ به اندازه ۴/۴ درصد افزایش یافت که این روند نشاندهنده آنست که امکان تعویض واردات و رشد صادرات وجود دارد. به چارت شماره ۱۲ برای شرح وضعیت فعلی واردات و صادرات افغانستان مراجعه شود.

چارت شماره ۱۲. افغانستان- ترکیب واردات (۲۰۱۶-۲۰۱۷)

Import Composition 2016



port Composition 2016-17



بسیاری از فابریکه ها که بعد از سال ۲۰۰۱ باز ویا دوباره باز شده به علت کالاهای وارداتی ارزان و بازبودن سرحدات افغانستان بروی کالاهای وارداتی قانونی و قاچاقی بسته شده است. دهاقین و مولدین کوچکی که تهیه مواد خام ویا محصولات ضروری را به این فابریکه ها بدوش داشته اند، به فعالیتهای شان خانمه بخشیده و در نهایت وسایل امرار معیشت خویش را از دست داده اند. طور مثال، در گزارش منتشرشده در روزنامه انگلیسی آوتلوک افغانستان دلایل بسته شدن بیشتر از نیمی از جمله ۳۰۰ فابریکه در پارک صنعتی ولایت هرات توضیح شده است.^{۲۱} دلیل، البته هجوم کالاهای خارجی به بازار کشور بوده که بسیاری ازین کالاهای از کشور همسایه ایران وارد میشوند. واحدهای صنعتی که بسته شده قادر به رقابت با کالاهای ارزان و بی کیفیت ایرانی که به بازارهای کابل و سایر ولایات در سراسر کشور سرازیر شده ، نبوده اند.^{۲۲} همچنان، بسیاری از محصولات از قبیل سنگ مرمر، آرد گندم و لبنیات از کشورهای همسایه توريد شده که باعث کاهش تولیدات داخلی میشود.

این استراتژی به عنوان یک فرصت فوری پیشنهاد میکند تا به منظور حمایت از نیروهای تولیدی داخلی جوان مداخله صورت گرفته تا آنها بتوانند به تولید شان ادامه داده و کالاهای خویش را در بازارهای داخلی به فروش برسانند. بعد از کسب عضویت در سازمان تجارت جهانی، افغانستان مذاکراتی را روی یک جدول امتیازات برای بیشتر از ۲۴۰۰ قلم کالاها آغاز کرده که این کار فرصتی را فراهم میکند تا در مطابقت با اهداف این استراتژی مورد استفاده قرار گیرد. همراه با **حفاظت محدود در برابر واردات**، این استراتژی عرصه های ذیل را که حکومت به منظور کمک به گسترش صادرات میتواند در آنها مداخله کند، مورد توجه و رسیدگی قرار میدهد:

- جلب/ ایجاد کمپنی های تایید شده به منظور کاهش موانع در برابر صادرات از قبیل برچسب زدن، بسته بندی، و تصدیق دهی بصورت عموم که باعث کاهش صادرات میشود،
- بسیار مهم است تا نمایندگان خویش را در کشورهای مقصد صادرات داشته باشیم تا برای کالاهای افغانی بازاریابی کنند. ایجاد شبکه نمایندگان محلی در بازارهای صادراتی میتواند به دریافت مشتریان و تامین ارتباط میان تجار خارجی و شرکتهای داخلی کمک نماید. آنها میتوانند بازارهای مشخص به سکتور را برای صادرات از طریق گفتگو میان بخش های دولتی و خصوصی تثبیت و شناسایی کنند، و
- تاسیس ویا استخدام ادارات بازاریابی به منظور کمک به مولدین کوچک غرض دریافت مشتریان و تشویق تولیدات داخلی گزینه دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

^{۲۱} صنایع افغانستان در برابر کالاهای ارزان وارداتی مبارزه میکنند، نوشته مهدی رضایی (۲۰ جون، ۲۰۱۱)، روزنامه انگلیسی آوتلوک افغانستان.

^{۲۲} صنایع افغانستان در برابر کالاهای ارزان وارداتی مبارزه میکنند، نوشته مهدی رضایی (۲۰ جون، ۲۰۱۱)، روزنامه انگلیسی آوتلوک افغانستان.



7 . پلان تطبیقی

7 یلان تطبیقی

این برنامه توسط شورای عالی اقتصادی، شورای عالی در امور اصلاحات، وزارت اقتصاد، وزارت صنعت و تجارت، همراه با حمایت از تحقیق در مورد پالیسی های اقتصادی که توسط مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان فراهم میشود، نظارت میگردد. کمیته رهبری تعویض واردات مسئولیت صدور رهنمودها را بر مبنای هدایات داده شده خواهد داشت. پلان تطبیقی درازمدت در مجموع به سه پلان کاری سالانه تقسیم شده که دارای شاخص های مهم کارکرد با خطوط مبدا، میانمدت و پایان کار خواهد بود.

7.1 شیوه تطبیق

این استراتژی به اساس شیوه مبتنی بر شواهد ایجاد شده که اتخاذ تصمیم استراتژی را به منظور تمرکز روی سرمایه گذاریهایی که دارای نرخ بازدهی مثبت در مورد اهداف تعویض میباشند، امکان پذیر میسازد. عملی شدن و تطبیق یک شیوه مشترک حکومتی جایی که وزارت اقتصاد از طریق مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان به هدف تقویت شیوه مبتنی بر شواهد، افزودن ارزش به کار طرفین ذربط سکتوری کار مینماید، برای موفقیت مهم و حیاتی میباشد. در صورتیکه برای غنای بیشتر رهنمودهای تعویض تحقیق بیشتر صورت نگیرد، درین صورت اشتباهات رخ داده و این کار روی تطبیق پالیسی تاثیر منفی خواهد داشت.

بعد از تصویب استراتژی، و تأسیس مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان و کمیته رهبری تعویض واردات، این استراتژی درازمدت به پلان های کاری سالانه که با سالهای مالی حکومت و بودجه ارتباط خواهند داشت، تبدیل میشود. این پلانهای کاری توسط وزارت اقتصاد هماهنگ شده و اعضای کمیته رهبری تعویض واردات هر پلان کاری سالانه، و وظایف مربوطه را رسماً تأیید خواهد کرد. شکل شماره ۷ ذیل خلاصه شیوه پیشنهادی که روی تأسیس، اولویت بندی، پروسه های هماهنگی در سطح حکومت و پلان سالانه سرمایه گذاری تأکید مینماید، ارائه مینماید. اثرات میانمدت و درازمدت توسط مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان همراه با اداره ملی احصائیه و معلومات و وزارت های سکتوری نظارت خواهد شد. شاخص های کارکرد مهم در زمینه اثرات میانمدت و درازمدت در قسمت چهارم فوق بیان شده است.

شکل شماره ۷. شیوه کلی یلان تطبیقی



7.2 دور سالانه پلانگذاری همراه با پلان درازمدت

استراتژی کلی به دور سالانه پلانگذاری تقسیم خواهد شد. در سال اول، هدف ایجاد هماهنگی و توضیح ترتیبات تحویلدهی و همچنان تعیین خطوط مبدا و اهداف برای کل برنامه خواهد بود. در سال اول، پلان کاری سالانه تهیه و توسط کمیته رهبری تعویض واردات تأیید شده و غرض تصویب به شورای عالی اقتصادی ارائه خواهد شد. دور سالانه پلانگذاری در مطابقت با پروسه ترتیب بودجه ملی بوده و هزینه ها در برنامه وسیع ملی انکشاف سکتور مدغم و با استراتژی ملی صادرات هماهنگ خواهد شد. هر پلان سالانه با ماتریس نتایج که در آن خطوط مبدا، اهداف، روش تأیید و فرضیه ها توضیح شده باشد، همراه خواهد بود.

7.3 ساختارهای جدید تحقیق و هماهنگی پالیسی

به منظور تطبیق این استراتژی دو نهاد جدید تأسیس خواهد شد. تأسیس آنها توسط شورای وزیران منظور شده که یک نهاد آن قانونی (مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان) و دومی یک نهاد موقت خواهد بود (کمیته رهبری تعویض واردات). مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان توسط ریاست اداره امور ریاست جمهوری تأیید شده و دارای قانون ایجاد این مرکز خواهد بود. کمیته رهبری تعویض واردات یک نهاد موقتی بوده که منحصراً کمیته بین الوزارتی ایفای وظیفه کرده مگر نمایندگان بخش خصوصی چون اتاق تجارت در آن عضویت خواهند داشت. نقش و وظایف مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان و کمیته رهبری تعویض واردات در ذیل ارائه شده است.

7.3.1 مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان

این استراتژی تأسیس مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی را به منظور تمرکز روی تحقیق در مورد پالیسی های اقتصادی و انجام وظیفه منحصراً بخش تحقیقی وزارت اقتصاد پیشنهاد مینماید. این مرکز به شمول اقتصاددانان، متخصصین بخش تجارت و سکتوری، کارشناسان داخلی و خارجی را استخدام خواهد کرد. علاوه برین، این مرکز دارای یک تیم کوچک اداری به منظور اجرای تصمیمات بوده که کارهای اداری را انجام خواهد داد. این مرکز دارای نقش و وظایف ذیل خواهد بود:

- دادن مشوره در مورد رشد اقتصادی و پالیسی های تعویض واردات،
- رهبری روند تطبیق اقدامات حمایت و هماهنگی پالیسی های اقتصادی" که در قسمت سوم استراتژی بیان شده است،
- انجام ارزیابی اثرات پیشبینی شده و عملی پالیسی در مورد برنامه های انکشاف ملی شامل محدوده این استراتژی و خارج از آن،
- ارائه پیشنهادات پالیسی در مورد رشد اقتصادی، مسایل اقتصاد کلان، اشتغال، تحلیل فقر، رفاه اجتماعی، تأسیسات زیربنایی، تقاعد، معارف و صحت،
- ایجاد مشارکتهای بین المللی با موسسات تحقیقی جهانی به شمول انتقال مهارتها و دانش تکنیکی،
- ایجاد و حفظ مدل رشد ملی تعادل عمومی قابل محاسبه (ارقام واقعی اقتصادی به منظور معلوم نمودن اینکه چگونه یک اقتصاد به تغییرات در پالیسی، تکنولوژی و سایر عوامل خارجی عکس العمل نشان میدهد)، شامل ساختن یافته های تحقیق درین مدل و تنظیم فرضیه ها برای انجام پیشبینی و ارائه ارقام پیشبینی شده،
- ادامه گفتگو در مورد پالیسی عامه با بخش خصوصی،
- میزبانی کنفرانس ها و سیمینارها در سطح ملی، و
- این مرکز جلسات سالانه اقتصادی را به هدف ارائه معلومات جدید در مورد دورنمای اقتصادی افغانستان و بررسی گرایش های آینده برگزار نموده و همچنان برنامه های آموزشی و ورکشاپها را برای ارتقای ظرفیت راه اندازی خواهد کرد.

7.3.2 کمیته رهبری تعویض واردات

ایجاد کمیته رهبری تعویض واردات به مثابه یک پلتفرم حکومتی تحت رهبری وزارت اقتصاد بصورت مشخص روی تطبیق، هماهنگی و نظارت از استراتژی تعویض واردات تمرکز خواهد داشت. اعضای کمیته رهبری تعویض واردات به هدف اجتناب از ایجاد ساختارهای موازی از تمام ادارات و ریاست های سکتوری که درحال حاضر در بخش های مختلف حکومتی فعالیت میکنند، انتخاب خواهند شد. کمیته رهبری تعویض واردات با توجه به سکتورهای انتخاب شده که قبلاً صورت گرفته به واحدهای کاری تقسیم شده تا بررسیها، تحلیل از وضعیت و زنجیره های ارزش و همچنان کمک تکنیکی به تشیبات سکتوری مورد نظر را ارائه نمایند. کمیته رهبری تعویض واردات نتایج تحقیقات را بازنگری کرده، پالیسی ها را مورد غور و بررسی قرار داده، موافقت کابینه و شورای عالی اقتصادی را بدست آورده و رهنمودها را غرض اجرای آنها صادر مینماید. بودجه کمیته رهبری تعویض واردات شامل بودجه داخلی وزارتها بوده و در صورت ضرورت توسط جامعه جهانی حمایت مالی خواهد شد. وظایف این کمیته قرار ذیل ارائه میگردد:

- بحث و بررسی یافته های تحقیقی و نتیجه گیری در مورد پالیسی های مربوطه،
- رهبری پروسه اولویت بندی و تطبیق پلان های کاری سالانه،
- صدور رهنمودها برای تصویب شورای عالی اقتصادی،
- تقویت ارتباطات با نهادها و ادارات مشابه بین المللی، و
- ارائه کمک به بخش خصوصی به شمول کار با پروژه های حمایت از تشیبات جدید کوچک و متوسط جهت کمک به آگاهی اقتصادی تشیبات جدید، ارتقای ظرفیت، پروژه ها و همکاریهای فارغین پوهنتونها، و حمایت از سرمایه آغاز فعالیت.

کمیته رهبری تعویض واردات از تطبیق این استراتژی حمایت نموده و از مدارک و شواهد ارائه شده توسط مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان استفاده خواهد کرد.

7.4 زمان برای تطبیق

این استراتژی در ظرف هفت سال آینده تطبیق خواهد شد. این بدان معنی است که این استراتژی به منظور تضمین ادامه آن در جریان دوره های انتخاباتی ادامه یافته که هر سال تطبیقی آن دارای پلان کاری سالانه خواهد بود. با توجه به اینکه تغییرات در ظرفیت صنعتی سالهای زیادی را در بر خواهد گرفت، چنین چوکات زمانی ترتیب گذاری دقیق اقدامات را با استفاده از تحقیقات جدید، کسب تجارب و بررسی اثرات امکان پذیر میسازد. این استراتژی با چارچوب میانمدت مالی و چارچوب میانمدت مصارف همسو خواهد بود.

7.5 ترتیبات نهادی

تطبیق این استراتژی باید به یک اولویت حکومتی مبدل شده و شامل قوای سه گانه دولت یعنی قوه اجراییه، قوه مقننه و قوه قضائیه گردد. اساساً، این استراتژی همچنان باید در سطح ولایات و ولسوالی ها جایی که بخش اعظم ظرفیت تولیدی موجود است، مورد تطبیق قرار گیرد. وظایف و مسئولیت های اساسی در ذیل ارائه میشود.

7.5.1 نقش وزارتها و نهادهای حکومتی

موفقیت این استراتژی نتیجه تلاش های مشترک سایر نهادهای حکومتی به شمول وزارتها، و نهادهای تنظیم کننده و قانونی برای تطبیق آن خواهد بود. وظایف و نقش های مشخص قرار ذیل میباشد:

- **شورای عالی اقتصادی و شورای عالی در امور اصلاحات:** تصویب استراتژی و پلان های عمومی و سالانه، تصویب اصلاحات پیشنهادی پالیسی و تنظیم کننده و بازنگری پیشرفت نتایج میانمدت و اثرات درازمدت.

- **وزارت اقتصاد:** هماهنگی، تحقیق و انکشاف و نظارت از اثرات بصورت روزمره. انجام تحقیقات دارای کیفیت عالی در مورد پالیسی های اقتصادی و تعویض واردات توسط مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان و ریاست کمیته رهبری تعویض واردات. انجام تحقیقات مبتنی بر مدارک، طور مثال در مورد انکشاف کلسترهای صنعتی، اصلاحات تعرفه یی و غیرتعرفه یی و همچنان تحقیق در مورد افزایش دهنده ها (ضریب های) اشتغال. نشر ربعوار معلومات جدید اقتصادی و گزارشدهی سالانه در مورد اثرات درازمدت.

- **وزارت صنعت و تجارت:** این وزارت اجراکننده اصلی پالیسی های صنعتی و تولیدی به منظور تشویق رشد از طریق تهیه پالیسی ها و مقررات لازم و فراهم آوری تسهیلات برای تولیدات بخش خصوصی و تجارت میباشد. وزارت صنعت و تجارت به منظور کمک به این استراتژی از اهداف ستراتیژیک ذیل حمایت خواهد کرد: (۱) فراهم آوری شرایط مساعد قانونی برای تجارت و درجه بندی در شاخص انجام تجارت افغانستان (۲) بهبود و تقویت رقابت بین المللی و تجارت (۳) صنعتی سازی افغانستان از طریق افزایش صادرات و تعویض واردات (۴) حصول اطمینان از اینکه بخش خصوصی در شرایط عادلانه و برابر فعالیت میکند (۵) حصول اطمینان از رشد طرفدار مردمان فقیر و (۶) تقویت اقتصاد بازار و افزایش آگاهی در مورد چگونگی فعالیت آن.

- **وزارت مالیه:** وظیفه اساسی وزارت مالیه کمک به ثبات مالی در سطح کلان، بهبود اداره امور مالی عامه و تعیین معیارها و نظارت از ترتیب و اجرای بودجه میباشد. با توجه به تمرکز روی مشارکت عامه و خصوصی، به شمول امتیازات درازمدت، وزارت مالیه از تدارک سرمایه گذاری های مشارکت عامه و خصوصی که شامل طور مثال زراعت تجارتی در سطح کلان و زونهای خاص اقتصادی میگردد، حمایت خواهد کرد.

- **د افغانستان بانک:** نقش د افغانستان بانک در حمایت از استراتژی افغانستان تولیدی ارائه کمک غیر مستقیم ولی مهم در بخش پالیسی به هدف تشویق افغانی سازی، تعویض واردات و تسریع تجارتی سازی میباشد. هدف اساسی ریاست پالیسی پولی رسیدن به ثبات داخلی قیمتها و کاهش نوسانات شدید در نرخ تبادل از طریق مداخله در بازار داخلی با توجه به تاثیر قابل ملاحظه نرخ تبادل ارز بالای تورم پولی میباشد. هر دو کار برای تحقق اهداف استراتژی یک افغانستان تولیدی مهم محسوب میشوند.

- **وزارت زراعت، آبیاری و مالداري:** وزارت زراعت، آبیاری و مالداري تطبیق برنامه جامع زراعت را رهبری کرده و به صحت نباتات و حیوانات، خدمات ترویج و امنیت غذایی کمک کرده و تطبیق منشور زراعت را که عناصر آن برای این استراتژی تعویض واردات مهم میباشد، بدوش دارد.

- **وزارت صحت عامه:** تمرکز قوی روی حمایت از تعویض واردات برای صنایع ادویه سازی تا همه اتباع کشور به امکانات کامل در بخش صحت دسترسی پیدا کنند از وظایف این وزارت محسوب میشوند. عرصه های ستراتیژیک مهم حمایت قرار ذیل اند: (۱) افزایش دسترسی برابر و عادلانه به خدمات باکیفیت صحت (۲) تقویت نقش رهبری کننده وزارت صحت

عامه در رهبری و پیشبرد سکتور صحت (۳) حمایت در بخش قوانین و مقررات و معیاری سازی سکتور خصوصی برای عرضه خدمات صحتی باکیفیت و (۴) ایجاد شرایط مساعد برای تولید و دسترسی به ادویه باکیفیت.

اداره ملی ستنرد افغانستان: اداره ملی ستنرد در قدم اول مسئول تصویب و تعیین ستنردهای ملی و حمایت از انکشاف تاسیسات زیربنایی باکیفیت در سطح کشور میباشد. اداره ملی ستنرد از حمایت شورای عالی ستنردها برخوردار است. اداره ملی ستنرد دارای وظایف مهم ذیل در حمایت ازین ستراتیژی است: (۱) ستنرد سازی (۲) فن اندازه گیری (اوزان و مقیاسها) (۳) خدمات بررسی مطابقت، و (۴) وظیفه تنظیم کننده.

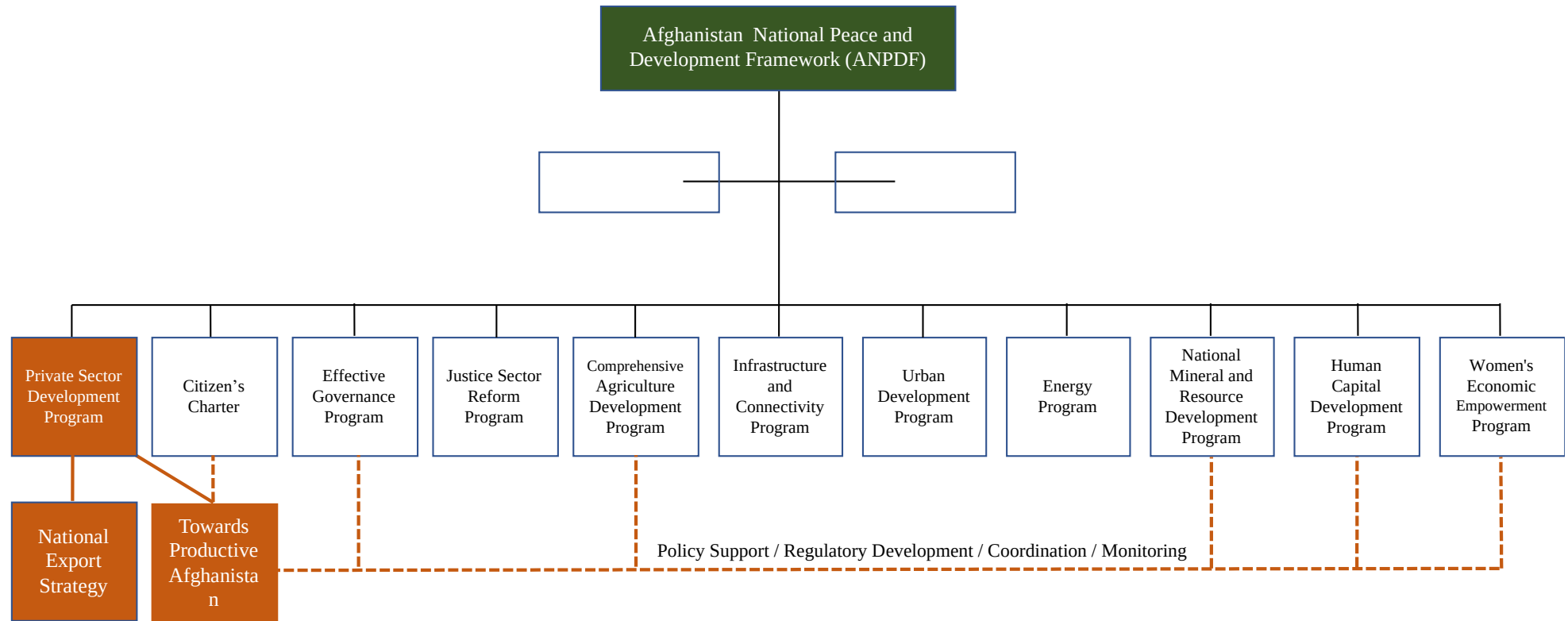
سایر وزارت‌های مربوطه: سایر وزارت‌های مربوطه به منظور حمایت ازین ستراتیژی دارای یک ویا بیشتر مسئولیتهایی بوده که در ذیل بیان میشود:

- تسهیل شناسایی و بازرنگری قوانینی که روی انکشاف صنایع اثرگذار بوده تا اطمینان حاصل شود که آنها رشد کلسترهای صنعتی را در اقتصاد برای ایجاد سرمایه و اشتغال زایی تسهیل مینماید،
- تلاش های حمایتی در بهبود تحقیق و انکشاف در همکاری با مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان و همچنان انتقال تکنالوژی و انکشاف مهارتها،
- حصول اطمینان از تهیه زمین و شامل ساختن مسایل سلامت محیط زیستی و حفاظتی در ستراتیژی ملی تعویض واردات و ستراتیژی ملی صادرات،
- تهیه منابع لازم بودجوی و بشری برای تطبیق این ستراتیژی،
- شامل ساختن وزارت اقتصاد و وزارت صنعت و تجارت در تطبیق پلان کاری سالانه به شمول گزارش دهی در مورد نتایج آنها،
- فراهم آوری تسهیلات برای انکشاف صنایع و زیربنای ترانسپورت و تامین نیازمندیهای انرژی و آب به منظور حمایت از فعالیتهای صنعتی در سراسر کشور،
- حمایت از انکشاف تولیدات تجارتي در مقیاس کلان به شمول تاسیس و به کارگیری صنایع زراعتی و زونهای خاص اقتصادی،
- حمایت از سکتور خصوصی، تشبثات کوچک و متوسط و شرکت زنان، جوانان و گروه های آسیب پذیر در انکشاف صنایع،
- تقویت ارتباطات به جلو و عقبی میان کلسترهای تولید، صنعت، زراعت، استخراج معادن و ادویه،
- کار در جهت بهبود شرایط تجارت و سرمایه گذاری، و
- کمک به نظارت از کارکرد، نتایج میانمدت و اثرات درازمدت.

7.6 هزینه

هزینه تطبیق این ستراتیژی بصورت سالانه محاسبه شده و از طریق پروسه بودجه ملی مورد توافق قرار میگیرد. با توجه به اینکه ارقام پیشبینی شده مجموعی در مطابقت با ستراتیژی رشد وزارت مالیه قرار داشته، فرضیه های تعیین هزینه همچنان منعکس کننده چارچوب های میانمدت مالی و مصارف میباشد. هزینه های مالی اضافی (طور مثال از طریق کاهش تعرفه ها) در زمان مقرر آن محاسبه شده و شامل ارقام پیشبینی شده هر سال مالی خواهند شد.

شکل شماره ۸ : چارچوب جامع هماهنگی برای استراتژی تولیدی افغانستان





8. نظارت و ارزیابی

8 نظارت و ارزیابی

وزارت اقتصاد، با کار مشترک با سایر وزارت های سکتوری، ادارات احصایوی و تجارتی و همکاران بین المللی یک خط مبدای پالیسی را ایجاد نموده که به اساس آن شاخصها و اهداف فوری، و میانمدت تعیین و مشخص خواهند شد. این ستراتیژی از طریق پلان تطبیقی ستراتیژی تعویض واردات که در قسمت ششم ستراتیژی ارائه شده، عملی خواهد شد.

مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان رهبری کار نظارت و ارزیابی را بدوش داشته که با تحقیق روی تحلیل کلسترهای صنعتی، افزایش دهنده ها (ضریبهای) اشتغال و سایر شاخصهای مرتبط با پروسه بودجه ملی که درباره آن اثرات مالی، مصارف، تولید ناخالص داخلی و اشتغال گزارش داده میشود، ارتباط داده خواهد شد. علاوه برین، با توجه به تاخیر در عملی ساختن تدابیر پالیسی، و انجام آزمایش بازار به هدف معلوم نمودن علاقه مندی سکتور خصوصی، خط مبداء، و شاخص های خط مبداء و خط پایانی باید منعکس کننده شیوه عملی پوتنسیال سرمایه گذاری بوده باشد. این ستراتیژی با ستراتیژی رشد چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان و چارچوب مالی کلان همسو بوده که در نتیجه نتایج میانمدت و اثرات درازمدت ناشی ازین ستراتیژی منعکس خواهند شد.

ریاست نظارت و ارزیابی وزارت اقتصاد رهبری نظارت در سطح نتایج میانمدت و اثرات درازمدت را بدوش داشته و ازین رو پیشنهاد میگردد تا ارزیابی های میانمدت و ارزیابی های بعد از تکمیل همراه با سایر وزارتها و جامعه جهانی طور مشترک راه اندازی شوند.

فهرست کتب (که در تهیه این استراتژی از آنها استفاده شده است)

- اداره مرکزی احصائیه (۱۳۹۵). "کتاب سالنامه احصایوی افغانستان (۱۳۹۵)".
- اداره مرکزی احصائیه (۱۳۹۵). "سروی شرایط زندگی در افغانستان. فصل نیروی کار"
- جانکوف، ایس، کارولاین ایف و کونگ ایس. پی- Djankov, S, Caroline F, & Cong S. P. (۲۰۱۰). "تجارت به موقع" بازنگری اقتصاد و احصائیه ۹۲، ۱ (۲۰۱۰): ۱۶۶-۱۷۳.
- صندوق بین المللی پول (۲۰۱۷). دورنمای اقتصادی جهان: افغانستان."
- بالما، ایل- Balma., L (۲۰۱۸) اثرات اقتصادی تغییرات ساختاری و ستراتیژیهای تعویض واردات در افغانستان: شبیه سازی با استفاده از مدل سکیچ شبیه سازی اهداف انکشافی ملل متحد که توسط وزارت اقتصاد حکومت افغانستان موظف شده است.
- عمر جویا (۲۰۱۸) اثرات اقتصاد کلان تقویت تولیدات داخلی در افغانستان که توسط وزارت اقتصاد حکومت افغانستان موظف شده است
- لین. جی (Lin.J.) (۲۰۱۲). اقتصاد جدید ساختاری. "چارچوب برای فکر دوباره در مورد انکشاف و پالیسی". بانک جهانی. به این سایت مراجعه شود: <http://siteresources.worldbank.org/DEC/Resources/84797-1104785060319/598886-1104951889260/NSE-Book.pdf>
- مهدی رضایی (۲۰۱۱). "صنایع افغانستان با واردات ارزان مبارزه میکنند." روزنامه انگلیسی آوتلوک، افغانستان.
- وزارت مالیه (۱۳۹۵). "سند استراتژی مالی، چارچوب میانمدت مالی."
- اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریک (۲۰۱۷). "برنامه منطقی انکشاف زراعت-EAST"
- گروپ بانک جهانی (۲۰۱۸). "شاخص های انجام تجارت سال ۲۰۱۸ در سطح کشور: افغانستان"

ضمایم

ضمیمه یک: یازده اولویت سکتور خصوصی

که توسط موسسه حرکت و اتاق تجارت و صنایع افغانستان تهیه شده و در کنفرانس های لندن و بروکسل توسط حکومت جمهوری اسلامی افغانستان مطرح شده است:

- i. بهبود سیستم های سنتی آبیاری و تقویت سیستم های عصری پایدار.
- ii. انکشاف سیستم ملی خط ریل برای افغانستان (بازنگری و رسیدگی به تصامیم و پیشنهادات مهم پلان ملی خط ریل افغانستان و تقاضای کمک از جامعه جهانی برای تطبیق آن).
- iii. انکشاف زیربنای کمکی (سرکها و برق) در اطراف دهلیزهای منبع به هدف تسهیل انکشاف و حمل و نقل مطمئن معادن استخراج شده.
- iv. ایجاد خدمات عامه (ارائه همه خدمات توسط یک دفتر) با سیستم های جامع الکترونیکی که خدمات بهتر اداره تجارت (ثبت، جوازدهی، تجدید جواز، مالیات، تادیه مالیات گمرکی و سایر نیازمندیهای مهم اداره تجارت در کابل و هفت مرکز تجارتي) را به مردم عرضه میکنند.
- v. پایین آوردن هزینه و افزایش میزان دسترسی به منابع مالی از طریق توسعه پروژه های موجود تضمین قرضه و قرضه های کوچک و جالب ساختن شرایط انجام قراردادها و وصول قرضه برای وام دهندگان.
- vi. تهیه استراتژی پارکهای صنعتی با درنظرداشت نظریات و مفکوره های سکتور خصوصی (به شمول ایجاد یک دفتر مستقل برای پارکهای صنعتی با اعطای اختیارات خاص).
- vii. تصویب عاجل قانون برق، مقرر ها و رهنمودهای مربوطه که تاسیس فوری اداره مستقل برق برای تطبیق پالیسی هایی که از سرمایه گذاری سکتور خصوصی در سکتور برق حمایت میکند، را تسهیل نماید.
- viii. ایجاد یک برنامه به منظور تقویت تاسیسات زیربنایی و تجهیزات موسسات آموزشهای تخریکی و حرفه یی برای ۲۰۰۰۰۰ شاگرد بادرنظرداشت تقاضای بازار.
- ix. حمایت از سرمایه گذاران و تقویت سرمایه گذاری (بهبود انجام قراردادها، حل اختلافات، حل مسایل مربوط به افلاس و ورشکستگی).
- x. تهیه پالیسی ملی و چارچوب قانونی و تنظیم کننده برای مشارکت های عامه و خصوصی.
- xi. ایجاد مسیر بدیل برای ترانزیت از طریق آسیای میانه که در امتداد پروژه پیشنهادی لوله گاز آسیای مرکزی تطبیق خواهد شد.

ضمیمه ۲: مهم ترین اقلام وارداتی از ریاست گمرکات افغانستان (سال ۲۰۱۶)

لیست ۲۲ قلم کالاهای وارداتی در افغانستان که بخش اعظم کالاهای وارداتی و همچنان ۸۰ درصد عواید گمرکی را در سال ۲۰۱۶ تشکیل میدهد.

لیست ۲۲ قلم کالاهای وارداتی که بیشتر از ۸۰ درصد عواید گمرکی را در سال ۲۰۱۶ تشکیل میدهد (به میلیون افغانی)				
شماره	اقلام وارداتی	مالیات گمرکی)	ارزش تجارت	فیصدی (%)
				عواید تجارت
1	نفت (گاز و مواد سوختی)، محصولات نفتی	13,142	54,413	20.12%
2	آرد گندم	4,898	40,126	7.50%
3	آهن باب	4,755	27,055	7.28%
4	ماشین آلات میخانیکی، مخابراتی و پرزه جات آنها	3,440	26,586	5.27%
5	وسایط نقلیه و پرزه جات آنها	3,237	18,900	4.96%
6	سمنت	2,977	16,974	4.56%
7	روغن خوراکی	2,898	30,219	4.44%
8	چوب چارتراش	2,879	30,012	4.41%
9	بوره و شیرینی باب	1,895	18,724	2.90%
10	سبریجات و لوبیا	1,257	6,827	1.92%
11	گندم	1,238	10,117	1.90%
12	چوب و اشیای چوبی	1,210	7,799	1.85%
13	تنباکو (سگریت، پان و غیره)	1,131	4,362	1.73%
14	لبنیات	999	6,830	1.53%
15	وسایل پلاستیکی و فلزی	994	8,671	1.52%
16	کاغذ و اشیای کاغذی	977	6,466	1.50%
17	چای سیاه و سبز	941	8,813	1.44%
18	کود کیمیایی	838	8,744	1.28%
19	آلات و ابزار ساخته شده از فلزات عادی (فولاد ضد زنگ، المونیم و غیره)	717	5,484	1.10%
20	رابر و اشیای رابری	694	6,857	1.06%
21	گوشت	690	4,585	1.07%
22	محصولات طبی	466	4,863	0.71%
	سایر کالاهای وارداتی	13,043	6,915	0.00%
	مجموع	5,316	30,341	0.00%

ضمیمه ۳: ۱۰ قلم مهم وارداتی از ریاست گمرکات افغانستان (۲۰۱۷)

لیست ۱۰ قلم مهم وارداتی که بخش اعظم واردات و همچنان بیشتر از ۸۰ درصد عواید گمرکی کشور را در سال ۲۰۱۷ تشکیل میدهد.

۱۰ قلم مهم وارداتی (به میلیون افغانی)			
2017			
شماره	اقلام وارداتی	ارزش مالیات گمرکی	عواید گمرکی
1	آرد گندم	49,169	5,533
2	نفت (گاز و مواد سوختی)، محصولات نفتی	35,970	6,923
3	چوب چارتراش	32,716	2,829
4	روغنی خوراکی	32,457	2,808
5	ماشین آلات میخانیکی و مخابراتی و پرزه جات آنها	24,547	3,936
6	بوره	22,237	1,923
7	سمنت	21,363	3,478
8	گاز مایع	17,027	1,461
9	برنج	10,463	901
10	وسایط نقلیه و پرزه جات آنها	10,245	1,158
ده کشور مهمی که افغانستان از آنها بیشترین کالا را توريد میکند (به میلیون افغانی)			
2017			
شماره	کشورها	ارزش مالیات گمرکی	عواید گمرکی
1	پاکستان	83,456	10,077
2	ایران	79,101	12,432
3	چین	77,672	8,219
4	قزاقستان	58,485	6,408
5	ترکمنستان	25,300	3,270
6	جاپان	24,574	3,950
7	ازبکستان	24,293	3,771
8	مالیزیا	23,949	2,125
9	هندوستان	16,167	1,924
10	فدراسیون روسیه	13,466	1,571

ضمیمه ۴: نقش د افغانستان بانک

سابقه

هدف اساسی د افغانستان بانک حفظ و نگه داری ثبات قیم در افغانستان از طریق تهیه و تطبیق پالیسی های پولی معقول میباشد. در طی دهه گذشته، د افغانستان بانک در کنترل تورم پولی در سطح هدف تعیین شده بصورت متداوم موفق بوده است. برای نیل به هدف حفظ سطح عمومی قیم و اجتناب از تورم پولی و تقلیل میزان پول، ادارات پولی ذخیره پولی را تحت برنامه تمدید شده کریدیت، کاهش فقر و افزایش رشد صندوق بین المللی پول هدف قرار میدهند. نقش صندوق بین المللی پول نظارت از تهیه و تطبیق یک پالیسی درست و معقول پولی در کشور میباشد. در اصطلاحات اقتصادی، رژیم پالیسی پولی افغانستان میتواند تحت نام هدفگیری پولی طبقه بندی شود. هدفگیری پولی عبارت از پالیسی پولی است که میزان رشد تراکم پولی معین را هدف خویش قرار میدهد اساس این نوع رژیم پالیسی پولی روی رابطه بین رشد پول و ثبات قیمتها مبتنی میباشد. دانشمندان علم اقتصاد توافق نظر دارند که هدفگیری پولی برای کشورهایی دلخواه است که در آنها خلای شدید معلوماتی و محدودیتهای اطلاعاتی وجود داشته باشند.

ثبات اقتصاد کلان و پولی پیش شرطی برای رشد و سرمایه گذاری محسوب شده گرچه بی نظمی های سیاسی، جنگ، فرار سرمایه و خشک سالی در افغانستان شرایط نامساعدی را برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی ایجاد کرده است. مطابق به یافته های سروی شرایط زندگی در افغانستان، رشد اقتصادی احیا شده ولی کند و بطی باقیمانده (برای سال ۲۰۱۸ در حدود ۲٫۴ درصد پیشبینی شده است) و میزان فقر از ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۵۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. طبق یافته های صندوق بین المللی پول، علیرغم بهبودی و تغییرات مثبت در سکتور مالی- به شمول میزان بالای نقدینگی و کاهش نرخ سود که در برابر اوراق بهادار د افغانستان بانک پرداخته میشود، سکتورهای مالی در برابر صدمه ها و شرایط نامساعد آسیب پذیر میباشد.

د افغانستان بانک رژیم مدیریت شده نرخ تبادل شناور را ادامه داده و به منظور کاهش نوسانات شدید در نرخ تبادل در بازار تبادل ارزهای خارجی مداخله مینماید. در سال ۲۰۱۱، پول افغانی در برابر دالر امریکایی به ۴۳ افغانی تبادل میشد، ولی الی ماه اکتوبر ۲۰۱۸، پول افغانی ۶۰ درصد ارزش خویش عمدتاً به سبب نیرومند بودن دالر از دست داده است. در سالهای اخیر، ریل ایرانی (در نتیجه وضع تعزیرات) و روپیه پاکستانی همچنان ارزش شانرا در برابر پول افغانی از دست داده اند. اقلام شامل در بسته صادراتی افغانستان محدود، موسمی و مختص به شرایط افغانستان میباشند. بر علاوه، صادرات تا حد زیادی در برابر قیمتها غیرقابل انعطاف و تغییر ناپذیر هستند. تاثیر نرخ تبادل برای واردات نسبتاً مهم بوده که برای صادرات نوپای افغانستان این را مشکل میسازد تا با کالاهای ارزان خارجی در بازار داخلی رقابت کنند.

نرخ موثر واقعی تبادل با جریان کمکهای خارجی ارتباط متقابل داشته و دلاری شدن بیش از حد، پلانگذاری سرمایه گذاری را برای توريد کنندگان و صادرکنندگان پرچالش ساخته است. میزان صادرات بوسیله کاهش اخیر در نرخ موثر واقعی تبادل متاثر شده، در عین حال عواملی چون مشکلات در بخش عرضه داخلی (دسترسی به منابع مالی، برق، زمین و غیره)، هزینه های ثابت بالا (به علت چالش های امنیتی) و دسترسی محدود به بازارهای جهانی توسعه صنایع را در افغانستان تا حد زیادی با موانع روبرو میسازد. تورم پولی اساساً، که با داشتن اثر تلافی کننده نرخ موثر واقعی تبادل قابل ملاحظه بوده، از شرکای تجارتی وارد شده در حالیکه کمکهای بین المللی همچنان تاثیر محدود تورمی روی اجناس و خدمات داشته و رقابت را با بازارهای خارجی تضعیف میسازد. افزایش ارزش پول ناشی از کمکهای خارجی همراه با مشکلات در شرایط سرمایه گذاری، روی تعویض واردات و توسعه صادرات تاثیر منفی داشته است.

در حالیکه صادرات از سطح بسیار پایین در طی همین مدت به میزان قابل ملاحظه افزایش یافته ولی نتوانسته با واردات برابری کنند که این کار منجر به کسر کلان تجارت شده است. طبق گزارش بانک جهانی، بین سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۶، صادرات اجناس و خدمات افغانستان از ۱/۱۳ میلیارد دالر امریکایی به ۱/۳۴ میلیارد دالر امریکایی افزایش یافته که فقط ۱۸/۵ درصد افزایش را نشان میدهد. واردات هم به میزان مشابه افزایش داشته (۱۸/۷ درصد) که از ۸/۰۴ میلیارد دالر امریکایی به ۹/۵۴ میلیارد دالر امریکایی بالا رفته است. کسر تجارت ساختاری اجناس و خدمات در سالهای اخیر در حدود ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی باقیمانده و به ۴۲/۱ درصد در سال ۲۰۱۶ رسیده در حالیکه صادرات فقط به ۶/۹ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶ بالغ شده است. خوشبختانه ذخایر ارزهای خارجی بیشتر از ۸/۲ میلیارد دالر امریکایی بوده که بیشتر از یکسال واردات را تحت پوشش خویش قرار میدهد. جریان بزرگ کمکهای خارجی (به شمول کمکهای حکومت ایالات متحده امریکا که تا هنوز در اقتصاد کشور دنبال نشده) به کشور باعث تقویت قدرت خرید در سطح ملی شده که چنین عدم توازن را ببار آورده است. اثر ناخوشایند این وضعیت اینست که باوجود اینکه حکومت و کمک دهندگان بین المللی از افزایش اشتغال در داخل کشور ناامید شده، ولی در عوض افغانستان در خارج از کشور اشتغال زایی کرده است.

وضعیت مالی همچنان در مسیر بدتر شدن قرار داشته که این کار میزان سرمایه گذاری عامه را تضعیف میسازد. بیلانس مالی مجموعی به شمول کمکهای بلاعوض از صفر در سال ۲۰۱۶ به کسر ۰/۶ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته در حالیکه کسر تجارت و کسر حساب جاری تا اندازه زیادی توسط کمکهای بلاعوض کمک دهندگان خارجی تمویل میشد. به عنوان یک اقتصاد کوچک، باز و محاط به خشکه با کسر تجارت طولانی مدت، تغییرات در نرخ تبادل بالای ثبات قیمتهای داخلی اثرگذار میباشد. دلاری شدن بیش از حد اقتصاد کشور که در سطح بسیار وسیع مورد استفاده قرار دارد همچنان به این وضعیت کمک نکرده است.

در بخش رسمی سازی تجارت و اقتصاد، رسمی سازی باعث تضعیف تداوم مالی شده و همچنان موثریت فعالیتهای بانک مرکزی را در بازار محدود میسازد. با توجه به اینکه جریان بزرگ کمکهای خارجی به کشور باعث افزایش تقاضا برای کالاهای خارجی به عوض تولیدات داخلی شده، که این کار به عوض رشد در داخل باعث رشد در خارج از کشور شده که پالیسی ها حالا باید روی این نقیصه بازار و قیمتها غلبه کنند. مجموع قرضه به بخش خصوصی به میزان قبل از سال ۲۰۱۴ باقیمانده است. همراه با توجه به تولید کوچک زراعتی (که بخش کلان آن پایدار نیست) و عدم تمرکز روی زراعت تجارتی در مقیاس بزرگ، افزایش تولیدات نسبتاً کم بوده است. صادرکنندگان هندی و پاکستانی به قرضه های صادراتی دسترسی داشته، در حالیکه صادرکنندگان افغانی این دسترسی را ندارند. کالاهای صادراتی افغانستان از نظر کیفیت اطمینانی نبوده که این کار نفوذ به بازار صادراتی را محدود میسازد.

نقش د افغانستان بانک در استراتژی یک افغانستان تولیدی

نقش د افغانستان بانک در حمایت از استراتژی تولیدی ارائه حمایت غیر مستقیم ولی مهم در سطح پالیسی برای تقویت افغانی سازی و تعویض واردات میباشد. هدف اساسی ریاست پالیسی پولی رسیدن به ثبات داخلی قیمتها و کاهش نوسانات شدید در نرخ تبادل از طریق مداخله در بازار داخلی با توجه به تاثیر تلافی کننده نرخ تبادل در تورم پولی میباشد. هر دو اقدام برای تحقق اهداف استراتژی افغانستان تولیدی مهم بوده چون ثبات قیم و نرخ تبادل در حفظ ثبات اقتصاد کلان نقش مهمی بازی میکنند.

اقدامات حمایت از استراتژی

وضع موجود به افغانستان کمک زیادی نکرده چون حکومت افغانستان به مجموعه از ابزارهای اقتصادی که برای تسریع رشد، صنعتی سازی و اشتغال زایی ضروری استند، تا اندازه زیادی دسترسی کامل ندارد. مجموعه از اقدامات ذیل از همین جهت شناسایی شده که جهت تشویق افغانی سازی، صنعتی سازی تعویض واردات و تجارتی سازی برای این استراتژی مهم میباشد. اولویتهای افغانستان تولیدی در ذیل ارائه میشوند:

- افزایش تلاشها در تشریک مساعی با سایر موسسات اقتصادی و مالی حکومت **به منظور کاهش دالری شدن و بهبود نرخ موثر تبادل**، افزایش معاملات و خدمات مالی به پول افغانی برای احیای انفاذ پالیسی پولی،
- بهبود **میکانیسم انتقال پول** جایی که شرایط عمومی اقتصادی مستقیماً بوسیله تصامیم پالیسی پولی متاثر میشوند،
- افزایش **شمولیت مالی**، افزایش دسترسی به قرضه های دارای نرخ پایین سود برای مولدین کوچک، متوسط و بزرگ و تجار،
- انکشاف خدمات بانکی در تمویل اسلامی، اجاره داری، و سایر خدماتی که به تجارتی سازی زراعتی کمک مینمایند،
- شیوه های تشخیص برای درک بهتر سطح پایین قرضه گیری سکتور خصوصی از بانک های تجارتی. باوجود تلاش ها برای ارزان ساختن و قابل دسترس ساختن بیشتر قرضه ها، سکتور خصوصی بصورت عموم در اخذ قرضه از بانک ها تردید دارند،
- انکشاف بیشتر موسسات مالی قرضه های کوچک و غیربانکی برای پیشبرد اجندای افغانی سازی،
- تشویق بانکهای تجارتی برای انکشاف **خدمات مالی** جدید برای تجار بزرگ و صنعت کاران کوچک که با تمویل مختلط مورد حمایت کمک دهندگان (نرخ پایین تر تخفیف)، کاهش خطر سرمایه گذاری و پایین آوردن نرخ حداقل عاید سرمایه گذاری ارتباط داشته باشد،
- د افغانستان بانک در هماهنگی با وزارت مالیه و سایر ادارات حقوقی و اجرایی حکومت در انکشاف بازار دومی نقش فعال خواهد داشت، و
- کمک به تهیه پالیسی اقتصادی ملی به هدف تسریع افغانی سازی.

